

هُوَ الْكَاشِفُ

---



سرشناسه	فیربیرن، برت، ۱۹۵۹ - م. Fairbairn, Brett
عنوان و نام پدیدآور	مفهوم و مصداق راجدیل/ برت فیربیرن؛ ترجمه سیدمهدی میردامادی.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۳۲ ص: ۱۴، ۵* ۲۱، ۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۰۸۹-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	The meaning of Rochdale : the Rochdale pioneers and co-operative principles, c1994. عنوان اصلی:
عنوان دیگر	پیشگامان نهضت راجدیل و اصول تعاونی
موضوع	انجمن پیشگامان برابر راجدیل -- تاریخ
موضوع	Rochdale Equitable Pioneers' Society -- History
موضوع	تعاون -- انگلستان -- راجدیل -- تاریخ
موضوع	Cooperation -- England -- Rochdale -- History
موضوع	سیستم راجدیل -- تاریخ
موضوع	Rochdale system -- History
شناسه افزوده	میردامادی، سیدمهدی، ۱۳۲۶ -، مترجم
شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده بندی کنگره	۹۱۳۹۶ ف۹/ر/۹ HD۳۴۸۶
رده بندی دیویی	۳۳۴/۰۹۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۶۳۰۲۳

فرهنگ تعاون و همکاری

---



ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نویسنده: برت فیربیرن

مترجم: سید مهدی میردامادی (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم

و تحقیقات تهران)

طراح جلد: هاجر قربانی

صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده

نوبت چاپ: اول - مرداد ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۰۸۹-۸

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

# مفہوم و مصداق راجدیل پیشگانان نہضت راجدیل و اصول تعاونی

پرت فیبرین

ترجمہ

سید ہدی میردامادی

دفتر آموزش، ترویج و تحقیقات تعاونی‌ها

معاونت امور تعاون

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



## فهرست مطالب

---

۱	پیشگفتار مترجم .....
۳	پیشگامان نهضت راجدیل و اصول تعاونی .....
۷	بخش اول: واقعیت تاریخی راجدیل .....
۴۳	بخش دوم: راجدیل به عنوان یک نماد و الگو .....
۸۹	بخش سوم: اصول راجدیل و تعاونی های زراعی آمریکای شمالی .....
۱۲۷	بیوگرافی کارهایی که ذکر شده (به زبان اصلی) .....
۱۳۱	پی نوشت ها .....





## پیشگفتار مترجم

سپاس خداوند بزرگ، که توفیق اتمام این کار را به من عنایت فرمود. این کتاب پیرامون تجربه جامعه راجدیل در انگلستان است که بیش از ۱۶۰ سال از آن واقعه می‌گذرد، اما گذشت زمان نتوانسته ارزش نتایج این تجربه را کمرنگ کند. اطلاعات این کتاب درس‌های بسیار آموزنده‌ای را برای کارآموزان، مسؤولان امور برنامه‌ریزی، مدیران و اعضای تعاونی‌ها دربردارد. اگرچه این کتاب تمام قواعد کتاب‌نویسی را رعایت ننموده، شیوایی و دانش گسترده نویسنده در حوزه تعاون، غنای زیادی به آن بخشیده است. همان‌گونه که خواننده ملاحظه خواهد نمود، این کتاب به سه بخش عمده تقسیم شده است؛ در بخش نخست، تاریخچه، ساختار اجتماعی، نحوه شکل‌گیری اجتماع و اصول راجدیل بررسی شده است؛ بخش دوم، راجدیل را به‌عنوان یک نماد اجتماعی تأثیرگذار معرفی نموده و تأثیر شرایط بین‌المللی بر اوضاع کارگری آن زمان انگلستان و شروع ساختار اصول راجدیل و ضرورت انجام تغییرات در این اصول از سال ۱۸۶۰ تا به امروز از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف زمان خود را بیان داشته است؛ و در بخش سوم، نتیجه‌گیری و درس‌هایی که می‌توان از این

تجربه تاریخی کسب کرد همراه با تجربیات تعاونی‌ها در آمریکای شمالی، شکست‌ها و پیروزیهای آن بیان شده است. در ترجمه این کتاب تلاش شد متن کتاب بدون تغییر در مفهوم آن به ساده‌ترین شکل ممکن به فارسی برگردان شود، که خالی از نارسایی نخواهد بود. در اینجا لازم می‌دانم از معاونت محترم وقت وزارت تعاون و همکاران در پیشنهاد، و پیگیری در انجام این مهم تشکر فراوان نمایم و از نیز سرکار خانم سمیه اسماعیلی که در اصلاح و ویراستاری متن فارسی کمک نمودند نیز صمیمانه تشکر کنم.

سید مهدی میردامادی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات تهران

## پیشگامان نهضت راجدیل و اصول تعاونی

راجدیل<sup>۱</sup> انگلستان، به یک دلیل برای میلیون‌ها نفر شناخته شده است: در سال ۱۸۴۴، عده‌ای کارگر در شهر راجدیل، یک تعاونی را تحت عنوان جمعیت پیشگامان برابری طلب راجدیل در آن محل تأسیس نمودند که منبع الهام‌بخش و الگویی برای شکل‌گیری نهضتی<sup>۲</sup> شد که اکنون نزدیک به ۷۰۰ میلیون نفر را در اطراف و اکناف جهان تحت پوشش خود دارد. هم‌اکنون که این کتاب در حال نگارش است، اعضای تعاونی‌ها در سراسر دنیا خود را برای برگزاری یک صدوپنجاهمین سالگرد تولد آن آماده می‌کنند. اما راجدیل چه پیامی داشت؟ چرا تا این اندازه بااهمیت تلقی می‌شود؟

---

1. Rochdale

2. Movement

## نمادها<sup>۱</sup> و واقعیت‌ها

راجدیل تا حدودی به یک افسانه شباهت دارد. گرچه این افسانه یک واقعیت مسلم تاریخی را نیز با خود همراه دارد. این واقعیت تاریخی از طریق اسناد و متون دست اول و کهن و نوشته‌های جدیدی که آن منابع قدیمی را تفسیر می‌کنند، در دسترس ما قرار گرفته است. اما جدا از واقعیت تاریخی آن، راجدیل نمادی پویا و فعال است که درک و شناخت ما از تعاونی‌های کشورهای امروز جهان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. افسانه راجدیل<sup>۲</sup> با ۲۸ نفر از کارگران فقیر نساجی شروع شد که در سال ۱۸۴۴ مغازه‌ای را در خیابان تاد<sup>۳</sup> راه اندازی کردند؛ مغازه‌ای که تبدیل به اولین تعاونی موفق در جهان شد و اصولی را برای کلیه تعاونی‌های بعد از خود تعریف کرد. اما سه مورد گفته شده پیشین، به نوعی غلط است؛ گفتن اینکه راجدیل توسط کارگران گرسنه نساجی تشکیل شد؛ اولین تعاونی موفق جهان بوده و اینکه تنها با نگاه به اساسنامه آن می‌توان به اصول واقعی تعاون پی برد. اما مهم نیست، چون افسانه، نوعی حقیقت را نیز با خود همراه دارد و به چنین افسانه‌ها و حقایق باید با دیده احترام نگریست. راجدیل، افسانه‌ای خوب و سازنده و دربرگیرنده عناصری است که با هر تعریفی حقیقت دارند. راجدیل یک واقعیت تاریخی و نشانه یا نماد و مظهر نهضت جهانی تعاون و منشأ باور و الهام‌بخش میلیون‌ها نفر انسان است. پیام راجدیل چیست؟ به‌خاطر سپردن این نکته حائز اهمیت است که هر نسلی پیام راجدیل را به‌گونه‌ای تعبیر می‌کند تا به نیازهای خود دست پیدا کند.

مشکلات سال ۱۸۴۴ را از برخی جهات می‌توان شبیه به مشکلاتی

1. Symbols

2. Myth of Rochdale

3. Toad

دانست که امروزه در جوامع کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته وجود دارند. راه حل های راجدیل چیزی شبیه به اندیشه امروزین توسعه پایدار اجتماعی است: در عام ترین حالت، راجدیل مظهر توسعه در راستای تأمین منافع بلندمدت افراد و اجتماعات است؛ یعنی توسعه ای که توسط خود افراد تأثیرپذیر، کنترل و نظارت می شود. راجدیل، چشم انداز مشارکت در عرصه تغییر اجتماعی است. این امر خود دلیل خوبی برای عمیق تر شدن در پیام راجدیل است. اما چیزی که فرد ممکن است از آن استنباط کند شاید ساده نباشد.

این تحقیق شامل سه بخش است. در بخش نخست، خاستگاه ها، و منشأ شکل گیری و توسعه جمعیت پیشگامان برابری اطلب راجدیل تحلیل می شود؛ داستانی که بارها گفته شده، اما شرح آن این بار با درس ها و مثال های غنی همراه خواهد بود. دوم، این تحقیق بر شیوه های تعبیر و تفسیر راجدیل توسط آن دسته از رهبران و عالمان تعاونی متمرکز است که تلاش کرده اند تا راز پنهان موفقیت تعاونی راجدیل را طی ۱۵۰ سال گذشته آشکار سازند. کثرت تفاسیر مختلف از راجدیل نشان می دهد که هیچ فهرست ساده ای از اصول وجود ندارد که بتواند اختلاف های جزئی درباره این سنت غنی و پیچیده را جذب و ثبت کند. در انتهای این کتاب به یک نمونه عینی نیز پرداخته می شود: تضاد بین اندیشه های راجدیل و غیر راجدیل پیرامون تعاون در نهضت تعاونی زراعی اوایل قرن بیستم آمریکای شمالی. چنین نمونه هایی نشان می دهد اندیشه های راجدیل توسط تعاونی های مختلف مورد بحث و مجادله قرار گرفته است؛ برای آنکه رهیافت های متعددی برای مفهوم تعاونی وجود داشته؛ و این پذیرش گسترده اصول راجدیل در نهضت

تعاونی امروز، نتیجه پیکارهای<sup>۱</sup> سخت، شکست‌ها<sup>۲</sup> و سازش‌هاست<sup>۳</sup>. همه این داستانها قبلاً گفته شده است، اما این تحقیق تظاهر به یک کار اصلی تحقیق یا حتی خلاصه تفسیر جامعی از آن ندارد. هدف آن جمع‌آوری نقطه‌نظرات پیرامون راجدیل است تا به خوانندگان تکیه‌گاه مناسبی برای ورود به برخی مباحث پیچیده را بدهد<sup>۴</sup>.

راجدیل در واقعیت تاریخی خود، به مدت ۱۵۰ سال به‌عنوان یک اندیشه و منبع الهام‌بخش در مناظره و خلاصه‌سازی افکار تعاون‌گران بین‌المللی، به‌عنوان یک مفهوم آزمون‌شده در شرایط فراملی، مورد چالش و اصطکاک بوده است.

---

1. Battles

2. Defeats

3. Compromises

۴. در اینجا تمرکز بر روی راجدیل است، با این وجود بحث ناچاراً به بحث گسترده‌تر اصول تعاونی تقسیم خواهد شد، این تحقیق نمی‌تواند عدالت را نسبت به بسیاری از مفسرانی که پیرامون اصول تعاونی‌های راجدیل نوشته‌اند، انجام دهد. بسیاری از مکاتب فکری غنی در مورد این موضوع در فرانسه، آلمان و دیگر کشورها وجود دارند، کسانی که دیدگاه‌هایشان به‌ندرت در قالب یک دیباچه تحقیق از دیدگاهی خاص آورده شده است. اصول کلی تعاونی و کاربردهای آن در کانادا موضوعات پیمایش شده‌ای هستند که در دیگر کارهای تحقیقی از همین انتشارات با این نشانی McGillivray and Ish, 1992 منتشر شده‌اند.

## بخش اول: واقعیت تاریخی راچدیل

کارگرانی که در ۱۵۰ سال قبل، پیشگامان راچدیل را سازماندهی کردند، افرادی بودند که به واسطه انقلاب صنعتی از پراکندگی اجتماعی رنج می‌بردند. تقلا<sup>۱</sup> آنان برای زنده ماندن<sup>۲</sup> در دوره بیکاری؛ با دستمزدهای ناچیز در شهرهای آلوده و محیط‌های کاری خطرناک صورت گرفت. آنها هیچ‌گونه منافع اجتماعی، تأمین اجتماعی یا بیمه از طرف کارفرمایان خود یا از جانب دولت دریافت نمی‌کردند. آنها در دام تجاری گرفتار شده بودند که گاهی بدون در نظر گرفتن سرانجام کارها، کسانی را که درمانده شده و از فقر رنج می‌بردند، استثمار کرده و با فروش اجناس در قیمت‌های بالا، با انجام تقلب<sup>۳</sup> در کالاها، یا با پیشنهادهای اعتباری، به خود وابسته کرده بودند. کارگران راچدیل

- 
1. Struggle
  2. Survive
  3. Adulterating

در آن هنگام حق رأی نداشتند و دولتی را که به صورت دموکراتیک انتخاب شده باشد برای نمایندگی خود نداشتند، هیچ واسطه حکومتی برای محافظت از آنها وجود نداشت. در یک زمان و مکان با این قبیل چالش‌ها مواجه بودند. عکس‌العمل آنان نسبت به ترس از مشکلات اجتماعی نوع خاصی از کمک به خود بود، کمکی دوجانبه، که در آن در واقع آنها با کمک به یکدیگر به خود کمک می‌کردند که آن شروع کوچک، مبدل به یک حرکت بزرگ بین‌المللی گردید.

### جنبه‌های اجتماعی و سیاسی

راجدیل شهری بر مبنای کارخانجات پارچه‌بافی بود، بافندگی که سرآمد صنعت آن شهر محسوب می‌شد به واسطه انقلاب صنعتی در حال رکود بود. برای قرن‌های متمادی راجدیل مرکزی برای تولید پارچه‌های فلانل<sup>۱</sup> بود؛ اما در اوایل دهه‌های قرن نوزدهم، نساجی‌های دستباف با رقابت قدرتمند پارچه‌بافی‌ها و مواجه شدن با سیاست‌های تعرفه‌ای ایالات متحده آمریکا روبه‌رو شدند و بازارهای خود را از دست دادند. نارضایتی در میان بافندگان راجدیل شدت یافت. ناآرامی‌های کارگری، شامل اعتصاب‌های تند و خشن سال‌های ۱۸۰۸ و ۱۸۲۹ تکرار شد. پس از اولین اتفاقات، نیروهای نظامی تا سال ۱۸۴۶ در نزدیکی راجدیل مستقر شدند. این شهر یک مرکز مهم طبقه کارگری و همچنین سیاست‌های تند بود. کارگران راجدیل نقش‌های مهمی در نهضت اتحادیه کارگری، در شکل توده برعهده داشتند، اما نقش آنان در نهضت‌ها بدون موفقیت مبارزات اصلاحی، در دستیابی به حق انتخاب برای افرادی عام، و در نهضت‌های لویح کارخانه‌ای برای مقررات صنعتی و محافظت از کارگران بود. در سال ۱۸۱۹، حدود ۱۳ هزار نفر در همایش اصلاحات در راجدیل شرکت کردند،

---

1. Flannel



یکی از سخنگویان این همایش تام کولیر<sup>۱</sup>، عموی جان کولیر یکی از پیشگامان بعدی راجدیل بود. مشهوران اصلاح‌گرا و سیاست‌مداران آزادی‌خواه نیز با راجدیل همراه بودند: جان برایت<sup>۲</sup> از جمله آن افراد بود، و ریچارد کوبدن<sup>۳</sup> مدت‌زمانی عضو پارلمان راجدیل بود<sup>۴</sup>.

قطعیت در موفقیت بعدی پیشگامان راجدیل در این واقعیت قرار داشت که راجدیل سال‌ها، مرکزی برای فعالیت‌های تعاونی بود. «جامعه تعاونی دوستانه راجدیل<sup>۵</sup>»، در سال ۱۸۳۰ با حدود ۶۰ نفر از کارگران بافندگی شکل گرفت، و در یک مغازه خرده‌فروشی در سال‌های ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۵ در خیابان پانزدهم تاد قرار داشت. درست یک خیابان پایین‌تر از ساختمانی که پس از سال ۱۸۴۴ از طرف پیشگامان استفاده شد. تعدادی از پیشگامان بعدی نظیر چارلز هوارث<sup>۶</sup>، جیمز استاندرینگ<sup>۷</sup>، و جان آسپن<sup>۸</sup> به این گروه اولیه پیوستند. به بیانی دیگر، موفقیت راجدیل و حتی پیشگامان، کسانی که موفقیت آنان با توجه به گذشته‌شان تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسید، مرهون ده‌ها سال کار سخت، شکست‌ها و ناامیدی‌ها بوده است.

جنبش طرفداران اون<sup>۹</sup> در راجدیل نیز قوی بود و روی بسیاری از بنیان‌گذاران پیشکسوت تأثیر دائمی گذاشت. جنبش اونیسم<sup>۱۰</sup>، پس از بی‌سرپرستی، به نام رابرت اون، صاحب صنعت اصلاح‌گرا، نام‌گذاری گردید. «اونیسم» فلسفه‌ای بود که ریشه در بستر

---

1. Tom Collier

2. John Bright

3. Richard Cobden

4. Bonner (1961), pp. 41ff

5. "Rochdale Friendly Co-operative Society"

6. Charles Howarth

7. James Standring

8. John Aspden

9. Owenite

10. Owenism

سوسیالیسم، اتحادیه‌های تجاری، اصلاح اجتماعی و تعاونی داشت و این ریشه‌یابی به زمانی بر می‌گشت که این اندیشه‌ها از یکدیگر تفکیک نشده بودند. شاید رمز انتقاد اجتماعی «اون» در زمان خودش آن بود که ارزش کامل کار کارگران، رنج و مشقت، زندگی در فقر و بدبختی برای منافع دیگران نادیده گرفته می‌شد. اون پیشنهاد متعالی از ارزش‌های معنوی و فرهنگی فقر را نداشت، بلکه بهبود اقتصاد و آموزش را به‌عنوان یک ضرورت در ایجاد جمعیتی بهتر می‌پنداشت. در راستای جلب بیشتر ارزش کار خود، کارگران طرفدار جنبش اولیه به یکدیگر پیوستند تا انجمن‌هایی را برای کمک دوجانبه و تعلیم و تربیت تشکیل دهند. آنها افزایش دستمزدها را با اقدام دسته‌جمعی توسط کارگران کارخانجات خود «اون» مورد هدف قرار دادند. هدف آنان بالا بردن استانداردهای عملی آموزش بود و منظور آنها از عملی بودن به‌ویژه دانش‌های سیاسی و اقتصادی—کسب اطلاعات از طریق کتابخانه‌ها و دوره‌ها و قصد و نیت آنان یکپارچه‌سازی قدرت خرید کارگران از طریق خرید از تعاونی بود. پیروان اندیشه «اون» در دههٔ ۱۸۳۰ در راجدیل فعال بودند، و در سال ۱۸۳۸ شعبه‌ای از «اون» را تشکیل دادند که یک مرکز انتشارات را در اختیار خود گرفت و استقرار نیروهای بافندگی، به‌عنوان «نهاد اجتماعی جدید»<sup>۱</sup>، مرکز فعالیت طرفداران اون گردید. سخنگویان جنبش «اون» هر هفته سخنرانی‌هایی داشتند. ناظری می‌نویسد که راجدیل در موضع خود جانفشانی و پایداری بسیاری نمود: «تقریباً هر هفته یک شب به تربیت، تهذیب فکری و معنوی اعضا اختصاص داشت»<sup>۲</sup>. از این گذشته، در زمانی که پیشگامان راجدیل بنا نهاده شدند، آخرین طرح

---

1. Owenits

2. "The New Social Institution"

3. Bonner (1961), p.43

طرفداران اجتماع «اون» در منطقه کویین وود<sup>۱</sup> در حال اجرا بود. کشمکش و مناظره مربوط به کویین وود احتمالاً طرفداران «اون» را در راجدیل را در تلاش خود برای به وجود آوردن یک انجمن جدید تعاونی تهییج نمود. به طور خلاصه، یکی از بحث‌های کویین وود توانایی طرفداران «اون» در پیگیری آرمان‌های خود، صرف‌نظر از خود «اون» بود. بازتاب فعالیت‌ها علیه دخالت‌های بیجای «اون» نتوانست باعث نجات کویین وود شود. اما باعث تهییج برخی تجربیات مانند راجدیل گردید که «اون» نتوانست آن را تحریم نماید. جنبش «اون» تلاشی بود تا پویایی استقلال‌طلبانه خود را از جایگاه بالای شخصیت «اون» در میان طرح‌های هدایت‌شده بسیار ضعیف پیدا کند. در حقیقت، راجدیل یک نتیجه بود.<sup>۲</sup>

اما طرفداران «اون» که به عنوان «سوسیالیست» شناخته شده بودند، کلمه ابداع‌شده جدید سوسیالیست برای آنان آزاردهنده بود. تصاویر و ساختمان مربوط به طرفداران اون تخریب گردیدند. شاید به این خاطر که طرفداران اون جنجال‌برانگیز بوده و در حاشیه قرار داشتند و لزوماً، جنبش طرفداران «اون»، راجدیل را خلق نکرد، اما مرکز ثقل فعالیت‌های جنبش اون پیوستگی کار با دیگر گروه‌ها بود. چارلز هوارث<sup>۳</sup>، رهبر محلی شاخهٔ اون، در پیشگامان راجدیل به عنوان یک چهرهٔ هدایتگر ظاهر شد، و جیمز دالی<sup>۴</sup>، یکی از روؤسای شاخه «اون»، ریاست یکی از تعاونی‌های جدید را برعهده گرفت.

---

1. Queenwood

2. Cole (1944), pp. 57-59.

3. Charles Howarth

4. James Daly

## برپایی و تأسیس<sup>۱</sup> پیشگامان راجدیل

ویلیام کوپر<sup>۲</sup>، یکی دیگر از پیروان اون در میان بنیانگذاران پیشگام بود. او در سال ۱۸۶۶ اظهار داشت که شکست اعتصاب بافندگان در اوایل دهه ۱۸۴۴، و به دنبال آن تلاش در تشکیل جامعه تولیدی پارچه‌های فلافل، بخشی از آن چیزی بودند که در تشکیل پیشگامان مشارکت داشتند. دهه ۱۸۴۰ یک دهه تلخ در راجدیل و بسیاری از بخش‌های دیگر اروپا، همراه با فقر، گرسنگی، و بیکاری بود. هیچ گروهی درمانده‌تر از کارگران بافنده نبود. در هر صورت، نقش کارگران بافندگی در استقرار پیشگامان راجدیل توسط بسیاری از نویسندگان سطحی‌نگر اغراق شده است. یک مطالعه دقیق از مدارک اساسی نشان می‌دهد که کارگران بافندگی سهم به‌سزایی از اولین فهرست امضاء کنندگانی که تشکیل پیشگامان را حمایت کردند، داشتند. در حالی که، در زمان تشکیل جلسه در ۱۵ اوت ۱۸۴۴، بسیاری از بافندگان انصراف خود را اعلام کردند. شاید به این خاطر که آنها بسیار ناامید و درمانده بوده و یا در سرمایه‌گذاری مالی بسیار مفلس<sup>۳</sup> و بیچاره بودند و نمی‌خواستند وقت خود را در جریان مخاطره‌آمیز تعاونی هدر دهند. خلق پیشگامان را بهتر است به‌عنوان نوعی شراکت بین گروهی از طرفداران «اون»، بافندگان، برخی از فعالان قبلی و میانه‌روها دانست<sup>۴</sup>. از میان ۳۰ نفر از اعضای قابل تشخیص بنیان‌گذار، نام ۱۵ نفر از سوسیالیست‌های پیرو «اون»، شامل بسیاری از فعالان هدایت‌کننده در راجدیل قرار داشتند و تنها ۱۰ نفر بافنده در میان آنان وجود داشت. آرنولد بونر اظهار می‌دارد بیشتر اعضای بنیان‌گذار راجدیل، گرسنه و یا درمانده

1. Founding

2. William Cooper

3. Too destitute

4. Bonner (1961), p. 45, dicusses these questions concisely. See also Cole (1944), pp. 59-60.

نبودند، بلکه «استادکار و صنعتگرانی مهارت‌دیده با پرداختی نسبتاً خوب ... و آرمانگرا بودند که دیدگاهی در راستای یک جامعه بهتر و محو‌گرسنگی داشته و الهام‌بخش این مردان بودند ... گاهی اوقات یک خواسته و شاید هم تمایلی در فراموش کردن اینکه پیشگامان، تجارتي را با هدف پیشگامی در راه ایجاد یک قانون اجتماعی جدید و بهتر شروع کرده، وجود دارد، ... و بدون داشتن آرمان، هیچ جنبش تعاونی نمی‌توانست در آنجا وجود داشته باشد»<sup>۱</sup>.

البته، بنیانگذاران راجدیل در مقایسه با افراد برتر جامعه<sup>۲</sup> فقیر بودند. آنها فاقد هرگونه قدرت واقعی اقتصادی، سیاسی و یا جایگاه رفیع اجتماعی بودند. فقر، بیچارگی و نکستی<sup>۳</sup> که آنها را در راجدیل احاطه کرده بود، بدون شک بخش قابل توجهی از انگیزه آنان برای ایجاد تعاونی بود. بنابراین، این گفته که فشارهای فقر و نیاز، الهام‌بخش شکل‌گیری تعاونی راجدیل بوند، قانع‌کننده است. اما همه این موارد تا حدودی به‌طور غیرمستقیم، به واسطه عامل آرمان‌گرایی و اندیشه انتقادی، توسط فعالان هوادار «اون»<sup>۴</sup>، اصلاح‌گرایان<sup>۵</sup>، و دیگر جنبش‌های اجتماعی اداره گردید. پیشگامان راجدیل به‌خودی‌خود از روی نیاز به‌پانخواستند، بلکه از روی آگاهی به‌وسیله متفکران، فعالان، و رهبرانی سازماندهی شدند که در درون شبکه‌ای از اندیشه‌ها و موازین حقوقی عمل می‌کردند. به‌همین ترتیب می‌توان گفت همه موفقیت‌های تعاونی‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها برخاسته از روی نیاز است. البته این زمانی است که برخی فعالان، نهادها، یا مؤسسات، آگاهانه و از روی عمد آنها را سازماندهی کرده و فعالیت را ارتقاء

---

1. Bonner (1961), p. 45.

2. Social superiors

3. Poverty and misery

4. Owenism

5. Chartism

داده باشند. همچنین، با وجود اینکه تعاونی‌ها غالباً ابزاری برای افراد نسبتاً فقیر یا به‌حاشیه‌رانده شده بود<sup>۱</sup>، اما شواهدی موجود است که (تنها در راجدیل) تعاونی‌ها به‌ندرت توسط فقیرترین قشر جامعه هدایت شده‌اند.

بنیان‌گذاران در ۱۸۴۴ به‌دنبال تشکیلاتی برای کمک به‌خود، در شکل دوجانبه‌ای<sup>۲</sup> بودند که پیش‌برنده نهضت بوده و از طریق یک عمل اقتصاد عینی در خدمت اهداف اجتماعی آنان قرار گیرد. آنها انجمن جدید خود را «پیشگامان برابری جامعه راجدیل»<sup>۳</sup> نام نهادند. نامی که نوای مفهوم نهضت «اون» را به‌همراه داشت. «برابری» یکی از کلمات مورد علاقه رابرت اون بود. هم چنان که او در برنامه خود برای «تبادلات برابری کار» که به کارگران اجازه می‌داد کالاها را مبادله کنند و خدمات را به‌صورت مستقیم با یکدیگر، با گذر از کنار کارفرمایان و واسطه‌ها انجام دهند. فعالیت می‌نمود. برای پیروان «اون»، «برابری» مشخص‌کننده جامعه‌ای است که بهره‌کشی و استثمار به سبک سرمایه‌داری<sup>۴</sup> را حذف خواهد نمود، کالاها را مبادله خواهد کرد و برطبق اندیشه‌های «اون» به‌طور منصفانه مزد کارگران داده می‌شود. کلمه «پیشگامان»<sup>۵</sup> شاید توسط یک روزنامه مطرح شده باشد، «پیشگام»، که عضو اولیه «سازندگان اجرایی اتحادیه» بود، یک اتحادیه دادوستد ابتدایی پس از «اتحادیه عالی تجاری یکپارچه ملی اون»<sup>۶</sup> بود. در سال ۱۸۴۴ انتخاب نامی مانند «پیشگامان برابری» درحقیقت یک بیانیه اجتماعی و حتی سیاسی بود، و ضمناً پیشگامان

---

1. Marinalized

2. Mutual self-help

3. "Rochdale Society of Equitable Pioneers"

4. Capitalist-style exploitation

5. Pioneers

6. "Owen's Grand National Consolidated Trades Union"

آگاهانه و از روی قصد و اراده در جنبشی برای اصلاح اجتماعی و پیشبرد ارزش کار و منافع آن شرکت می‌کردند<sup>۱</sup>.

#### اهداف پیشگامان راچدیل از اساسنامه ۱۸۴۴

قانون اول<sup>۱</sup>

اهداف و برنامه‌های این جامعه به‌دنبال نظم و ترتیبات سود مالی و بهبود شرایط اجتماعی و محلی اعضای خود است. این کار با جمع‌آوری سرمایه کافی در شکل سهام‌های یک پوندی، برای به اجرا درآوردن این برنامه‌هاست:

- تأسیس فروشگاه‌های برای فروش خواروبار، لباس و غیره.
- ساخت، خرید و یا ایجاد تعدادی خانه، که سکونت‌گاه اعضایی که تمایل به کمک به یکدیگر در بهبود بخشیدن به شرایط داخلی و اجتماعی خود دارند، باشد.
- تنظیم اساسنامه‌هایی که بر مبنای آن جامعه تعریف و تعیین گردد، و برای استخدام اعضایی که ممکن است بدون شغل باشند، یا کسانی که به‌خاطر کاهش متوالی دستمزد خود رنج می‌برند، موازینی تعیین گردد.
- در نتیجه، منفعت و امنیت بیشتر برای اعضای این جامعه، جامعه باید ملک یا املاکی را بخرد یا اجاره دهد، که در اختیار اعضایی که ممکن است بیکار شده، یا کسانی که شاید کارشان به‌شکل بدی دچار کاهش شده است، قرار گیرد.
- به‌محض قابل‌اجرایی بودن، این جامعه باید به ساماندهی قدرت تولید، پخش، تعلیم و تربیت و اداره کردن بپردازد، یا به کلامی دیگر به تأسیس منافع مشترک خود-حمایتی و مجتمع-رفاهی اقدام کند، و یا در استقرار چنین مجتمع (کلنی)<sup>۲</sup>‌هایی به دیگر جوامع کمک نماید.
- در اولین فرصت مناسب در منزل یکی از اعضاء مهمانخانه‌ای مناسب برای بهبود و بالا بردن آرامش اعضاء افتتاح گردد.

برخی مشاهده‌ها پیرامون این اساسنامه این ذهنیت را به‌وجود می‌آورد که: پیشگامان راچدیل، ابتدا، برای منفعت مالی اعضای خود به‌وجود آمدند که مسلماً برای بهبود شرایط جامعه و خانواده آنها نیز بود. ابتدا، پیشگامان اهداف اقتصادی و اجتماعی را ترکیب کرده و از قرار معلوم تضادی هم بین آنها دیده نمی‌شد. دوم، پیشگامان راچدیل

1. Cole (1944), p. 77.

به این درک رسیده بودند که آنچه ما اکنون از آن به نام «تعاونی چندمنظوره» یاد می‌کنیم انواع متنوعی از فعالیت‌های اقتصادی است که از سوی اعضای خود آنها نیز پذیرفته شده بود. بنیان‌گذاران اصراری نداشتند که تنها «پیشگامان» می‌بایست فروشگاه را اداره کنند و برای این فعالیت‌های اقتصادی سلسله‌مراتبی وجود داشت. ابتدا، پیشگامان فروشگاه را باز می‌کردند؛ این امر، قدرت خرید اعضا را بالا می‌برد و شروع به ذخیره‌سازی سرمایه می‌نمودند. سپس، با استفاده از سهم اندوخته‌شده سرمایه و مازادهای حاصل از اداره فروشگاه، تعاونی خانه‌سازی کار را به‌عهده می‌گرفت، و تعاونی تولید که اعضا خود فراهم‌کننده نیروی کار در آن بود، تولیدات حاصل از کار اعضا را از طریق فروشگاه‌های آن جامعه به فروش می‌رساند. در پایان، آنها اجتماع آرمانی را تشکیل می‌دادند (مجموعه خانواده خود - حمایتی) که در آن روابط اقتصادی و اجتماعی بدون بهره‌کشی حاصل می‌شد. هر یک از این مراحل، شامل فروشگاه‌ها، کارخانجات تولیدی متعلق به کارگران، تعاونی خانه‌سازی، مستغلات کشاورزی خودگردان توسط کارگران و اجتماعات تعاونی، همگی نمایان‌گر برخی چیزهایی است که پیروان «اون» در چند دهه قبل از آن تجربه کرده بودند. این هدف نهایی منتج از به‌وجود آوردن یک خیال و آرمان<sup>۱</sup> بود. جامعه تعاونی، رویای بزرگ رابرت اون<sup>۲</sup> بود. روش خاص رسیدن به آن هدف - از ذخیره‌سازی مرحله‌به‌مرحله سرمایه و گسترش آن از یک خرده‌فروشی داخل خانه، کارخانه و تولیدات کشاورزی بود که به شهرت رسید، و برنامه توسط ویلیام کینگ<sup>۳</sup> رهبر تعاونی و نظریه‌پرداز آن در دهه ۱۸۲۰ در شهر برایتون طراحی شد. اهداف پیشگامان راجدیل تحت عنوان «طرح عمل‌گرایی»، گام‌هایی

1. Utopian

2. Robert Owen's great dream

3. Dr. William King



به‌سوی آینده‌نگری و آرمان‌گرایی و صددرصد در حمایت از اندیشه «اون» بود. آخرین هدف مکتوب‌شده، ایجاد هتل یا مرکز شبانه‌روزی مناسب بود، که منعکس‌کننده حضور طرفداران در میان بنیانگذاران و نیز بهبود روح اخلاق در میان اصلاح‌گران طبقه کارگر بود<sup>۱</sup>.

تعاونی خانه‌سازی، تعاونی‌های کارگری، حتی تعاونی‌های کشاورزی در مجموع، همه می‌توانند برای کسب انگیزه به منشأ برنامه راجدیل نگاه کنند. برای آنها همه این موارد اجزایی از دیدگاه پیشگامان بود. در ۱۸۴۴ این اجزاء از هم جدا نبودند و هنوز تعاون مصرف از تعاون تولید و همچنین هیچ بخشی از بخش دیگر به‌اندازه‌ای که در قرن بیستم معمول شده است، جدا نشده بودند. پیشگامان راجدیل درک نمودند که در انجمنی که اکنون یک نهضت تعاونی چند بخشی را تشکیل می‌دهد، نیمی از این دیدگاه چند بخشی است که یک دیدگاه بومی نیز محسوب می‌شود و آن تکمیل‌کننده همکاری متحد در درون جامعه‌ای بود که از نظر جغرافیایی متراکم شده بودند. پیشگامان تصور می‌کردند اتحادیه آنها باید برحسب تنوع و یکپارچگی رشد کند، آنچه که ممکن است ما آن را در قرن بیستم یکپارچگی افقی و عمودی بنامیم. در راستای هدف یکپارچه‌سازی همکاری در سطح جامعه، بدون شک پیشگامان، منعکس‌کننده فرهنگ و تجربه عملی تشکیلات سطح کارگری در بریتانیا بودند.

برنامه ارائه‌شده در اساسنامه‌های پیشگامان در جهت دیدگاه جدیدی از جامعه پیشرفته فعال بود. موفقیت اقتصادی، کارآیی،

---

۱. ممکن است غیر عادی به نظر برسد که پیشگامان در آن هنگام به اعتدال و میانه‌روی شناخته شده باشند، در حالی که هواداران «اون» در راجدیل، به‌طور مداوم آنها را در سطح اجتماع ملاقات می‌کردند. Cole در ۱۹۴۴ اظهار می‌دارد که فعالیت‌های اعتدالی در زمانی مورد توجه بودند که به‌طور عمده با نوشیدن نوشیدنی‌های مست‌کننده همراه بود و آنها نوشیدنی‌های مست‌کننده را بدون ضرر می‌پنداشتند. پیشگامان راجدیل هرگز دست به ایجاد چنین فروشگاه‌هایی نزدند، بلکه برای سال‌های متمادی تعاونی‌های بریتانیا از فروش نوشابه‌های مست‌کننده خودداری کردند.

ذخیره‌سازی مازاد، متراکم کردن سرمایه، همگی این چیزها به‌طور شفاف‌ی لازم بودند، اما گام‌های اولیه صرفاً به‌سمت هدف بسیار بزرگتری از یک نظام تعاونی جامع برداشته می‌شد. البته، این آرمان‌ها متعلق به آرمان‌های «اون» بودند. اما تعاونی‌هایی (مشاغلی که متعلق به استفاده‌کنندگان بود و توسط آنها نیز اداره می‌شد) پیش از راجدیل بودند که حداقل از زمانی که «اتحادیه بافندگان فنویک»<sup>۱</sup> در سال ۱۷۶۹ در اسکاتلند ایجاد گردید، فعالیت می‌کردند. تعاونی‌های اونیت با اهدافی مشابه با پیشگامان راجدیل از دههٔ ۱۸۲۰ وجود داشتند. به‌هردلیل و منطق استاندارد<sup>۲</sup> که در نظر بگیرید این مجموعه‌ها به موفقیت دست یافتند. اما چرا راجدیل متفاوت بود؟ چرا راجدیل بسیار تأثیرگذار شد؟ برای پاسخ احتمالاً باید برخی مباحث را جستجو کرد و آن عبارتند از: ابتدا، در توضیحات ساختار و قوانین پیشگامان راجدیل، دوم در شیوه‌ای که این موارد به‌کار برده شدند، و سوم، در گذرگاه شانس و اقبال<sup>۳</sup> توسعه تاریخی.

---

1. "Fenwick Weavers Association"

۲. استاندارد موفقیت برای یک تعاونی آن است که منافع معقولی را برای اعضای خود در یک دوره زمانی فراهم کند. این امر اشتباه است که گفته شود اگر تعاونی شغلی را حذف کرد آن یک شکست محسوب می‌شود. آنهایی که هرازگاهی اشاره به راجدیل به‌عنوان اولین موفقیت تعاونی دارند به‌این دلیل است که راجدیل به یک حرکت جهانی مبدل شد، هنوز کسانی وجود دارند که می‌گویند راجدیل تنها تعاونی موفق بود که تاکنون وجود داشته است، زیرا هیچ تعاونی دیگری هرگز چنین کاری را انجام نداده است. لذا بهتر است راجدیل را موفق‌ترین تعاونی نامید؛ اما اگر معیار منفعت برای اعضاء است، چگونه می‌توانیم راجدیل را بهترین بنامیم؟ آنچه که واقعاً می‌دانیم آن است که راجدیل به‌عنوان مدلی از جانب اکثریت تعاونی‌ها پذیرفته شده است.

3. Fortuitous accidents

## ساختار جامعه راجدیل<sup>۱</sup>

چارلز هوارث<sup>۲</sup> و جمز دالی<sup>۳</sup> که هر دو طرفدار اندیشه اون بودند، قوانین پیشگامان راجدیل را تدوین کردند. آنها از شعار «منطق بیمار و به‌خاکسپاری جامعه»<sup>۴</sup>، از جامعه دوستانه اونیت (انجمن کمک متقابل)<sup>۵</sup> که در ۱۸۳۷ تأسیس گردید، استفاده نمودند. آنها از نمونه قوانینی برای تعاونی‌ها استفاده بردند که در ۱۸۳۲، توسط کنگره تعاونی اونیت پذیرفته شده بودند. پیش‌نویسان قوانین مجبور بودند اطمینان حاصل کنند که آیین‌نامه‌ها برای ثبت در «جوامع دوستانه» قابل قبول خواهند بود، چرا که تعاونی تنها تحت لایحه «جوامع دوستانه» توانست شناخت قانونی و حمایت لازم را کسب کند. بنابراین، قوانین اصلی راجدیل با دقت بسیار تنظیم و توضیح داده شد و از یک نظم اداری برخوردار گشت که هرکس بتواند از یک چنین نوشتاری انتظارات خود را برآورده کند. قوانین راجدیل از تجربه دهه‌های قبل و از مدل‌ها و مؤسسه‌های قانون‌گذاری زمان خود خلاصه شده بود. آنها اظهار داشتند گروهی از افراد بادقت، وسواس و یک برنامه کاربردی در راستای خواسته‌های بلندهمتانه اجتماعی و اهداف اقتصادی، از خود ایثار نشان دهند.

در این جا اساسنامه‌های پیشگامان در کوتاه‌ترین شکل خود، توسط بنیان‌گذاران، بادقت برای تعاونی‌های جدید روش‌هایی را طراحی کردند، و با قدری توضیحات بیشتر همراه گردیدند. این امور در سال‌های بعد به‌طور فشرده بررسی شد، اما ذکر این نکته ارزشمند لازم است که برخی مسائلی که بعداً در خصوص اصول تعاونی مورد

- 
1. Structure of the Rochdale Society
  2. Charles Howarth
  3. James Daly
  4. "The Rational Sick and Burial Society"
  5. Mutual-aid association

بررسی قرار گرفت در اساسنامه‌های اولیه پیشگامان وجود داشته است. این موارد شامل اندیشه کلی از یک دادوستد عضو محور بود که در آن اعضاء خود مالکان آن بوده و دارای حق و روش‌هایی برای کنترل تعاونی‌ها می‌باشند. همان‌گونه که در «قانون اول»<sup>۱</sup> آورده شد، سرمایه تعاونی بر مبنای سهم مشارکت‌های اعضاء بود. مفاد قانونی، شیوه‌هایی را توضیح می‌دهد که در آن کنترل کلی‌داری، عضویت، منافع، سرمایه و اداره آن قرار دارد و در جهت عواید اعضاء اجرا می‌گردد. احتمال می‌رفت اعضای تعاونی‌ها با این تذکر سرگرم شوند که در اولین آیین‌نامه‌های پیشگامان حتی حرمت سنت صرف یک وعده غذا در جلسات سالیانه نگاه داشته شده بود!

متصدیان امر که این خود نمادی از یک دموکراسی است، انتخاب شده بودند، اگرچه در سال ۱۸۴۴ در هیچ جا به‌طور آشکار اصل یک عضو، یک رأی مطرح نشده بود. اما این امر به‌این‌خاطر نبود که دموکراسی برای پیشگامان اهمیت نداشته باشد، بلکه اتحاد آنان با نهضت اون<sup>۲</sup>، کارتیس<sup>۳</sup> و جزء طبقه کارگری بودن آنان سبب شد تا دموکراسی در رأس توجه آنها قرار گیرد. به احتمال بسیار زیاد دموکراسی کنار گذاشته شد، زیرا اجرای آن تضمین شده بود. جوامع دوستی، و احتمالاً کلیه انجمن‌های عضو بنیانگذار هرگز به حساب آورده نشدند، چرا که همه در یک شکل دموکراتیک عمل می‌کردند. پس از آن، امکان دارد فردی کنجکاوانه، نسبت به حذف اصل دموکراسی به‌عنوان نمادی از مرکزیت بودن تعاون راجدیل اقدام نماید<sup>۴</sup>.

در اصل، براساس آیین‌نامه‌های سال ۱۸۴۴، عضویت در انجمن

1. Law the first

2. Owenism

3. Chartism

4. Lambert (1963), p. 74

باز بود، و اگرچه اعضای جدید می‌بایست مورد تأیید قرار می‌گرفتند. چرا که عضویت داوطلبانه بود و به‌همان ترتیب هم اعضاء می‌توانستند با اعلام قبلی عضویت خود را ترک نمایند. معاملات می‌بایست تنها به‌صورت نقدی صورت می‌گرفت؛ سهم سرمایه تنها در یک حد محدود برگشت داده می‌شد؛ و بخشی از مازاد در گردش می‌بایست برای تشویق<sup>۱</sup> بین اعضاء تقسیم می‌گردید. چارلز هوارث<sup>۲</sup> معتقد بود این نکته آخری باید به پیشگامان اولیه انتساب داده شود، اما تاریخ‌دانان تعاونی خیلی پیشتر پی بردند که پرداخت تشویقی تعاونی‌ها به ابتدای سال‌های ۱۸۲۶ و ۱۸۲۷ برمی‌گردد. در واقع، هیچ یک از شروطی که باعث اسطوره‌سازی پیشگامان (راجدیل) شد، واقعاً اولیه نبودند. اساسنامه‌های ۱۸۴۴ بررسی بسیاری از موارد را به آینده واگذار نمود (حتی توسط خود پیشگامان) تا جزء اصول تعاونی گردند. در آن زمان نه تنها هیچ ذکری از یک عضو، یک رأی نیامده بود؛ بلکه به‌همان اندازه هم به چیزهایی مانند آموزش و تعلیم تعاونی، فروش صرفاً کالاهای خالص و بدون عیب و نقص، بی‌طرفی مذهبی و سیاسی، یا تعاون در میان تعاونی‌ها هیچ اشاره‌ای نشده بود. اساسنامه‌های ۱۸۴۴ در اولین مفاد خود مجموعه‌ای از رؤیای آرمان‌گرایانه و برخی از فعالیت‌های تشکیلاتی را تنها به‌صورت توصیه آورده بودند. این موارد مانع می‌شدند فرد به‌راحتی سطح میانی اصول تعاونی را شناسایی کند. اصول میانی با یک دقت خاص اشاره دارد که رئیس در هنگام شروع به کار درها را باز خواهد کرد، و به‌طور کلی باید در تشکیل «مجموعه متکی به خود»<sup>۳</sup> تلاش کند. قوانین پیشگامان یک معنی و مفهوم ضبط‌شده غیرکاملی از تعاون است. و درنهایت آنچه که می‌توان گفت این است که آنها نشان دادند

1. Patronage

2. Charles Howarth

3. "Self-supporting home-colony"

گروهی از تعاون‌گرانی هستند که هم دیدگاه آرمان‌گرایانه دارند و هم یک حس عملی از تشکیلات. فردی که دسته‌ای از قوانین مفید هرچند غیراصولی را در جامعه‌ای که دارای یک حس شفاف و روشنی از یک هدف و نیت اجتماعی بلندمدت است، را ترکیب کرده باشد.

### قوانین پیشگامان راجدیل

انتخاب برخی از اساسنامه‌های ۲۴ اکتبر ۱۸۴۳

۲. اداره این جامعه می‌باید در قالب یک رئیس، خزانه‌دار، منشی، سه نفر هیأت امنا و پنج نفر مدیر قطعی گردد... که می‌باید در یک جلسه عمومی انتخاب گردند...

۳. دو نفر بازرس که هرکدام برای شش ماه تعیین گردند و به تناوب کنار روند...

۴. مسؤولین و اعضای هیأت مدیره باید هر پنجشنبه شب در جلسه ساعت ۸ بعد از ظهر در اتاق کمیسیون اعضای بافندگان حضور به هم رسانند...

۵. جلسات عمومی اعضا باید در اولین دوشنبه هرماه از ماه‌های ژوئیه، آپریل، جولای و اکتبر برگزار گردد...

۶. یک جلسه عمومی سالیانه در «اولین سه‌شنبه روز کاری» برگزار گردد، و برای این ایام باید شام برای هر نفر با قیمت یک شیلینگ فراهم شود...

[مفاد ۷ تا ۹ با وظایف رئیس، معاون و خزانه‌دار سروکار دارد؛ مفاد ۱۰ تا ۱۲ با هیأت مدیره، صاحب اموال و مدیریت سرمایه‌گذاری سروکار دارد]

۱۳. هر شخص متقاضی عضویت در این جامعه، می‌باید توسط نفر دومی پیشنهاد و حمایت گردد... و در صورت تأیید اکثریت، باید برای انتخاب در جلسه هفتگی آینده واجد شرایط باشد...

۱۵. در صورتی که عضوی تمایل به خروج از این جامعه را داشته باشد، باید به این عضو یک ماه مهلت داده شود...

[مفاد ۱۶ تا ۲۰ با روابط بین جامعه و اعضای آن سروکار دارد. جامعه مسئولیتی برای بدهی‌های اعضا، حکمیت و داوری در نزاع‌ها و مشاجره‌ها ندارد]

۲۱. ... مسئولان این جامعه نباید در هیچ موردی، تظاهر به خرید هر نوع کالایی کنند، مگر با داشتن پول نقد و آماده، و نباید اجازه یابند در فروش هیچ کالا و یا کالاهایی به جزء با پول نقد و آماده شرکت کنند...

۲۲. در جلسات عمومی هر چهار ماه یک بار مسؤولان باید در اظهارنامه‌های مالی خود میزان منافع شناخته شده توسط جامعه در طول یک دوره چهار ماهه را که می‌باید تقسیم گردد، منتشر نمایند، بنابراین، سود به میزان ۳/۵ درصد سالیانه

## بخش اول: واقعیت تاریخی راچدیل | ۲۳

برمبنای کل سهام پرداخت شده قبلی باید طی برنامه‌ای، هر چهار ماه یکبار پرداخت گردد؛ و باقی‌مانده منافع باید به هر عضو به نسبت میزان پولی که در فروشگاه هزینه کرده است، پرداخت شود.

[مفاد ۲۵ تا ۳۴ روش‌های مدیریت فروشگاه را توصیف نموده است]

۲۵. فروشگاه باید برای عموم افراد در غروب هر شنبه و دوشنبه باز باشد، شنبه از ساعت ۶ تا ۱۱ شب و دوشنبه از ساعت ۷ تا ۹ شب.

۲۷. برای اداره فروشگاه باید صندوق‌دار و فروشنده تعیین گردند، و هرکدام به نوبت ۶ ماه خدمت کنند و واجد شرایط انتخاب مجدد باشند.

۲۸. فروشنده باید کالاها را وزن نموده، اندازه‌گیری نماید و به فروش رساند ...، اما نباید وجهی در قبال هر کدام از اجناس یا کالاهای فروخته شده دریافت کند.

۲۹. صندوق‌دار باید وجه کلیه اجناس فروخته شده در فروشگاه را دریافت کند؛ او باید در مقابل به خریدار برای مبلغ دریافت‌شده، رسید دهد ...، او باید پول‌های دریافت‌شده در فروشگاه را در جلسات هفتگی به مسؤول حسابداری تحویل دهد.

۳۴. فروشگاه می‌تواند به‌وسیله رئیس، در هر زمان مناسب باز گردد.

مفاد آیین‌نامه‌ها در طول یک سال بنیان‌گذاری تعاونی و البته پس از آن به‌صورت دوره‌ای مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت و در ۷ اوت ۱۸۴۵ مفادی به‌عنوان قانون جدید به آن اضافه شد. همچنین، در سال ۱۸۴۵، ماده قیدشده‌ای برای برگزاری جلسات عمومی ماهیانه برای بحث پیرامون وضعیت کلی تعاونی و ایجاد زمینه تداوم مشارکت بیشتر اعضا، اضافه شد. قوانین تفصیلی پیرامون مدیریت لغو شدند و به‌جای آن، تعیین مقررات برای مدیریت فروشگاه به‌عنوان یکی از وظایف اعضای هیأت امناء تدوین گردید.

در سال ۱۸۵۴، پیشنهادهای<sup>۱</sup> اصلاحی چشمگیری صورت گرفت. پیشگامان راچدیل اندیشه‌های خود را در مورد استفاده‌هایی که باید برای کالاهای مازاد صورت گیرد، روشن ساختند. مفاد سال ۱۸۴۴ پرداخت سود روی سرمایه و پرداخت باقی‌مانده مازاد برمبنای تشویق را اظهار می‌داشت؛ اما این امر به‌طور کامل روشن نبود، زیرا

---

1. Statutes

2. Amendments

در مورد توسعه ذخایر چیزی گفته نشده بود. مفاد اصلاح شده<sup>۲۳</sup> اکتبر ۱۸۵۴ روشن کرد که مازادها ابتدا برای پوشش دادن هزینه‌های مدیریت، پرداخت سود سرمایه امانت گرفته شده و سود محدود شده بر روی سهام، پرداخت استهلاک<sup>۱</sup>، ذخیره‌سازی، سرمایه‌گذاری در توسعه دادوستد و پرداخت برای برنامه‌های آموزشی صرف می‌شد و تنها پس از همه این موارد بود که باقی‌مانده می‌بایست در شکل پرداخت تشویقی تقسیم می‌گشت. تعلیم و تربیت، به‌ویژه می‌باید برای توجه خاص باقی می‌ماند. مفاد سال ۱۸۵۴ مقرر کرد که ۲/۵ درصد از مازاد سالیانه راجدیل قبل از پخش «جدا شده و در یک صندوق مجزا ... برای بهبود آموزش اعضاء و خانواده آنان، اختصاص یابد». این صندوق برای پرداخت کتابخانه و برنامه‌های آموزشی تعاونی به‌وجود آمد. تنظیم و پیش‌بینی کردن این مفاد مربوط به تعهد بلندمدت برای آموزش کسانی بود که ریشه آنان به قبل از پیشگامان و دوران «اون» برمی‌گشت.

همچنین در سال ۱۸۵۴، متمم<sup>۲</sup> دیگری اضافه شد که اظهار می‌داشت، در صورت انحلال تعاونی، مجموعه سرمایه‌ها نباید به‌نفع اعضاء به فروش رسد، بلکه باید به برخی سازمان‌های خیریه یا غیره انتفاعی واگذار گردد. این متمم قانونی و امثالی مانند آن که بعداً توسط تعاونی‌ها گذرانده شد، توسط دانش‌آموختگان مکتب جنبش راجدیل مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفت. به‌وجود آمدن یک چنین شرایطی خود نکته مهمی پیرامون چگونگی نگاه اعضای راجدیل در مورد احساس تعلق خود نسبت به تعاونی خویش و اهداف آن در اجتماع بود. اما در هر صورت این قوانین جالب بودند، آنها صرفاً یک سری قوانین نبودند، بلکه موفقیت‌تشیکیلاتی و اقتصادی تعاونی بودند، که

---

1. Depreciation

2. Bylaw



سهمی در گستره نفوذ آن نیز داشتند.

## رشد و توسعه پیشگامان راجدیل

پیشگامان افرادی شاغل بودند. مکان آنها جایی در سطح همکف یک انبار در کوچه ۳۱ تاد، بسیار نزدیک به مراکز قبلی فعالیت پیروان «اون» در راجدیل بود. طبقه بالای انبار مختص دعای پیروان حضرت مسیح (ع)، (شاخه پروتستان) بود که یک مدرسه اختصاصی محسوب می شد. محل و فضای پیشگامان تاریک، کثیف و نامناسب بود، اما با مقدار اندک سرمایه اولیه ای که داشتند مجبور بودند با امکانات مختصر روی کارهای اساسی تمرکز کنند. فروشگاه تنها ۲۸ پوند<sup>۲</sup> (حدود ۱۳ کیلوگرم) کره، ۵۶ پوند (۲۵ کیلو گرم) شکر، ۶ کیسه یک صد پوندی آرد، یک بسته آرد جو و مقداری شمع پیه ذخیره داشت؛ ارزش جمع فهرست موجودی ۱۶ پوند انگلیس بود. فروشگاه، با این شرایط مشخص و ساده برای اولین مرتبه در غروب ۲۱ دسامبر ۱۸۴۴ آغاز به کار کرد. برای سه ماه اول، همانگونه که در آیین نامه ها مشخص شده بود، تنها دو شب در هفته باز بود، اما در مارس ۱۸۴۵ فروشگاه هر شب هفته به جزء سه شنبه شب ها باز شد. پیشرفت اولیه پیشگامان روند آهسته ای را نشان داد، اما با رشدی چشمگیر در عضویت، فروش و سرمایه همراه بود. اگر به خاطر پافشاری بر نقدی بودن دادوستد آنها نبود، رکود سال ۱۸۴۷ می توانست این جامعه نوپا و شکننده را از بین ببرد.

---

1. Dingy and inconvenient

۲. واحد وزن که برابر با ۴۵۴ گرم است و با علامت lb نشان داده می شود.

توسعه اولیه پیشگامان راجدیل <sup>۲</sup>				
سال	تعداد اعضا	فروش (پوند)	سرمایه (پوند <sup>۵</sup> )	سود (پوند)
۱۸۴۵	۷۴	۷۱۰	۱۸۱	۲۲
۱۸۴۶	۸۰	۱۱۴۷	--	۸۱
۱۸۴۷	۱۱۰	۱۹۲۵	--	۷۲
۱۸۴۸	۱۴۰	۲۲۷۶	۳۹۷	۵۶۱
۱۸۵۰	۶۰۰	۱۳۱۸۰	۲۳۰۰	۹۹۱

بنیان‌گذاران جامعه راجدیل در راستای اهداف بلندپروازانه خود، شروع به تنوع‌بخشی اولیه نمودند. جامعه آنان در سال ۱۸۴۶ یک قصابی در مقیاس کوچک افتتاح نمود، و سپس یک بخش پارچه‌فروشی را در سال ۱۸۴۷ باز کرد (شروع آن با یک تکه‌پارچه که به‌وسیله یکی از اعضا رنگ شده بود، آغاز شد که توصیفی از یکی از اصول فروش تولیدات اعضا در راستای ایجاد شغل برای آنها بود، و در سال ۱۸۴۸، یک اتاق خبری افتتاح شد که با مقالات و مجلات برای اعضا مجهز گشت تا اعضا بتوانند آنها را بخوانند. به‌نظر می‌رسد نکته کلیدی در رشد جامعه، جهش یکباره آن در سال‌های ۵۰ - ۱۸۴۸ باشد که موجب پایداری تعاونی راجدیل شد و شروعی بود تا از سلف و وضعیت پیشین آن فاصله گیرد. تاریخ‌دانان تعاونی، مختصر توضیحاتی برای این تحول ارائه کرده‌اند. شکست پایانی گروه «چارتیسم» که در ۱۸۴۸ اتفاق افتاد، اضمحلال سیاست‌های طبقه کارگر بود که با تقسیم نیروها پایان یافت و فعالان بیشتری را برای تمرکز بر روی رشد تعاونی آزاد نمود. در ۱۸۴۹، «بانک پس‌اندازهای راجدیل»، که یک شغل کارگر-مدار بود، شکست خورد، این واقعه باعث شد تا تعاونی به‌عنوان بهترین مؤسسه پس‌اندازهای قشر کارگر در شهر باشد و به‌تنهایی فعالیت بانک‌داری را انجام دهد. با به تعویق

انداختن برگشتی‌ها در پایان سال، و با جمع‌آوری پرداختی‌های اعضا در راستای سهام‌شان، راجدیل به‌عنوان یک مؤسسه برای افراد کارگر در پس‌انداز مقدار مختصر پول‌ها خدمت نمود. در نهایت، در سال ۱۸۵۰، «انستیتوی مردم راجدیل»، که یک مؤسسه آموزشی طبقه-کارگری بود، شکست خورد و پیشگامان کتابخانه آن را تصاحب کردند. آبراهام گرینوود اظهار داشت، که این امر باعث شد مؤسسه آموزشی پیشگامان در راجدیل بزرگترین مؤسسه گردد، و همچنین نقش سازمان‌دهنده و آموزشگری را از مؤسسه به‌دست گیرد. گرینوود بعداً رئیس پیشگامان راجدیل شد و در نهایت چهره شاخص سازمان تعاونی جامعه عمده‌فروشی گردید<sup>۲</sup>. البته، رشد سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ شاید بیانی از یک الگوی چرخه طبیعی زندگی، یا یک حادثه، یا نتیجه دقت مدیریت و گفتار قاطع باشد. در هر صورت، شکست سه مؤسسه دیگر (سیاسی، مالی و آموزشی)، پیشگامان را با نوعی انحصارطلبی باقی گذاشت، البته نه انحصارطلبی زیاد در تجارت، بلکه انحصارطلبی حمایت و رهبریت اجتماع. این امر می‌تواند به‌خاطر آن باشد که موفقیت پدیده راجدیل بخشی از یک اتفاق در یک خلاء اجتماعی باشد که تعاونی توانست آن را پر سازد.

به‌هردلیلی که باشد، رشد راجدیل تداوم یافت. راجدیل در سال ۱۸۵۰ بزرگترین جامعه برای زمان خود شد. جوامع تعاونی‌گونه بسیار زیاد دیگری نیز در بریتانیا وجود داشت، حداقل ۱۳۰ تعاونی در سال ۱۸۵۱، اغلب با حدود ۳۰ تا ۴۰ عضو در بریتانیا فعالیت می‌نمود. در سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۸۵۱ بسیاری از تعاونی‌های جدید تشکیل شدند و راجدیل برای آنها یک نمونه مشوقی بسیار کم بود. و در نهایت تعاونی‌های جدید در سال‌های ۱۸۵۰ در شمال غربی انگلستان، در

---

1. Abraham Greenwood

2. Bonner (1961), p. 51Y Cole (1944), p. 79

اطراف راجدیل پراکنده شدند.<sup>۱</sup>

با رشد راجدیل یکپارچگی افقی و عمودی به وجود آمد، هرچند الگوی اولیه را به طور کامل به همراه نداشت، اما موفقیت آن با توسعه همراه بود. در آن زمان هرگز یک جامعه تعاونی ایجاد نشده بود، اگرچه بسیاری از انواع مشاغل جدید در هم ادغام شده و به شکل تعاونی در آمده بودند. در اوایل تاریخ راجدیل فروشگاه‌های زنجیره‌ای تأسیس شدند، و با شروع سال ۱۸۵۹ راجدیل شش شعبه داشت. در سال ۱۸۵۰ پیشگامان تلاش کردند یک تعاونی کارخانه آرد را بازکنند. جامعه تعاونی یک کارخانه آرد ذرت را که توسط راجدیل همراه با پنج جامعه خرده‌فروشی دیگر و با ۱۹ نفر که بسیاری از آنها از اعضای پیشگامان بودند، تصاحب کردند. برخی از مفسران تعاونی، این ابتکار را به عنوان شروعی از یک چرخش می‌دانند، حرکتی که از اندیشه «خانواده اولیه» فاصله گرفته، و به جای آن در جهت، یک نظام طرفدار سیستم مرکزی (فدرالی) می‌باشد و دومین مورد آن در ردیف شرکت‌های تولیدی کوچک توسط تعاونی‌های محلی بود که پیشگامان صاحب آن شدند.<sup>۲</sup> در سال ۱۸۵۴ جامعه‌ای از کارخانه‌داران صنعتی تعاونی راجدیل تشکیل گردید، و یک کارخانه آرد اجاره و ۹۶ دستگاه بافندگی را نصب کردند. شرکت بر مبنای سهام داران سرمایه‌گذار، با تقسیم منافع در میان کارگران به نسبت دستمزدهایشان فعالیت می‌نمود. این یک تجربه ابتدایی بود که یک تعاونی صنعتی کارگری به وسیله یک تعاونی مصرف شروع به فعالیت کرد. در سال ۱۸۶۲ هنگامی که صاحبان آن سود سهام فراوانی را با کارگران به دست آوردند و آن را یک‌راست تبدیل به یک شرکت بزرگ سرمایه‌گذاری مشترک نمودند، این موفقیت چشمگیرتر گشت. آن شرکت چند سال بعد

۱. به نقشه‌ای که برای همین مورد توسط Cole در سال ۱۹۴۴ فراهم شده، توجه فرمایید.

2. Bonner (1961), p. 53

شکست خورد. همچنین یک «جامعه برابری آینده‌نگر برای دوران ناخوشی و به خاکسپاری راجدیل»، یک «تعاونی جامعه تولیدی کارت راجدیل»، یک «جامعه تعاونی ساختمانی»، و «شرکت تعاونی بیمه» که در سال ۱۸۶۷ (اگرچه برای به ثبت رساندن آن، به‌عنوان یک شرکت سرمایه‌گذاری مشترک با محدودیت‌های قانونی فراوانی مواجه بود) به‌خاطر داشتن مشکلات فراوان از دفتر پیشگامان خارج گردید، موجود بودند. پیشرفت روحیه تعاون راجدیل جسارت حرکت موفقیت‌آمیز به‌سوی توسعه و بسط زمینه‌های جدید را ممکن ساخت، خواه از طریق یارانه‌ها یا به‌عنوان تعاونی‌های جدید، اما به‌طور آشکار این امر یک حادثه بود<sup>۱</sup>.

یکی از بزرگترین چالش‌ها، عمده‌فروشی بود. به موازات رشد راجدیل، اجتماعات دیگر نیز چند برابر شدند. در مورد چگونگی کار با همدیگر در به‌دست گرفتن کالاهای عمده‌فروشی که همه آنها در فروشگاه‌های خرده‌فروشی به فروش می‌رسید، پرسش به‌وجود آمد. اولین کوشش عملی پیشگامان راجدیل تلاش در سازماندهی عمده‌فروشی‌ها در فروش به تعاونی‌های کوچکتر (در سال ۱۸۵۶) دیده شد. سپس (هنگامی که مسلم شد از نظر ساختاری ناسالم است)، پیشگامان در آوردن تعاونی‌های خرده‌فروشی در یک ترکیب فدراسیون عمده‌فروشی هدایت شدند و یک عمده‌فروشی مرکزی که صاحبان آن استفاده‌کنندگان جوامع محلی به سبک راجدیل بودند، تشکیل گردید. انجام این کار همزمان بود با تشکیل جامعه تعاونی عمده‌فروشان در سال ۱۸۶۳<sup>۲</sup>. جامعه تعاونی عمده‌فروشان تبدیل به

---

۱. در این جا این امر به‌طور خلاصه، نسبت به رشد و توسعه نهضت بعد از راجدیل، جمع‌بندی شد. همچنین برای مطالعه بیشتر به فصل چهارم منبع Bonner, 1961، و به‌طور مفصل‌تر به فصول ۵ تا ۹ منبع Cole, 1944 مراجعه نمایید.

۲. به‌عنوان «جامعه تعاونی مآل‌اندیش عمده‌فروشی صنعتی شمال انگلستان» ... تحت لایحه ۱۸۶۲، صنعت و جوامع مآل‌اندیش درهم ادغام شدند که اولین فدراسیون تعاونی‌ها را از

یک مرکز اقتصادی قدرتمند گردید و گسترش سریع تعاونی‌ها در سال‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ آن را حمایت نمود و به سرعت شعبه‌هایی از کارخانجات را ایجاد کرد.

شدت رشد چشمگیر بود. در سال‌های ۱۸۷۹ - ۱۸۷۸ تحقیقی در حوزه خرده‌فروشی منتشر شد. در بریتانیا حدود ۱۲۰۰ جمعیت وجود داشت، ۵۸۴ از آنها با ۳۲۶/۰۰۰ نفر عضو، وابسته به جوامع تعاونی عمده‌فروشی بودند. جمع تجارت تعاونی‌ها در حدود ۱۲ میلیون پوند انگلیس در سال برآورد شده بود.<sup>۱</sup> این حرکت وسیع طی یک دوره ۲۵ ساله صورت گرفت و همه نگاه‌ها را به سوی راجدیل به‌عنوان یک رهبری نمونه معطوف داشت.

توسعه صرفاً تجاری نبود. در طی دوران رشد سریع، راجدیل تأکید قاطعی نسبت به انجام فعالیت‌های آموزشی متمرکز داشت. سخنرانی‌های زیادی ارائه شد، کتابخانه برپا گردید و تعاونی یک اتاق مخصوص مطالعه ایجاد نمود. از یک استاد دانشگاه کمبریج دعوت شد تا سخنرانی‌هایی را درباره علوم و نجوم ارائه دهد و این عمل نقطه عطفی در توسعه و گسترش کلاس‌های بیرون از دانشگاه (ترویج) گردید. تاریخ، روشن ساخت هنگامی که پیشگامان راجدیل در مورد تعلیم و تربیت صحبت نمودند، تخصیص درصدی ثابت از مازاد به آموزش را دربرمی‌گرفت، آن‌هم درحالی‌که آنها نه اصرار داشتند آموزش منحصرراً در مورد تعاونی باشد و نه صرفاً کارآموزی در فنون شغلی لازم در تعاونی‌ها باشد، با این حال هر دو این موارد را می‌توانست دربرداشته باشد. آموزش به‌معنای «بهبود فکری و عقلایی اعضا» در

---

طریق تعاونی‌های محلی دارای سهام خودشان در یک مرکز، را ممکن ساخت. نام آن به‌زودی به‌شکل ساده‌تری به نام «جامعه تعاونی عمده‌فروشی» تغییر یافت و با مخفف CWS در سال ۱۸۶۸ به ثبت رسید.

۱. (Bonner, 1961, p. 96) به نقل از گزارش فروشگاه‌های تعاونی توسط دکتر جان واتس (Dr. John Watts).

همه جنبه‌ها و در همه موضوعاتی بود که زندگی آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. از علوم گرفته تا اقتصاد برای لحاظ کردن نظریه تعاونی در میان جوامع تعاونی، راجدیل در بیان آموزش خود غیرمعمول بود، هرچند این تأکید نیز خود عصاره سنت اونیسم<sup>۱</sup> است.

تلاش‌های انجام شده در سطح ملی در راستای رقابتی کردن مدل آموزشی راجدیل بود. در سال ۱۸۶۹، دوره جدیدی از کنگره‌های تعاونی آغاز شد که این خود احیای سنتی مرده از روزهای اونیسم<sup>۲</sup> مربوط به ۲۵ سال قبل از آن بود. یکی از تصمیم‌های کنگره اولیه، در سال ۱۸۷۰ وادار کردن کلیه جوامع به دنباله‌روی از پیشگامان راجدیل در تخصیص ۲/۵ درصد از مازاد خود به برنامه‌های آموزشی بود. تلاش‌ها در سال‌های ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۱ در راستای تأسیس یک دفتر ملی دائمی برای تعاونی‌ها بیانگر اولین هسته اتحاد تعاونی بود. یک مرکز آموزش و تشکیلات سیاسی در سال ۱۸۷۳ برای تعاونی‌ها تأسیس شد. در سال ۱۸۷۱ جنبش تعاونی، محوریت اولین روزنامه ملی خود به نام «خبرهای تعاونی» را کسب کرد. این روزنامه توسط یک تعاونی کارگری شامل کارکنان متحد شده با روزنامه خبری منچستر گاردین<sup>۳</sup> انتشار یافت. ارتباطات با جنبش اتحادیه بازرگانی برای کمک به گسترش تعاونی‌ها شکل گرفته بود. در سال ۱۸۶۸ کنگره اتحادیه تجاری «استفاده از تشکیلات اتحادیه‌های تجاری برای اهداف و مقاصد تعاونی» را تصویب نمود. در سال ۱۸۷۵ اتحادیه تعاونی شروع به مبادله نمایندگانی با دیگر اتحادیه‌های بازرگانی نمود.<sup>۴</sup> در سال ۱۸۸۳ تشکیلات آموزشی با کمیته آموزش مرکزی که در سطح ملی ایجاد شده بود، ادامه یافت و در سال ۱۸۸۳ حرکت عظیمی در ایجاد

1. Owenite

2. Ownism

3. Manchester Guardian

4. Bonner (1961), pp. 79-80

انجمن زنان برای انتشار تعاونی (بعداً تعاونی صنف زنان نام گرفت) اقدام گردید. در سال ۱۸۹۰ جنبش تعاونی شروع به ارائه دوره‌های (دروس) مکاتبه‌ای کرد. همچنین تعاونی‌ها به‌طور قاطع از انجمن آموزشی کارگران که در سال ۱۹۰۳ بنیان‌گذاری شده بود، حمایت کرد. در سال ۱۹۱۴، آموزش تعاونی در بریتانیا با بیش از ۲۵ هزار دانش آموز در سال و یک بودجه ۱۱۳/۰۰۰ پوند پا گرفت، و کارآموزی در مورد بسیاری از موضوعات از اقتصاد گرفته تا منشی‌گری، آموزش برای مدیریت، ادبیات نظری اقتصاد تعاونی و نیز کلاس‌های خاص برای زنان در موضوع تعاون و شهروندی را در برمی‌گرفت. یک کالج تعاون، در اوایل سال‌های ۱۸۶۹ - ۱۹۷۰ پیشنهاد شد و سه‌چهارم قرن (۷۵ سال) زمان برد تا بالاخره تأسیس و به‌طور کامل مستقل شد. این طرح‌های آموزشی در راستای رشد یک جنبش پرهزینه به اجرا در آمده و مشارکت نمودند. موفقیت تشکیلاتی و بازرگانی راجدیل و برانگیختن جنبش نوع بریتانیایی تعاونی راجدیل ظاهراً تأییدی بر صحت و سلامت فلسفه راجدیل و اصول آن است. به نظر می‌رسد اهداف اجتماعی، رشد عضویت، تعلیم و تربیت و موفقیت تجاری، مجموعه‌ای هستند که با یکدیگر در تناسب‌اند. تا اواخر دهه ۱۸۷۰ تعداد جوامع تعاونی‌ها به بیش از هزار واحد رشد پیدا کرد، اگرچه، تنها حدود نیمی از آن‌ها وابسته به تعاونی جامعه عمده‌فروشان بودند، اما بقیه تلاش کردند تا به‌طور مستقل کار کنند. تا دهه ۱۹۲۰، تعداد جوامع پذیرفته‌شده به رشد خود ادامه دادند هرچند که در یک مقیاس در حال کاهش و در پایان با افت اتحاد، یکپارچگی و ادغام شروع گردید. از طرف دیگر، یک تمایل همسو برای بقای هر اجتماع در جهت رشد بهتر، گشودن شعبه‌های بیشتر و آوردن اعضای زیادتر به‌وجود آمد. جنبش به‌عنوان یک کل تا دهه ۱۹۵۰ به رشد خود در شکل تعداد اعضا ادامه داد. نهضت راجدیل بیش از یک قرن



بدون ازهم گسستگی به خوبی به رشد خود ادامه داد. همان طور که در شرایط طبیعی خود در همه حرکت‌های اجتماعی معمول است، رشد با تقویت الگوها و تمایلات مشخصی هدایت می‌شود و بنابراین منجر به قانونمند کردن یا محصور نمودن نهضت می‌شود.

### رشد، نهادینه شدن و اصول در حال تغییر

نهضت راجدیل، همان گونه که به رشد خود ادامه می‌داد، روی فعالیت‌های خرده‌فروشی خیلی بیشتر تمرکز می‌کرد. دیدگاه چند منظوره پیشگامان به طور کامل از دست نرفته بود و تعاون به داخل کارخانجات، خانه‌سازی و بسیاری از انواع فعالیت‌های دیگر گسترش پیدا کرده بود. در هر صورت، واحدهای اصلی نهضت، از نوع جوامع محلی راجدیل، به طور مشخص هرچه بیشتر به سمت محلی شدن گرایش پیدا کردند. همان گونه که انتظار می‌رفت اولین گام در تکمیل برنامه آرمانی توسط پیشگامان «قانون اولیه ۱۸۴۴» ظاهر شد، تعاونی‌ها تصمیم می‌گرفتند که فعالیت‌های خرده‌فروشی، حداقل برای جوامع محلی پایانی در درون خود باشد. نهضت اگر قرار بود در دیگر بخش‌ها شعبه داشته باشد، این امر وظیفه تعاون‌گران بود تا از طریق تعاونی‌های جدید به انجام رسانند، البته نه با بسط و گسترش اجباری آنهایی که موجود بودند. کارکرد اختصاصی در تضاد و تناقض با قوانین پیشگامان و مانعی برای تعاون راجدیل گردید. لزوم رسیدن به رقابت مؤثر و روزافزون، مانند تجربه‌ای که در دهه ۱۹۲۰ به وسیله فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتفاق افتاد، بدون شک بخشی از آنچه در پشت این چرخش قرار داشت، بوده است.

رشد جوامع خرده‌فروشی وابسته به جامعه تعاونی عمده‌فروشی <sup>۶</sup>		
سال	تعداد جوامع	تعداد اعضاء
۱۸۷۸	۵۸۴	۳۶۲/۰۰۰
۱۸۸۱	۹۷۱	۵۴۷/۰۰۰
۱۹۱۴	۱۳۸۵	۳۰۵/۴۰۰۰
۱۹۱۹	۱۳۵۷	۴۱۳/۱۰۰۰
۱۹۴۰	۱۰۶۵	۸۷۱/۶۰۰۰

تمرکز بر روی فعالیت‌های خرده‌فروشی همچنين به‌معنای تمرکز بر روی مصرف‌کننده است. تا دهه ۱۸۹۰ نهضت تعاونی بریتانیا طرح‌های زیادی در مالکیت کارگر و داشتن سهم در منافع با کارگران داشت که برخی از آنها کاملاً موفق بودند. اما این موارد به‌تدریج گسترش یافتند. دو نیروی تجاری و فکری- عقلانی، را باید برای همکاری فراوان با کارگران به‌حساب آورد. ابتدا توسعه کلان جامعه تعاونی عمده‌فروشی، تحت رهبری جی‌تی‌دبلیو میشل<sup>۱</sup> با تکیه بر ریاست جامعه راجدیل (طی سال‌های ۱۸۷۴ تا ۱۸۹۵)، با انجام کمک‌های مازاد روی برنامه توسعه صنعتی خود از طریق مالکیت کامل، انجام شد. قرار بود کارخانجات توسط مصرف‌کنندگانی که قادر به خواندن بودند و نیز توسط جامعه تعاونی عمده‌فروشی‌ها اداره شوند؛ البته، توسط آقای میشل و همکاران او و نه به‌وسیله سایر کارگران. به‌طور قطع، جامعه تعاونی‌های عمده‌فروشی یک مؤسسه مستحکم و قاطع، یک مرکز اقتصادی قوی و حمایت‌کننده برای موفقیت خرده‌فروشی‌ها محسوب می‌شد. اما تأثیر محافظه‌کارانه خود را نیز آشکار نمود و امتحانی طاقت‌فرسا و هدایت نهضت به‌سمت مسیرهای بسیار فرسوده و کهنه توسعه بود. از طرف دیگر، برای خرده‌فروشی‌ها که به نظر می‌رسید موفق‌ترین تعاونی‌ها باشند، این امر قابل درک بود

1. J.T.W., Mitchell

که «جامعه تعاونی عمده‌فروشی» پرچم دار کشتی این نهضت باشد. موفقیت خود مشروعیت آن نیز محسوب می‌شد. با تمام این اوصاف، از طرف دیگر، بخشی از نگرش پیشگامان همان‌گونه که نهضت رشد کرد و باریک‌تر گردید، از بین رفت.

نیروی تقویت‌کننده و تأثیرگذار از منبعی کاملاً متفاوت منتج شد. سوسیالیست‌های کُندروا<sup>۱</sup>، که گروهی از خردمندان نیز در میان آنان وجود داشت، شامل افراد مشهوری مثل سیدنی وب<sup>۲</sup> و بیتریس پوتر<sup>۳</sup>، بودند. سوسیالیست (فابین)ها اصرار داشتند مصرف‌کننده باید در بالاترین جایگاه نهضت تعاونی قرار داشته باشد و تنها علاقه به مصرف است که همه مردم را به‌طور فراگیر به هم پیوند می‌زند، و در واقع هر فردی مصرف‌کننده است. درنهایت یک تعاون مصرف‌کننده پیشرفته می‌تواند، افکار سوسیالیست‌های فابین را در جمع‌آوری و سازماندهی مجدد کلیه جوامع هدایت کند. از طرف دیگر، تعاون کارگران یا تولیدکنندگان، در هر بخش گروه‌هایی محدود شده و از هم جدا بودند که با بازدهی کم کار می‌کردند؛ موفقیت تعاونی در هریک از این گروه‌های خاص، می‌توانست به بهره‌برداری گسترده‌تر مصرف عمومی منتهی شود. بحث سوسیالیست‌های فابین بسیار جالب بود. کسی نمی‌توانست برای نداشتن آرمان‌گرایی و دیدگاه اجتماعی آن مورد سرزنش قرار گیرد. افراد با دارا بودن این‌گونه خصیصه‌ها برای مقابله با پیشگامان راچدیل مناسب بودند. احتمالاً، تفاوت، به این مفهوم است که فابین‌ها در دیدگاه خود بیشتر بزرگ‌نمایی کرده و سازماندهی شده‌تر عمل می‌کردند و این یک تلاش خردمندانه در تحمیل مدلی برای تمام جامعه بریتانیایی بود. دیدگاه راچدیل شکل محلی داشت، تجربی و تدریجی، برای بسیاری از انواع تعاونی‌ها بر مبنای یک سطح کوچک

1. Fabian Socialists

2. Sidney Webb

3. Beatrice Potter

کاری به سمت اهداف درازمدت را ممکن می‌ساخت. خارج از جنبش بریتانیا، مکتب نیمس در فرانسه (چارلز گیدا، برنارد لوراگن<sup>۲</sup>، ارنست پویسون<sup>۳</sup> و جورج لاسر<sup>۴</sup>) نیز اندیشه‌ای را ارتقاء دادند که تعاون مصرف‌کنندگان از نظر فکری نسبت به کلیه اشکال دیگر برتری دارد. براساس گفته گیدا، برای مثال، جوامع تولیدکننده فاقد هرگونه حس منفعت همگانی یا کالای بیشتر می‌باشند، آنها صرفاً «مجموعه‌ای از خودراضی و خودستا» هستند.<sup>۵</sup>

مجموعه‌این موارد به‌طور کامل در ذهن اندیشه‌های اولیه نهضت تعاونی راجدیل وارد شد. در سال ۱۸۷۹ نویسنده مقالات سیاسی، جورج جاکوب هالیوک، عنوان کرد: «اگر تعاون قرار است کامل گردد ... کارگر با هزینه مصرف‌کننده باید باشد، تعاون منفعت برساند، و با این وجود ادامه ابقای یک توطئه مجازی علیه خرید عموم ادامه یابد»، او دیدگاهی را ایجاد و ارتقاء بخشید که مصرف‌کنندگان نباید کنار گذاشته شوند.<sup>۶</sup> حمایت او بدین معنا نبود که مصرف‌کنندگان

1. Charles Gide

2. Bernard Laveragne

3. Ernest Poisson

4. Georges Lasserre

۵. لامبرت (۱۹۶۳، ص ۱۶۱): او انتقاداتی را از این مکتب فکری بیان نمود، او روی این اندیشه تمرکز کرد که خریداران دارای منافع خودشان هستند، که شایسته است همراه با منافع مصرف‌کنندگان مورد حمایت قرار گیرند. همان‌گونه که در دومین بخش از این کتاب بحث خواهد شد، اندیشه لامبرت بسیار به اندیشه‌های اولیه پیشگامان راجدیل و متحدان آنها مانند جورج هالیوک جاکوب، نزدیک است.

۶. هالیوک (۱۸۷۹، ص ۷۷): او یک اصلاح‌گر پیرو و مبلغ اون بود که به‌عنوان هماهنگ‌کننده نهضت بریتانیا ظاهر شد. او در سال ۱۸۴۳ روی اندیشه‌های اون در راجدیل سخنرانی کرد و دارای پیوند طولانی با پیشگامان بود و اولین تاریخ پیشگامان را در سال ۱۸۵۸ نوشت و همین‌طور کارهای کلی بر روی تعاون بریتانیا در سال‌های ۱۸۷۵، ۷۹، ۱۸۸۸ و ۱۸۹۱ انجام داد. در آن هنگام یکسری کنگره‌های مدرن تعاونی در سال ۱۸۶۹ شروع شد، هالیوک چهره‌ای هدایت‌کننده بود که به‌طور متناوب تا هنگام مرگش در سال ۱۹۰۶ در کنگره‌ها سخنرانی می‌کرد. از این رو هالیوک به‌عنوان آخرین چهره عصر راجدیل همواره مورد احترام بود. پس از مرگ او به احترامش کلیه ستادهای مرکزی اتحادیه تعاونی به نام خانه هالیوک نام‌گذاری شد.

تنها شریکان در تعاون هستند، بلکه آنها می‌باید همراه با کارگران به حساب آورده شوند. طی دو دهه این زمینه برعکس شد، حمایت‌ها از شراکت کارگر، سود سهام و موقعیت‌هایی که در هیأت مدیره تعاونی برای کارگران به وجود آمده بود، آنها را مجبور به دفاع در رسیدگی به منافع خود همراه با مصرف‌کنندگان کرد. در دو دهه بعدی اندیشه سودهای سهام یا کنترل با کارفرمایان از نهضت‌های تعاونی بریتانیا و بین‌المللی به‌طور واقعی محو شدند. توسعه تاریخی نوعی از انقلاب مصرف‌کنندگان در نهضت تعاونی را به همراه آورد و سنت‌ها و اصول تعاونی‌ها را در جهت منافع مصرف‌کنندگان مورد بازسازی قرار داد.

دو اندیشه کارکردی ویژه و برتری‌جویی خاص مصرف‌کننده، هر دو نمایان‌گر محدود شدن نهضت راچدیل بود که همزمان با هم رشد نمودند. حتی در تناقض با آرمان‌های اولیه پیشگامان، آنان بذریه‌های زیادی را افشاندند و در بریتانیا تنها برخی از آنها در اولین قرن توسعه نهضت، به بار نشست. شاید موفقیت‌های عظیم مدل تعاونی خرده‌فروشی زیان‌های خود را هم به همراه داشته باشد، همان‌گونه که رشد سریع توأم با سلامتی یک گیاه به‌تنهایی ممکن است باعث ایجاد سایه‌ای شود که مانع رشد و توسعه دیگر گیاهان شود، تعاونی‌ها نیز ممکن است خسارت‌هایی را به بار آورده باشند.

همچنین توسعه نهضت راچدیل اندیشه اتحاد و هم‌پیمانی را برای تقریباً یک اصل تعاونی در جهت حق خود بالا برد. تعاونی‌های محلی ممکن است بزرگتر شده و خاص نیز باقی بمانند، لیکن مسلماً استقلال خود را نیز حفظ خواهند کرد. تعاونی عمده‌فروشان و اتحادیه تعاونی با مالکیت تعاونی‌های محلی، مؤسسات را به‌طور دموکراتیک و در یک شکل بی‌رویه و حرکتی نسبتاً ازهم‌گسیخته، اداره نمودند. به نظر می‌رسد این هم‌پیمانی تعاونی دارای سه شایستگی اصلی باشد. اول، برای تعاونی‌ها راهی را هموار نمود تا باهم کار کنند، تعیین

عمده‌فروشی و شرکت‌های کوچک تولیدی، و به‌دنبال آن دستیابی به آستانه اقتصادی را فراهم نمود. گروهی از تعاونی‌ها در اتحادیه که می‌توانست تقریباً به سودمندی و کارایی فروشگاه‌های زنجیره‌ای منجر شود که در مالکیت مرکزی قرار داشتند. این فروشگاه‌ها، به‌صورت افقی در شکل یکپارچه اداره می‌شدند و با یکدیگر کار می‌کردند. این امر تعاونی‌های بریتانیا را در خط مقدم خرده‌فروشی کارآمد قرار داد. دوم، درحالی‌که اتحادیه‌ها بسیاری از مزایای مرکزی بودن را کسب کردند، اجازه یافتند هویت جداگانه‌ای را برای هر تعاونی در اجتماع محلی خود به‌دست آورده و بدین ترتیب مشارکت و حمایت اعضا را نگاه دارند. درنهایت، ساختارهای مرکزی خطر را محدود نمودند و شکست هر تعاونی، تنها می‌توانست به نهضت در همان منطقه آسیب رساند. همان‌طور که پائول لامبرت بعداً تصمیم گرفت، اتحادیه تعاونی مزایای تمرکز در میان تعاونی‌ها، طریقه هماهنگی مبتکران محلی را با برنامه‌ریزی مرکزی ارائه نماید.<sup>۱</sup>

اندیشه فدرالی دو جنبه کارایی تجاری و استقلال محلی را همزمان باهم متحد کرد و تبدیل به جلوه‌ای بنیادین از نهضت راجدیل نمود. همانند اندیشه‌های کارکردی- تخصصی و دادن اولویت به مصرف‌کننده، آن اصلی از اصول تعاونی بود که از طریق رشد نهضت توسعه یافت. برخلاف این دو اندیشه، در هر صورت، هرکس می‌تواند این بحث را مطرح کند که فدرالی کردن در قوانین و اساسنامه‌های اصلی و رفتار اولیه پیشگامان وجود داشته و این امر به‌طور تلویحی در تعهد خود به کنش محلی و سابقه کار با همدیگر و با دیگر تعاونی‌ها وجود داشته است.

کنش‌های رقیبان همچنین کمک کرد تا اندیشه‌های انتقادی و گلایه‌آمیز خاص تعاونی به نقطه‌ای مناسب برسد. نهضت تعاونی

1. Lambert (1963), p. 92

همزمان با رشد خود با ابزارهای بازاریابی رقیبان خود نیز مواجه شد. شرکت‌های چای در دهه ۱۸۸۰ جوایز افراط و تفریط‌آمیزی را برای تشویق مصرف‌کنندگان به خرید تولیدات خود اختصاص دادند. در ابتدای قرن بیستم، شرکت‌های بزرگ صابون‌سازی فریب‌کارانه با ثابت نگاه داشتن قیمت‌ها، وزن تولیدات خود را کاهش می‌دادند؛ آنها همچنین شروع به آذیت و آزار تعاونی‌ها با استفاده از دادخواهی‌ها و غرامت‌های<sup>۱</sup> قانونی کردند.<sup>۲</sup> این‌گونه تجربه‌ها تعهد نهضت تعاونی به اندیشه‌های صداقت و درستکاری در وزن (کیل)، اندازه‌ها و بازار بدون حاشیه‌ای را عیان نمود و سبب ایجاد بدگمانی نسبت به تبلیغات و ابزارهای اغفال‌کننده شد و این دید را در مردم تقویت کرد. چنین اندیشه‌هایی جزء فرعیات مفهوم پیشگامان اولیه راجدیل از یک شغل ساده کنترل‌شده توسط مصرف‌کننده بودند.

از جمله دیگر چالش‌های تعاونی‌های خرده‌فروشی خصوصی، به‌طور عمده سیاسی بودن آنها بود تا تجاری بودن آنان. در دهه ۱۸۹۰ قصاب‌ها در شهر گلاسگو اقدام به سازماندهی تحریمی علیه تعاونی‌ها کردند و از فروش به آنها یا هرکسی که با تعاونی معامله می‌کرد، خودداری نمودند. تعاون‌گران اسکاتلندی برای کمک به اتحادیه‌های تجاری در مبارزه علیه تحریم نام‌نویسی کردند. در پایان، یکپارچگی تعاونی‌ها تقویت شد و آنها تشویق شدند تا به افق‌های گسترده‌تری چشم بیندازند؛ حتی برای گذر از دشمنی و خصومت با واسطه‌ها به خرید مستقیم از کشاورزان محلی و کشاورزان کانادایی اقدام نمودند. مبارزه طولانی در مقابل مالیات بر درآمد نیز نمونه دیگری از این دست بود. تجار ادعا کردند تعاونی‌ها از مصونیت‌های مالیاتی لذت می‌برند، و برای بستن مالیات‌های جدید بر روی تعاونی‌ها همه یک

---

1. Lawsuit

2. Bonner (1961), p. 112

صدا شدند. ثابت‌قدمی تعاونی‌ها اثبات نمود، اگرچه آنها ممکن است انواع دیگری از مالیات‌ها را پرداخت کنند، اما آنان هیچ مالیات بر درآمدی پرداخت نخواهند کرد، زیرا آنها درآمدی برای خود ایجاد نکرده بودند، آنها تنها اقدام به پس‌اندازهایی برای اعضای خود نموده بودند. آنها بحث و استدلال کردند که اگر این امر به آنها مزیت هرگونه احساس رقابتی را می‌دهد، مسلماً جبرانی است بر این حقیقت که آنها مجبور به نگهداری تشکیلات بزرگی برای آموزش و دموکراسی اعضای خود می‌باشند که رقباى آنان آن را انجام نمی‌دادند. مانند کشمکش‌های سیاسی که موجب بالا رفتن هوشیاری و تعهد تعاون‌گران و وادار نمودن آنان به کار با یکدیگر می‌شود.<sup>۱</sup>

در هر صورت، آنها مجبور به کار بیشتر با یکدیگر بودند، تعاون‌گران به افزایش درک خود در گوناگونی و تنوع شیوه‌های اصول راجدیل ادامه دادند و این اصول را ساده‌سازی یا محدود نموده تا در خدمت کارهایشان قرار گیرد. برای مثال، بررسی اندیشه «تقسیم» یا سود سهام، حمایت از سود تشویقی، اینها شیوه‌ای از راجدیل است که پیشگامان به‌عنوان یک نوآوری و ابداع اولیه خود قلمداد می‌کردند (درحالی‌که این طور نبود). سود تشویقی در فعالیت تعاونی خرده‌فروشی به‌خوبی تعریف شده بود. این مسئله سود قابل اندازه‌گیری و شفاف را به اعضای پیشنهاد کرد و بدین ترتیب به جلب حمایت از اجتماعات اقدام نمود. با وجود این، بازپرداخت سود تشویقی، شاید به‌خاطر کم و قابل اندازه‌گیری بودنشان در تبلیغ عضوگیری مفید بود که شبیه به یک وسوسه گردید. تعاونی‌ها به‌مرور شروع به افزایش زمان پرداخت سود تشویقی خود نمودند، تا شروع قرن جدید (بیستم)، ۷۳ درصد از تعاونی‌ها دو شلینگ در ازاء هر پوند انگلیس سود تشویقی پرداخت می‌کردند، به تعبیری دیگر، چیزی بیش از ۱۰ درصد! پرداخت کردند

1. Bonner (1961), pp. 112-113, 178, 194



درحالی که درصد قابل توجهی از تعاونی‌ها بین ۲۰ تا ۲۵ درصد سود پرداخت می‌کردند (۴ تا ۵ شلینگ در ازای هر پوند)، که رقم قابل ملاحظه‌ای است. این حقیقت نشان می‌دهد تعاونی‌ها در یک دوره‌ای ممکن است دارای کارآمدی بیشتری باشند تا خرده‌فروشان کوچکی که بیشتر رقابت خود را انجام داده بودند. آنها در مواجهه شدن با رقابت‌های بزرگ چه چیز دیگری می‌توانستند کسب کنند؟ اما باورکردن این مطلب که این کل داستان باشد، مشکل است. مطمئناً برخی از تعاونی‌ها، در مقابل پرداخت سودهای سهام زیاد و جذاب، این وسوسه را به‌وجود می‌آورد که قیمت‌ها را کمی افزایش دهند، عملی با دو زیان، یعنی آنها را در مقابل رقیبانی که هزینه‌ها را کاهش می‌دهند، آسیب‌پذیر خواهد کرد. افراد فقیر کارگری را که شاید بخواهند با ایمان خوب خود تعاونی را حمایت کنند، استثمار می‌کند و کسی را که واقعاً نمی‌تواند تا پایان سال تحمل کند، پس انداز خود را خارج خواهد کرد.

پرداخت سود تشویقی <sup>۶</sup> توسط تعاونی‌های انگلیسی <sup>۷</sup>				
درصد باز پرداخت‌ها به کلیه جوامع تعاونی‌ها (بر حسب پوند) از ...				
سال	۱-۲ شلینگ	۲-۳ شلینگ	۳-۴ شلینگ	۴-۵ شلینگ
۱۸۷۹	٪۲۸	٪۵۵	٪۱۰	-
۱۹۰۰	٪۲۰	٪۳۵	٪۳۲	٪۶

در هر صورت، مشکل واقعی با پرداخت سود تشویقی بالا، در درآمدت کمتر مشهود و مخرب‌تر است. حتی اگر سود تشویقی هم به‌طور مشروع به‌واسطه دادوستد در قیمت‌های رقابتی کسب شده باشد، پرداخت درصدهای بالا علامتی است که توجه کافی به توسعه ذخایر مالی در یک تعاونی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مشاغل جدید دارد که به آن توجه کافی نشده است. این مشکلی است که تعاونی‌های راجدیل را از آن زمان تاکنون آزار داده است، اگر مازاد پرداخت‌ها

بالا باشند، تعاونی نیاز به سرمایه پیدا می‌کند و برای انجام اقدامات متهورانه جدید منابع لازم، وجود نخواهد داشت. این امر لزوماً یک برخورد ساده و بدون پیچ‌وخم بین سود کوتاه‌مدت فردی اعضا در دریافت سود برگشتی زیاد و منافع جمعی بلندمدت در داشتن یک مؤسسه در حال رشد اجتماعی سالم است. هم مشکل و هم راه‌حل به راجدیل بر می‌گردد؛ در اساسنامه‌های سال ۱۸۵۴ پیشگامان روشن نمودند که بازپرداخت‌ها پس از توسعه لازم ذخایر و فعالیت‌های تجاری، تنها یکی از اهداف برای مازاد ذخیره بودند که باید به اجرا در می‌آمدند. این نکته هم در تئوری و هم در اساسنامه‌های پیشگامان باید روشن می‌شد. با وجود این، در عمل اغلب غفلت می‌شد و این خود علامتی است از این امر که در دنیای واقعی، چقدر مشکل است که تعاونی‌ها بین اصول و فعالیت‌های خود، موازنه برقرار کنند.<sup>۱</sup> یکی از دلایلی است که چرا تلاش‌های ۱۵۰ ساله برای شناسایی ساده و شفاف از اصول تعاونی همواره با ابهام همراه بوده است.

---

۱. متأسفانه، مقررات مالیات بر درآمد برای تعاونی‌ها در بسیاری از کشورها تبدیل به یک سازش شد، صرفاً با گفتن این که بخشی از مازاد در میان اعضا پخش گردید، منجر به رهایی از پرداخت مالیات می‌شد. این گونه عملکردها به‌عنوان یک مانع و بازدارنده، در ساخت سرمایه جمعی در تعاونی‌هاست. شاید فردی بحث کند که مقررات مالیاتی باعث تشویق کوتاه‌مدت فعالیت تعاونی شده باشد، اما تنها به‌خاطر این امر صاحبان تعاون و ادار به سوءگیری در جهت تأکید بر منافع کوتاه‌مدت اعضای خود در مقایسه با منافع بلندمدت می‌شدند.

## بخش دوم: راجدیل به عنوان یک نهاد و الگو

راجدیل برای افراد مختلف می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد: قوانین عملی صحیح و مشروع در تجارت (نظیر دادوستد نقدی، سنجش و کیل منصفانه، بازپرداختی‌های تشویقی)؛ آزادی و رهایی از طریق آموزش و دموکراسی؛ موفقیت تجاری و گسترش آن، یا آرزوهای جاه‌طلبانه و تغییر شکل اجتماع تعیین نمونه اساسنامه‌های عینی، یا محلی کردن استراتژی؛ و یا اصل تغییر تدریجی و اصل فدرالی شدن. همه این موارد به‌طور مشروع، بخشی از تاریخ پیشگامان راجدیل و نهضتی است که به آن نیرو بخشیده بودند. دومین بخش از این تحقیق به بررسی راه‌هایی خواهد پرداخت که در آن رهبران و نظریه‌پردازان، تعاونی‌ها را براساس احتمال متفاوتی که با آن به «اصول راجدیل» رسیده‌اند، بررسی خواهد کرد. کسی که می‌خواهد پیرامون راجدیل مطالعه کند باید مطلب را با این نکته شروع کند که تجربه راجدیل، اصلاحات و فعالیت‌های اطراف جهان را تحریک و تهییج نمود.

## تأثیر جهانی

در درون بریتانیا - در روزهایی که بریتانیا یک کشور دموکراسی نبود - موفقیت راجدیل به عنوان تأییدی برای باور بود که دموکراسی می تواند در کشورها استفاده شود. راجدیل در سال ۱۸۸۴، پیش از همه مردان بزرگسال حق انتخاب کردن را به دست آورد و این توصیفی بود برای باور که به افراد معمولی نیز می توان در تصمیم گیری اعتماد کرد و این مطلب که دموکراسی چیزی شبیه به هرج و مرج است، نمی تواند صحت داشته باشد. جان برایت، در بحث خود از پیشگامان در ترویج حق ایجاد شعبه، به عنوان یک نمونه استفاده کرد و ویلیام گلاستون<sup>۱</sup> هنگام مطرح شدن لایحه دادن حق رأی در مجلس عوام انگلیس، اعلام کرد که «راجدیل احتمالاً بیشتر از هر شهر دیگری در ساختن افکار عملی برای اعطای برخی آزادی های طبقات کارگری، نمونه خوبی است»<sup>۲</sup>.

در سرتاسر اروپا و اطراف و اکناف جهان، تعاونی ها به واسطه استقامت راجدیل در خاستگاه اصلی خود یا در اوج گیری جنبش تعاونی در میان ده ها کشور، انگیزه گرفتند. راجدیل مسلماً هوبر وی آ<sup>۳</sup> (، نظریه پرداز محافظه کار اجتماعی و اولین کسی که حامی تعاونی ها در آلمان بود، را نیز برانگیخت. احتمالاً این امر به انگیزه هرمن شولتز<sup>۴</sup> دلش نیز کمک کرد، کسی که مؤسسه اعتباری و دیگر انواع تعاونی ها را در سال ۱۸۵۰ در آلمان افتتاح نمود. ادورد پفیفره<sup>۵</sup>، پیشگام تعاونی مصرف در آلمان در دهه ۱۸۶۰، از راجدیل، دیدن کرد و مبنای کار تعاونی های خود را به طور مستقیم براساس آنچه که در آنجا مشاهده

1. William Gladstone

2. Backstrom (1974), p. 66

3. V.A. Huber

4. Hermann Schulze Delitzsch

5. Eduard Pfeiffer

کرده بود، قرار داد. در فرانسه نیز کارگران سوسیالیست به واسطه وجود نمونه راجدیل، در تشکیل تعاونی‌های مصرف الهام گرفتند، و پس از گذشت چند دهه، کارگران تعاونی‌ها در رأس امور قرار گرفتند. در سال ۱۸۶۲، روزنامه لیون فرانسه، سلسله مقالات تاریخ پیشگامان راجدیل را توسط جورج هالیوک جاکوب به رشته تحریر درآورد و در سال ۱۸۶۴ یک نمونه تعاونی مصرف راجدیل در پاریس تأسیس شد.<sup>۱</sup> در ایتالیا، گیوسپی مزینی<sup>۲</sup>، پیشگام اتحاد ملی، مبتکر ترقی و پیشرفت اندیشه‌های عوام‌پسندانه تعاونی همراه‌هالیوک بود. هالیوک و ادوارد وانسیتارت نیلی<sup>۳</sup> از نهضت بریتانیا طی جلسه‌ای در سال ۱۸۸۶ در میلان در محلی که انجمن ملی تعاونی‌های ایتالیا ایجاد شده بود، شرکت کردند.<sup>۴</sup> نهضت معروف تعاونی جهانی دانمارک در دهه ۱۸۶۰ با تعاونی‌های مصرف شروع شد که به‌طور مستقیم از نمونه قوانین راجدیل الهام گرفته شده بود.<sup>۵</sup> در نروژ تعاونی‌هایی پیش از دهه ۱۸۶۰ در هنگام شناخته‌شدن راجدیل وجود داشتند، اما نهضت در دهه ۱۸۹۰ پس از آن که یک وکیل نروژی در اسلو به نام اوله دهلی<sup>۶</sup> به انگلستان رفت و نهضت تعاونی مصرف بریتانیایی را مطالعه نمود، از سرگرفته شد. این شخص (اوله دهلی) به نروژ برگشت، در مورد مبحث تعاونی‌ها سخنرانی کرد و در نهایت هدایت تعاونی‌های نروژی را برای ایجاد یک اتحاد تعاونی و جامعه عمده‌فروشی در اوائل قرن بیستم به‌عهده گرفت.<sup>۷</sup> در فنلاند، اولین تلاش در تأسیس تعاونی

---

1. Furlough (1991), pp. 47- 49

2. Giuseppe Mazzini

3. Edward Vansittart Neale

4. Earle (1986), pp. 11 and 17

5. Smith-Gordon and O'Brien (1919), p. 39

6. Ole Dehli

۷. (Hall and Watkins, 1937) و (pp. 14- 20, Grimley, 1950) اظهار داشتند که سفرهای ویلیام پر (William Pare) به‌عنوان چهره‌ای هدایت‌گر در نهضت بریتانیا، در

مصرف، در سال ۱۸۶۶ توسط پروفیسوری که از راجدیل با خبر شده بود، انجام شد.<sup>۱</sup>

در آمریکای شمالی نیز، راجدیل الهام‌بخش بسیاری از تعاونی‌های جدید بود. احتمالاً، اولین تعاونی نمونه راجدیل در این قاره در استلارتون<sup>۲</sup>، یک شهر معدنی در نوا اسکوتیا<sup>۳</sup>، محلی که در سال ۱۸۶۱ فروشگاه‌های در آنجا آغاز به کار کرد، ایجاد گردید. این اولین فروشگاه از دوازده فروشگاه‌های بود که جوامع معدنچی و صنعتی قبل از ۱۹۱۴ آن را باز کردند و در خیلی موارد توسط کارگران بریتانیایی‌تبار که تجربه مستقیمی از نهضت بریتانیا داشتند، انجام شده بود. بزرگترین تعاونی‌ها در جامعه بریتانیایی-کانادایی در معادن سیدنی بود که ارتباطات دادوستد را با والدین نهضت بریتانیا ارتقاء داد و عاقبت به جامعه عمده‌فروشی پیوست.<sup>۴</sup> درست یکسال پس از تعاونی استلارتون، اولین تعاونی مدل راجدیل در ایالات متحده آمریکا ایجاد شد. انجمن متحد تعاونی شماره یک ایالت فیلادلفیا<sup>۵</sup> در سال ۱۸۶۲ با آیین‌نامه‌ای که مستقیماً از راجدیل دریافت کرده بود، سازماندهی شد.<sup>۶</sup> در ایالات متحده اندیشه‌های راجدیل معروف شد و در دهه‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰ جنبش مزرعه‌گرانگ در نیمه غربی ایالات متحده صدها یا هزاران فروشگاه با مالکیت صاحبان مزرعه ایجاد نمود که اداره خرید و فروش آنها را با برنامه راجدیل انجام می‌داد.<sup>۷</sup> راجدیل بسیار معروف گردید، در حقیقت، نام راجدیل بود که

---

بسیاری از کشورهای اروپایی، تعاونی‌ها را شایع نمود (ص ۲۵۰).

1. Odhe (1931), pp. 26- 27

2. Stellarton

3. Nova Scotia

4. MacPherson (1979), p. 22, p. 129, p. 169

5. Philadelphia

6. Sekerak and Danforth (1980)

7. Wieting (1952), p. 7

مغرورانه به هر طریق ممکن از طرح و نقشه‌های بدون برنامه انجام شد. شرکت عمده‌فروشی راجدیل در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۰ در سانفرانسیسکو ۵۱ فروشگاه را در سراسر ایالت کالیفرنیا سازماندهی کرد که برای چند سال رونق گرفت و سپس به خاطر ناپختگی، شتاب و توسعه بدون اندیشه و برنامه، ورشکست شد.<sup>۱</sup> کسانی که به‌طور واقعی با توسعه راجدیل آشنا بودند ممکن است مفهوم شروع با یک عمده‌فروشی و استفاده آن برای گسترش خرده‌فروشی را به جای برعکس کردن الگوی گسترش به عنوان آنچه که در بریتانیا اتفاق افتاده بود، ببینند و در مورد آن سؤال کنند. تقلید دیگری تحت عنوان «طرح آمریکایی راجدیل» وجود داشت، که در سال ۱۹۱۸ شرکتی با مدیریت متحد مرکزی در ایالت ایلونویز<sup>۲</sup> ایجاد گردید. مثل کالیفرنیا، این امر نتیجه پرخاشگری، عجله و شتاب در گسترش با قدری ارتباط برای توسعه استقلال محلی و کنترل کردن اعضا بود. دوباره، به‌طرز شگرفی شرکت برای مدت‌زمان کوتاهی موفق گردید، اما آن نیز در سال ۱۹۲۰ برچیده شد.<sup>۳</sup> در مواردی مانند این‌ها، روشن است که ارتقاءدهندگان آرزو داشتند تا موفقیت راجدیل را بدون صبر و حوصله تکرار کنند. پیشرفت گام‌به‌گام تعاونی‌های انگلیسی، موفقیت سریع، بدون نگرانی از رشد از درون، گسترش عضویت، ایجاد یک ریشه مستحکم در جوامع محلی قبل از صعود به سطح بالای تعاون بود. در حقیقت در نگاهی منصفانه‌تر، در ایالات متحده آمریکا افرادی نیز وجود داشتند که راجدیل را به‌روشنی درک کرده بودند. اتحاد

---

۱. (Sekerak and Danforth, 1980, p. 38). طی سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۲۲ تلاشی صورت گرفت که زنده نگاه داشتن و توسعه این جنبش امکان پذیر شود، اما مجدداً روند و جریان عمل از اندیشه توسعه و سرپرستی خرده‌فروشی‌های محلی به وسیله عمده‌فروشی مرکزی انجام شد که با شکست مواجه شد، این بار هدف اتهامات فساد مدیریتی بود.

2. Illinois

3. Sekerak and Danforth (1980), pp. 39-40

لیگ) تعاونی ایالات متحده آمریکا، در سال ۱۹۱۶ برای بهبود و ارتقاء «تعاون حقیقی راجدیل» بنا نهاده شد و سبب گردید که بانیان «طرح آمریکایی راجدیل» را اخراج نمایند.<sup>۱</sup> دست‌های آنان پر بود، در هر صورت، آنها نه تنها با تعاون‌گرانی که معنی کامل راجدیل را درک نکرده بودند، مواجه شدند، بلکه همچنین با تجارت مشکوک غیر-تعاونی با استفاده از نام آن نیز مبادرت نمودند. در سال ۱۹۱۹، در شیکاگو در توطئه‌ای معروف، یک شرکت عمده‌فروشی راجدیل تشکیل شد که از ۸۱/۰۰۰ نفر افراد سهام جمع‌آوری نمود و ۸/۷ میلیون دلار در حق‌العمل‌کاری‌ها برای مأموران امنیتی به‌دست آمد و سپس ورشکسته شد و بیشتر سرمایه‌های جمع‌آوری‌شده هرگز به شرکت برگشت داده نشد.<sup>۲</sup>

بدون شک افراد دیگر نیز می‌توانند نمونه‌های مشابهی از دیگر کشورها را مثال بزنند. این موارد بیان می‌کند چرا تعاونگران نگران بودند تا به‌طور دقیق تعریف کنند «راجدیل» واقعاً چه معنی می‌دهد، و از آنجا بتوانند تمایزی بین سازمان‌های مختلفی که ممکن است خود را تعاونی راجدیل بنامند، قائل شوند.

### ساختار اصول راجدیل دوره اول: سال‌های ۱۸۶۰ - ۱۸۷۰

اولین کلمه باید به خود پیشگامان نسبت داده شود. در سال ۱۸۶۰ جامعه راجدیل در گزارش سالیانه خود بیانیه‌ای از قوانین اجرایی را تهیه نمودند. به‌طور مشخص، اولین نقطه نظر پیشگامان با سؤال ماهیت سرمایه در تعاونی شروع گردید و گفته شد که سرمایه توسط اعضاء فراهم گردیده است؛ ایجاد شغل به‌واسطه عضویت افراد، حمایت مالی شده و درآمد برگشتی آن قابل پیش‌بینی نیست. پس از

1. Sekerak and Danforth (1980), p. 43

2. Sekerak and Danforth (1980), pp. 29-31



آن پیشگامان به تجربه‌های شغلی خود رجوع کردند و تأکید آنان بر کیفیت، صداقت، درستی، قیمت‌های بازار و دادوستد نقدی بود. و در نهایت، فهرست سال ۱۸۶۰ با ادارهٔ دموکراتیک و شرط آموزش و اطلاعات برای اعضاء بسته شد.

البته مواردی نیز وجود دارد که در این فهرست از قلم افتاده است. پیشگامان به این نکته اشاره نکرده‌اند که عضویت باز و داوطلبانه است، اگرچه، این اندیشه‌ها در قوانین آن وجود داشت؛ اما در اهداف بلندمدت اجتماعی دیده نمی‌شد. آنها به اندیشهٔ استقلال محلی به عنوان مخالفت با مرکزیت اشاره نکردند. این فهرست همچنین اندیشهٔ شراکت با کارکنان، سهم‌نمودن کارمند تعاونی در منافع را بیان ننموده بود. البته در همان سال (۱۸۶۰)، پیشگامان راجدیل از چنین سود سهامی حمایت نموده بودند. در پایان، آنان اظهار می‌دارند که همهٔ «منافع» باید در میان اعضاء تقسیم شود. شاید ابهامی در آن وجود نداشته باشد، همان‌گونه که قوانین سال ۱۸۵۴ مشخص نمود که آنچه که پس از کسر اداره امور، سرمایه قرض گرفته شده، سرمایه اعضاء، استهلاک، سرمایه‌گذاری در مشاغل جدید و کسر برای آموزش و تعلیم (تعریف فنی منافع) بوده که باید بین اعضاء تقسیم گردد. پنجمین و هشتمین نکته گفته شده در جدول زیر به نظر می‌رسد که با هم مغایرت داشته باشند. به عبارت دیگر اگر همهٔ منافع تقسیم شده‌اند، چگونه می‌تواند درصد ثابتی از منافع به آموزش و تعلیم اختصاص یابد؟ مگر این که کسی فرض کند که پیشگامان به‌طور قاطع پیرامون معنی «منافع» صحبت نکرده باشند.

#### فعالیت‌های راجدیل (راجدیل، ۱۸۶۰)<sup>۹</sup>

نهضت تعاونی کنونی قصد ندارد در مذاهب گوناگون یا تفاوت‌های سیاسی که در حال حاضر در جامعه وجود دارند، دخالت کند، اما به‌واسطه یک تعهد عمومی، که نفع شخصی نامیده می‌شود، به پیوند همهٔ امکانات، ابزارها، توان، و سلاقی همهٔ

افراد برای منتفع شدن از یکدیگر اقدام می‌کند: سرمایه می‌باید از طرف خودشان فراهم شده و یک سود ثابتی را در بر داشته باشد. تنها شرایط قابل دست یافتنی می‌بایست برای اعضاء فراهم گردد. باید جنس به‌طور کامل وزن و اندازه‌گیری شده و به مشتری تحویل داده شود. قیمت‌های بازار باید محاسبه شده و نباید هیچ‌گونه وجه اضافی داده و یا خواسته شود. منافع به تناسب مقدار خرید توسط هر عضو باید تقسیم گردد. باید اصل «یک عضو، یک رأی» در طرز حکومت و برابری جنسیت در عضویت به‌دست آید. مدیریت باید در دستان اعضای هیأت رئیسه کمیته منتخب به‌صورت دوره‌ای باشد. درصد محدودی از منافع باید به آموزش و تعلیم اختصاص یابد. به‌طور منظم باید اظهارنامه‌ها و ترازنامه‌ها به اعضاء ارائه شود.

البته از جمله کسانی که راجدیل را تفسیر نموده و در مورد آن اظهار نظر کرده است و بهترین نویسنده و شناخته شده‌ترین آن نیز می‌باشد، بدون شک «هالیوک» بوده است. هالیوک در شهادت خود در کمیسیون سال ۷۹ - ۱۸۷۸، تجربه نهضت را این‌گونه خلاصه کرد:

خواست و آرزوی ماست که تعاون باید به‌عنوان نشانی از صداقت و صحت در خصوص ارائه مواد غذایی با کارکنانی درستکار، در کالاهای مورد استفاده، وجود داشته باشد. ما هیچ‌گونه وجهی دریافت نمی‌کنیم؛ هیچ‌گونه حق‌عملی نمی‌دهیم، هیچ‌گونه اعتباری را قبول نمی‌کنیم؛ و هیچ‌گونه بدهکاری را در میان اعضاء راه نمی‌دهیم... ما سود را به شیوه شغلی خودمان به‌دست می‌آوریم. ما در بازارهای عمده‌فروشی خرید می‌کنیم، ما بدهکار نمی‌شویم... ما خود فروشگاه‌های خودمان را ساخته‌ایم، و در پرداخت اجاره‌بهاء صرفه‌جویی می‌کنیم؛ ما نیاز به تبلیغات نداریم، و پولی برای فریب و اغوای انجام کارهای خود نمی‌دهیم. بنابراین ما به اعضای خود

توجه می‌کنیم؛ ما بخشی از منفعت خود را برای آموزش و تعلیم آنها اختصاص می‌دهیم زیرا شما نمی‌توانید از افراد جاهل و نادان تعاون بسازید.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که در گزارش ۱۸۶۰ پیشگامان آمده، می‌توان گفت این مرور، تمرکز بیشتری بر روی روش‌ها دارد تا آنکه بر اصول تأکید نماید.

نوشته «هالیوک» بیشتر تنویر و روشن‌سازی افکار است و او صرفاً در مورد فهرستی از فعالیت‌ها صحبت نمی‌کند، بلکه بیشتر پیرامون تعریف تعاونی‌ها اظهار نظر می‌کند. هالیوک یکی از اولین افرادی بود که فراتر از این سخن که راجدیل چه فعالیت‌هایی را باید به دیگر تعاونی‌ها توصیه کند، حرکت نمود، به عبارتی مهم‌تر او به این مسئله که یک تعاونی چگونه تعریف می‌شود، و چه جنبه‌هایی برای تعاون ضروری هستند، می‌پردازد. پاسخ‌های او می‌تواند جالب باشد. در کل، هالیوک به قوی‌ترین شکل ماهیت منافع در تعاونی‌ها تأکید می‌کند. او در ارائه دیدگاه خود نسبت به منفعت، به عنوان یک نکته ضروری که به‌وسیله برخی از معاصران او مطرح گردید، تنها نبود.<sup>۲</sup>

هرکجا که چند نفر از افراد به‌منظور فراهم ساختن منفعت گرد هم آیند و به‌واسطه آن تنها بخشی از آنها از فعالیت مذکور سود ببرند، آن تعاون محسوب نمی‌شود. تعاون جایی است که کل تولید تقسیم شده است. آنچه خواسته می‌شود و کل طبقه جامعه کارگر

---

1. (Bonner, 1961, p. 47)

۲. در هردو سؤال از هالیوک (۱۸۷۹، ص ۷۷): تا پایان ۱۸۹۶ اتحادیه بین‌الملل تعاونی، در اولین پذیرش اساسنامه‌های خود، این موقعیت را مورد بررسی دوباره قرار داد. هنگامی که آن به «مشارکت کارکنان در منافع، که ویژگی همه تعاون‌ها بوده است» اشاره نمود. لامبرت (۱۹۶۳، ص ۱۸۶) تاریخ‌های تسلط اتحادیه بین‌الملل تعاونی را به‌واسطه منافع مصرف‌کننده با اعلان اصول اساسی در کنگره ۱۹۱۰ هامبورگ شروع کرد، که به جای مدل کاری شرایط و دستمزدها به سود سهام تمرکز نمود.

در آن کار می‌کنند، باید در منافع کار نیز شراکت داشته باشند (جان استارت میل<sup>۱</sup>).  
 هر جامعه‌ای باید به یک تعاونی نسبت داده شود که منافع با کار، یا دادوستد، یا هر دو تقسیم شده باشد (کنگره تعاونی نیوکاسل - تاین، ۱۸۷۳<sup>۲</sup>).

در این جا دو نکتهٔ برجسته وجود دارد. قبل از همه، هالیوک و دیگران تعاونی را به‌طور ساده و بر مبنای این حقیقت که آنها منافع خود را تقسیم نموده‌اند، تعریف کردند (منافع به معنی درآمدهای مازاد بعد از کلیه مصارف دیگر، شامل سرمایه‌گذاری مجدد و آموزش و تعلیم، همان‌گونه که در بالا بحث شد، مد نظر است). دوم، آنها صرفاً بر حسب برگشتی‌های تشویقی<sup>۳</sup> صحبت نکردند، بلکه بیشتر به پخش منافع به همهٔ آنهايي که دستی در ایجاد آن داشته، پرداختند. از جمله هم خریدکنندگان (تقسیم بر اساس دادوستد) و هم کارکنان (تقسیم بر اساس کار) که دخیل در ایجاد سود بودند، مد نظر قرار می‌گیرند. هدف نهایی برای منافع، کار بود که باید به‌طور منصفانه پخش می‌شد. هالیوک و دیگران در دوران خود هیچ تقسیم‌بندی در بین تعاون مصرف‌کنندگان و تعاون کارگران ندیدند. هر دو گروه مصرف‌کنندگان و کارگران می‌توانند و باید بتوانند در منافع سهیم باشند.

در بحث هالیوک از تعاونی‌ها، قابل توجه است که برگشت به «اصول اصلی تعاون»، «اندیشه اصلی که هرگز نباید از ذهن یک تعاونگر دور بماند» و همچنین برای «تعریف اصول تعاونی» تقریباً مثل آن است که او با خواننده بازی می‌کند، زیرا چندین اندیشهٔ متفاوت گفته می‌شود که هر کدام مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آنها هستند. شاید آنچه هالیوک بیان می‌کرد موضوعاتی بود که او درباره آنها بحث می‌نمود (منافع، ماهیت

1. John Stuart Mill

2. Newcastle-on-Tyne Cooperative Congress, 1873

3. Patronage Refunds

سرمایه، نحوه پخش، و از این قبیل)، اگرچه مطلب پیچیده شد، لیکن در مجموعه‌ای درهم‌تنیده از ارتباطات با یکدیگر باقی ماندند، که آن را باید به عنوان مجموعه‌ای پیرامون نوع تجارت تعاونی که چه چیزی ضروری است، تعریف کرد. این امر در هر میزانی که باشد احساس یک فرد در هنگام خواندن پشت سرهم یک متن انتخابی است، مانند قطعه منتخب زیر:

هالیوک در بحث تعاون، تقریباً روی اصل برگشت ثابت بر روی سرمایه اهمیت بسیار زیادی قائل است. این نکته جالبی است، زیرا در میان اصول تعاونی مدرن، این امر یکی از مناسب‌ترین ابزارها در رهاسازی مردم از سرگردانی و بهت‌زدگی است، چرا چنین چیزی در این قسمت وجود دارد؟ در این جا به توضیح هالیوک توجه کنید:

تمامی تضادهای خطرناک و پایان‌ناپذیر بین سرمایه و کار از سرمایه نشأت می‌گیرند که با پرداخت دستمزد خود همراه نبوده اند. وقتی سود براساس ریسک خود و بر مبنای موافقت دریافت می‌گردد، در این صورت باید پایانی برای مطالبات خود باشد. پس از آن، کار سرمایه را باید به عنوان عاملی در نظر گرفت که می‌باید پرداخت گردد، اما هنگامی که دستمزدهای سرمایه را کسب نموده و به آنها پرداخت گردید، کار با سرمایه تمام می‌شود. سرمایه به خودی خود نه هیچ کاری می‌تواند انجام دهد و نه چیزی می‌تواند کسب کند؛ اما هنگامی که به وسیله کار، مغزها، و نیروی کار در صنعت به کار گرفته شود، آن را می‌توان مولد ساخت. سرمایه از خود هوش و مغزی ندارد و هیچ تلاشی نیز از خود نمی‌کند. هنگامی که سرمایه سود خود را داشت در حقیقت ادعاها پایان یافته است. اگر سرمایه به

این شکل درآید، هیچگونه تضادی با کار نخواهد داشت. آن مطالبهٔ سرمایه است، یا گرفتن منافع حاصل شده به واسطه کاری که موجب تضاد آن گردیده است، بدون آنکه هیچ گونه ادعایی برای آن شود. آن تنها تعاون است که با سرمایه به عنوان یکی از هزینه‌های طبیعی تولید رفتار می‌کند، هزینه‌هایی که با قیمت درست خود و نه بیشتر عنوان شده‌اند و بنابراین قدرت جذب خود را محدود می‌کنند و تضاد را به پایان می‌رسانند ....

#### نکات کلیدی تعاون (هالیوک، ۱۸۷۹)

- تعاون چارچوبی است از خریدکردن برای افراد کارگر، در جایی که هیچ امتیازی داده و یا دریافت نشده است، جایی که کالاهای یک‌دست، درست وزن‌شده و به قیمت‌های بازار فروخته شده‌اند و منافع برای خریداران اندوخته شده است.
- اصل اساسی تعاون آن است که در همهٔ شرکت‌های جدید، خواه فروش و خرید کالا باشد یا تولید آن، منافع می‌باید به‌طور مساوی به‌نسبت بین کلیه افراد دخیل در ایجاد آن تقسیم شود.
- تعاون در برگیرنده:
- تفاهم و توافق بر مبنای صداقت و درستی، با یک نگاه اقتصادی سودآور تنظیم شده است.
- تقسیم مساوی منافع در میان کلیه افراد دخیل در ایجاد آن، خواه به‌خاطر خریدها، خدمات پخش، یا به‌واسطه کارگری کردن، یا مشارکت در ساخت کالاهاست.
- حس مشترک آموزش داده شده در اصالت تبلیغ<sup>۱۱</sup> نهفته است.
- اندیشه اصلی که هرگز نباید از ذهن یک تعاون‌گر دور بماند برابری پرداخت‌هاست، به این معنی که خریدار در فروشگاه و کارگر در محل کار، ... باید دارای بهرمندی از سود در کاری که انجام می‌دهد، باشد.
- اصل صریح و روشن تعاونی ... آن است که مراکز مولد تعاون در همان جایگاهی قرار دارند که توزیع‌کننده قرار دارد. و این که سرمایه را صرفاً به‌عنوان یک عامل به‌کار می‌اندازد، و نه به‌عنوان یک کارفرما.... سرمایه، عامل خنثی و بی‌طرف است، و سود ثابتی پرداخت شده است و نه بیش از

آنچه که می‌بایست منظور گردد.

- ... سرمایه‌داران ... کارگر را استخدام کرده، هزینه بازار آن را پرداخت نموده، و تمام منافع را تصاحب کرده‌اند. پیشنهادهای تعاونی کار در جهت عکس این فرایند است. برنامه آن خرید سرمایه است، پرداخت قیمت آن به نرخ بازار است، و خود سرمایه‌دار است که همه منافع آن را می‌برد. این کار برای جامعه و ترقی افراد که خود صاحب سرمایه خود باشند، عادلانه‌تر و بهتر است تا این که سرمایه مالک آنان باشد. سرمایه خدمت‌گذار است، و افراد اربابان آن هستند ...
- سرمایه در تعاون به مصرف رسیده و صادقانه پرداخت شده است، لیکن سرمایه‌دار کنار گذاشته شده است ...، سرمایه‌دار کالاهای خود را به تعاون‌گر می‌فروشد، سرمایه‌دار در این چرخه شغل رسمی ندارد بلکه یک قرض‌دهنده است، ...

برای هالیوک، این مورد برای تعاونی‌ها یک هدف کلیدی محسوب می‌شود تا سرمایه را در جای خودش قرار دهد، پایان‌دادن به مطالبات سیری‌ناپذیرش، برای رد هرگونه احتکار یا درصد سود سهام از منافع آن، و بدین وسیله کمک به صلح میان کار و سرمایه را به‌بار می‌آورد.

هالیوک مشارکت مشخصی را برای مناظره پیرامون اندیشه‌ها یا اصولی که برای راجدیل و موفقیت آن بنیادی‌ترین محسوب می‌شد، ایجاد کرد. البته منحصر به فرد بودن راجدیل انجام برخی تعهدها را بر دوش آن گذاشته است که با ترکیب خاصی از قوانین آن پیگیری می‌شود، یا با آنهایی که انجام گرفته‌اند، اثربخش‌تر می‌گردد؛ اما همچنین، معنی راجدیل به رویکرد خود آن که همان، دیدگاه بلندمدت و تعیین ارزشهاست، متصل شده است. پیشگامان راجدیل با برانگیختن فلسفه آرمان‌گرایی، مردم را در درون مقوله موفقیت تجاری تعاونی بیان نموده‌اند. قوانین ویژه آنها در درون این میدان وسیع اندیشه‌ها قرار گرفته است و دیدگاه بزرگتر چیزی است که ثابت کرد دخل و تصرف در فهرست قوانین فشرده، مختصر و اصولی غیرممکن است. در هر صورت، تشکیلات اتحادیه بین‌المللی تعاونی در سال ۱۸۹۵

به بحث قوانین یا اصول راجدیل تحرکی جدید بخشید. تا جایی که تعاونی‌ها به ایجاد ساختارهای بین‌المللی تلاش کردند و بیشتر اوقات، آنها با این سؤال مواجه شدند که «چه چیزی یک تعاونی را به مفهوم واقعی آن می‌سازد؟»

### ساختار اصول راجدیل (دوره دوم): سالهای ۱۹۱۰ - ۱۸۹۰

تعاون‌گران بریتانیایی در کنگره بین‌المللی لندن در سال ۱۸۹۵ به‌طور روزافزونی نسبت به دیگران زیاد شده بودند. در آن کنگره تصمیم گرفته شد یک سازمان بین‌المللی برای تعاونی‌ها تشکیل گردد. در آنجا نمایندگان از کشورهای بلژیک، دانمارک، فرانسه، هلند، مجارستان، ایتالیا، صربستان، روسیه و ایالات متحده آمریکا حضور داشتند. تعریف کاربردی اولیه از تعاونی بسیار وسیع بود و شامل نمایندگانی مثل سندیکای کشاورزی فرانسه می‌شد. در اولین کنگره، عمده وقت صرف آشنایی با دیگر شاخه‌ها، بخش‌ها و نمایندگان جنبش‌های ملی گردید.<sup>۱</sup> کنگره در موقع قطعنامه پایانی خود و فهرست نمودن هدف اتحاد جدید، کمیته منتخب سازمان‌دهنده پیشنهاد کرد تا اتحادیه بین‌المللی تعاونی (ICA)<sup>۲</sup> «تعاون را در همه اشکال خود ارتقاء بخشد و آن را براساس اصول مالکیت خودش، آزادی و مشارکت در منافع به‌کار گیرد»<sup>۳</sup>. این امر منجر به پیچیدگی و مناظرات احساسی مهیج، در کلیه اصلاحات پیشنهادشده گردید و ابزاری شد که بر مبنای آن بررسی‌های گسترده و خودسرانه مختلفی صورت گیرد. از همان بدو شروع، بحث اصول تعاونی یک منبع جنجال‌برانگیز بود! در پایان، قطعنامه به توصیف هدف ICA همان‌گونه که بود، پرداخت و «ارتقاء

1. Watkins (1970), p. 31

2. International Cooperative Alliance

3. Watkins (1970), p. 37



بخشیدن به تعاون و سود سهام در کلیه اشکال خود<sup>۱</sup> به‌عنوان هدف نهایی آن مطرح شد. بنا به پیشنهاد، اصول مالکیت و آزادی حذف گردیدند، سود سهام تنها به‌عنوان «اصل تعاونی» در مقدمه نام برده شد و به‌عنوان برابر بودن برای خود تعاون ذکر گردید! فداکاری در سود سهام بازتاب این حقیقت بود که تعاون‌گران قدیمی از جمله خود هالیوک در کنگره‌های اولیه شرکت داشتند.

هم در کنگره سال ۱۸۹۵ لندن و هم در کنگره سال بعد از آن در پاریس تأیید شد که ICA خود را علاقه‌مند به سیاست یا مذهب نمی‌داند؛ کنگره پاریس قوانینی را پذیرفت که شامل بیانیه، «تعاون یک عنوان بی‌طرف است که در آن افراد نظریات مختلفی را دارا هستند ... و ممکن است این نظرات به هم برسند و به‌طور مشترک عمل کنند... تعاون خودکفاست و نباید به‌عنوان وسیله‌ای در خدمت هیچ حزبی درآید.<sup>۲</sup> کنگره پاریس همچنین مبارزه تجدیدشونده‌ای را در مقابل این سؤال که اندیشه‌های بنیادین سود سهام و شرکت کارگران در تعاونی‌ها چگونه بودند و آیا تعاونی‌هایی که به آنها عمل نکرده بودند باید از ICA حذف می‌شدند، مشاهده نمود. تصادفاً، کنگره سال ۱۸۹۶ نیز کنگره‌ای بود که در آن مفهوم پرچم چندرنگ به‌عنوان نشانه‌ای برای نهضت تعاونی پذیرفته شد.<sup>۳</sup>

سال‌های پس از آن، حمایت‌ها از سود سهام و شراکت، زمینه را برای تعاون‌گران مصرف‌کننده از دست داد، تا در سال ۱۹۱۰ توسط کنگره هامبورگ قوانین ICA با حذف منشأ این‌گونه اندیشه‌ها اصلاح گردید؛ لویح سال ۱۹۱۰ آن را به‌عنوان یکی از اهداف ICA بیان نمود که اصول تعاونی را به‌تدریج تعریف می‌کرد و چیزی در مورد

---

1. Watkins (1970), p. 39

2. Watkins (1970), p. 49

3. Watkins (1970), p. 53

این که اصول چه باید باشند، اظهار نشد.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۰، یک بیانیه طولانی نسبت به هدف همکاری، از مرحله تصویب گذشت و راجع به آن قدری بیشتر صحبت شد. آن بیانیه، همکاری را به عنوان یک حرکت اجتماعی عنوان کرد که از طریق کمک دوجانبه اقتصادی، هدف در استحکام بخشیدن برگشت به کار و کاهش نقش منافع بر روی سرمایه، سود، و اجاره را در برداشت. شک و تردیدهایی تحت عنوان توانایی تعاونی‌های تولیدکنندگان بیان شده بود— خواه کارگران باشند یا کشاورزان— تا منافع اجتماع را فراتر از منافع خاص خود قرار دهند؛ و بدین صورت کنگره هامبورگ به نفع تعاونی‌های مصرف‌کننده به عنوان کسانی که به نظر می‌رسید نظام سرمایه‌داری را بیشتر تغییر شکل دهند، عمل کرد. بیانیه همچنین جوامع مصرف‌کننده را تشویق به متحد شدن و کار با یکدیگر برای تأسیس یک مدل نمونه از استخدام به واسطه چانه‌زنی با متحد کردن کارفرمایان و حرکت به سمت یک درک و فهم بین‌المللی<sup>۲</sup> نمود. اگرچه، این بیانیه به صورت رسمی، به عنوان یکی از اصول بیان شده آن پذیرفته نشد، اما می‌توان آن را سر فصل جدیدی در این جهت دانست. هدف اجتماعی تعاون (همکاری)، محدود نمودن سود برگشتی به سرمایه و همکاری در میان تعاونی‌ها و در بین اندیشه‌های دیگر بیان می‌شد، و آن یک پیروزی برای هواخواهان همکاری مصرف‌کننده نسبت به همه اشکال دیگر محسوب می‌شد. نیازی به گفتن این مطلب نیست، که تنها شروع شدن مناظره‌های ICA در قرن بیستم میلادی بود که نظریه‌پردازان اصول تعاونی را وادار به بازنگری مجدد نمود. برخی از نظریه‌ها حذف شدند و روی نظریه‌های جدید تأکید گردید، توضیحات بیشتر اضافه شد، و سؤال ارزش‌ها و اندیشه‌های حامی اصول را صیقل بیشتری دادند؛ همه

---

1. Watkins (1970), p. 86

2. Watkins (1970). pp. 84-85

این تلاش‌ها برای شفاف‌سازی هرچه دقیق‌تر این امر بود که «اصول راجدیل» واقعاً چه معنی می‌دهند. همه این تلاش‌ها بیان‌کننده این حقیقت بی‌چون و چراست که راجدیل یک فهرست عینی از اصول نیست، بلکه مجموعه‌ای درهم آمیخته از سنت است که هرگز کامل نمی‌شود ولی توسط هر نسلی از تعاون‌گران دوباره کشف یا مورد بازسازی قرار می‌گیرد.

### ساختار اصول راجدیل (دوره سوم): سالهای ۱۹۳۰

طی سال‌ها، بر روی چهار نظریه کلیدی خاص روش راجدیل قدری توافق‌ها صورت گرفت: اندیشه اداره کردن دموکراتیک جامعه (مردان و زنان هرکدام یک رأی)، مازاد سود برگشتی<sup>۱</sup> یا سود سهام<sup>۲</sup>، باز بودن درها (عضویت آزاد)، و درنهایت، اینکه سرمایه در تعاونی‌ها تنها با سود محدود شده پاداش داده می‌شود، (نه در سطح بالا یا میزان سود برگشتی مورد انتظار) بیان گردید. اما همان‌گونه که این اندیشه‌ها اغلب تا بیشتر اوقات مطرح شده بودند، کتاب درسی کلاسیک در سال ۱۹۳۷ به وسیله هال و واتکینز<sup>۳</sup> تنها سه مورد از آنها را مورد توجه خود قرار داد. از جمله عضویت آزاد، و چند مورد دیگر حذف گردیدند، البته، سود سهام، نیز حذف شد. اگرچه ادامه تهیه چنین فهرست‌هایی از «قوانین و روش‌ها» تا حدی منصفانه بودند، اما هیچ‌کدام از نکات آغازین و بدیع راجدیل را شامل نمی‌شد و این که آیا اینها بیشتر قوانین دقیق، شیوه‌ها و آنچه که واقعاً مورد نظر تعاونی‌هاست، بودند؟ را بیان نمی‌کرد. چنین سؤال‌هایی فوریت تجدیدنظر در دهه ۱۹۳۰ را بیش از پیش برانگیخت.

---

1. Patronage refund

2. Dividend

3. Hall and Watkins

قوانین و روشهای راجدیل (هال و واتکینز، ۱۹۳۷)<sup>۱۲</sup>

۱. فروش کالاها باید با قیمت‌های متداول محلی صورت پذیرد.
۲. محدودیت برای میزان ثابت سود بر مبنای سرمایه است و این سود اولین تقاضا را بر روی منافع دارد.
۳. پخش منافع (بعد از کسر هزینه‌ها و سود پرداختی‌ها) می‌بایست به نسبت خریدها صورت پذیرد.
۴. بدون اعتبار، کلیه خریدها و فروشها باید به‌طور نقدی باشد و در هنگام تحویل کالاها پرداخت گردد.
۵. هم زنان و هم مردان باید هر دو دارای حقوق مساوی برای عضویت باشند.
۶. هر عضو دارای یک رأی و نه بیشتر است.
۷. جلسات باید به‌طور منظم و پشت سرهم برای بحث کسب‌وکار جامعه و دریافت اظهار نظرها برای بهبود رفاه جامعه برگزار شود.
۸. حسابها باید به‌طور صحیح نگاهداری شده و ممیزی<sup>۱۳</sup> گردد؛ و ترازنامه‌ها<sup>۱۴</sup> به‌طور منظم در اختیار اعضاء قرار گیرد.

ویلیام واتکینز، یک تعاون‌گر با سابقه انگلیسی بود. وی کسی بود که به‌عنوان ریاست اتحادیه بین‌المللی تعاونی از ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۳ خدمت کرد. او استدلال می‌کند که تلاش برای تدوین یک فهرست رسمی از اصول تعاونی در دههٔ ۱۹۳۰ نشأت گرفته از چندین نیرو است. تعاونی‌ها همیشه با فشارهایی برای سست‌شدن<sup>۱</sup> از اصول حرکت مواجه بوده‌اند. بخشی از این قبیل حرکات از فشارهای رقابتی ناشی می‌شود، همان‌گونه که واتکینز اشاره نمود «سوسه برای قربانی کردن ملاحظات یک اصل در نیاز به توجیه برای مواجه‌شدن با روش‌های تهاجمی رقیبان با برگرداندن اسلحهٔ خودشان به سمت خودشان»<sup>۲</sup> بود. بر مبنای گفتهٔ واتکینز، همهٔ این موارد ظاهراً هنگامی پیش می‌آید که مدیران تعاونی‌ها در سنت‌های نهضت، در چگونگی کار تعاونی‌ها و چگونگی جنبه‌های متمایز آنها که در دستیابی به مزیت‌های رقابتی می‌توان استفاده کرد، خوب کارکشته نبودند. تمایل و گرایش تعاونی‌ها

1. Water down

2. Watkins (1986), p. 4

در رفتن به سمت جریان اصلی سرمایه‌داری خود دلیلی بر این ادعاست. پس از آن، به مرور زمان و تأکید مجدد بر اصول تعاونی هرنسل یا هر دو نسل به آن می‌پردازد. برای بیش از صد سال، این خواست برای پیدا کردن اصول درست یا واقعی تحت عنوان جستجو برای «اصول راجدیل» مطرح بوده است. چالشی کاملاً متفاوت برای ماهیت و هویت پیدایش و صعود تعاونی‌ها (به گفته واتکینز) از نیروهای سیاسی است؛ تعاونی‌ها ممکن است ابزاری اغواکننده برای احزاب سیاسی ملی‌گرایان، یا جنبش‌های مذهبی باشد، کسانی که امید در به تبعیت کشیدن و متملق ساختن آنها برای اهداف خود هستند، تا این که به تعاونی‌ها فرصت پیگیری اهداف مجزای خود را بدهند. بعد از انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷، افزایش فشار برای معامله با تقاضاهای تعاونی‌ها در کشورهای کمونیستی به وجود آمد. آیا این تعاونی‌ها اصول راجدیل را دنبال می‌کردند؟ و اصول راجدیل چه بودند؟ هیأت‌های نمایندگی از اتحاد جماهیر شوروی شروع به پرسش نمودند که آیا اندیشه‌هایی مثل برابری سهام یا حمایت از برگشت سود واقعاً سرمایه‌داری نبودند تا اصول تعاونی؟ سؤال مشخص بود، چون تعاونی‌های روسیه، تا آن لحظه ۴۳ درصد از درآمد اتحادیه بین‌المللی تعاونی (ICA)<sup>۱</sup> را بر مبنای حق عضویت خود، پرداخت می‌کردند.<sup>۲</sup> هنری جی می<sup>۳</sup> در دهه ۱۹۲۰، مدیرکل ICA بود و توجه افراد را به پرسش تعریف اصول تعاونی جلب کرد. این امر انگیزه خاصی بود که منجر به هدایت کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاونی ICA<sup>۴</sup> وین گردید که

---

1. International Cooperative Allaince

۲. سقوط چشمگیر سهام در سال ۱۹۳۵ درست هنگامی بود که سردمداران اتحاد جماهیر شوروی تعاونی‌های مصرف‌کننده را در ۵۸۰ شهر و شهرک درهم ادغام نمودند (Watkins, 1970, pp. 170-171).

3. Henry J. May

4. Vienna

در سال ۱۹۳۰ شروع به بازنگری کاربرد اصول آن نمود.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۳۴، یک کمیته ویژه برای کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاونی (ICA) ایجاد شد و در نهایت گزارش خود را به کنگره ۱۹۳۷ پاریس ارائه کرد. قضاوت در مورد این که اصول راجدیل چگونه می‌تواند اجرا شود و آیا می‌توان برخی به اصطلاح تعاونی‌ها را از نهضت محروم ساخت، سبب شد که کمیته در پی جستجو و شناسایی حقیقت اصول راجدیل باشد. آنها با فهرستی شامل هفت جنبه برجسته نظام راجدیل به نتیجه رسیدند که تصور می‌رفت وجودشان در اصول لازم باشند، بنابراین، باید به آنها به‌عنوان اصول اشاره نمود:

#### اصول راجدیل (۱۹۳۷، ICA)<sup>۱۵</sup>

۱. اختیاری بودن عضویت؛
۲. کنترل دموکراتیک؛
۳. پخش مازاد به اعضاء به نسبت انجام معاملات آنان؛
۴. سود محدود بر روی سرمایه؛
۵. بی‌طرفی سیاسی و مذهبی؛
۶. دادوستد نقدی؛
۷. ارتقاء آموزش و تعلیم اعضاء.

همه این هفت مورد به‌طور مساوی مورد توجه کمیته قرار نگرفت. چهار مورد اول به‌عنوان اصول لازم الاجرا و صفت مشخصه هر تشکیلات تعاونی ابقاء شدند. همان‌گونه که برای دهها سال وجود داشته و تا به امروز (۱۹۹۴) هم به‌عنوان الزامات انجمن‌هایی که دوست دارند وابسته به ICA باشند، اعمال شده‌اند. سه مورد آخر، در هر صورت در سال ۱۹۳۷، به‌عنوان بخشی از نظام تعاونی دیده می‌شدند، اما نه به‌عنوان جنبه‌های لازم برای پذیرش در ICA. این موارد ثانوی، «اگرچه بدون شک بخشی از نظام راجدیل هستند، اما شاید بتوان به‌عنوان روش‌های عملی و تشکیلاتی لازم به آنها نگاه کرد،

1. Watkins (1986), pp. 3-5

تا استانداردهایی که بدون نظارت آنها صفت مشخصه تعاونی منجر به نابودی خواهد شد.<sup>۱</sup> در تلاش برای تشخیص بین «استانداردها» که تخلف کدامیک موجب از بین رفتن خصیصه تعاونی خواهد شد و «روش‌های عملی و تشکیلاتی لازم»، کمیته معتقد بود که برخی اصول به نحو بارزتری بیشتر بنیادی هستند و کمتر فنی نسبت به دیگر اصول. با این وجود، همان‌گونه که واتکینز ذکر نمود، چهار مورد اول باید به همان اندازه سه مورد آخری «روش‌ها»، به‌عنوان اصول قلمداد می‌شدند. به‌گفته واتکینز، به احتمال زیاد و به‌طور صحیح «تمامی هفت مورد» باید به‌عنوان قوانین عملی اطلاق شوند که اگر صادقانه و به‌طور کارا انجام گیرد، مطمئناً جامعه را با آن ویژگی تعاونی محافظت خواهد کرد و اگر موفقیتی از شغل خود به‌دست نیاورد، حداقل از وقوع برخی شکست‌های احتمالی جلوگیری خواهد کرد.<sup>۲</sup>

علاوه بر هفت اصل، کمیته تأیید کرد که دو اصل دیگر وجود دارد که در ذات نظام راچدیل بوده‌اند. هرچند، آشکارا در هیچ یک از قوانین یا تصمیم‌های پیشگامان راچدیل شکل نگرفت. این دو اصل عبارتند از دادوستد اختصاصی با اعضاء، و عضویت داوطلبانه. هر دوی این اندیشه‌ها در کشورهای مختلف منشأ مجادله بین تعاونی‌ها و دولت‌ها بوده‌اند. براساس گزارش کمیته ۱۹۳۴، این موارد می‌تواند به‌عنوان اصول غیرالزام‌آور اصول تعاون نیز بررسی شود. کمیته همچنین دیگر تمریناتی مثل فروش با قیمت فعلی یا بازار را به بحث می‌گذارد، تخصیص سرمایه‌های خالص به حساب‌های فردی، و ذخایر غیر قابل تقسیم، و واگذاری جمعی سرمایه‌ها، همه اینها می‌تواند به‌عنوان مکمل تعاون بررسی شوند.<sup>۳</sup> کمیته در گزارش پایانی خود پذیرفت که کلیه این

۱. کمیته از طرف (Watkins, 1986, p. 6). نقل قول نموده است.

2. Watkins (1986), p. 7

۳. در صفحات بعدی واتکینز خلاصه جالبی از سخنرانی‌ها را فراهم نموده که توسط نمایندگان کشورهای مختلف در واکنش به گزارش کمیته موقت استفاده شد (Watkins,).

عملیات تشکیل‌دهنده بخشی از یک نظام تعاونی هستند، اما از گفتن این که آنها معیارهایی بودند که هر تعاونی خاص می‌باید اصلی بودن و یا نبودن آن را بررسی کند، خودداری نمودند.<sup>۱</sup> در شکل‌دهی قضاوت سلیم خود نسبت به اصول، انتخاب‌هایش از این که چه چیزی باید کنار گذاشته شود و تقسیم‌بندی اصول آن به دو گروه، از قرار معلوم کمیته بیشترین زحمت و کار سیاسی را به‌عهده داشت. گزارش کمیته تنها با دو رأی مخالف پذیرفته شد و حتی نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی از آن حمایت کردند.<sup>۲</sup>

چند نکته پیرامون فهرست نظرهای ویژه<sup>۱۹۳۷</sup>؛ نخست، حمایت از سود سهام با کارکنان تعاونی‌ها، به‌طور شگفت‌آوری در این دوره هالیوک مجدداً از فهرست غایب بود. هیچ اشاره‌ای در استفاده از منافع نبود تا بگوید که اعضاء باید سهمی بر مبنای معاملات انجام‌داده‌خود دریافت کنند. این امر تنها محرومیت از سود سهام نبود؛ بلکه همچنین تناسب ضعیفی برای هر نوع تعاونی به‌شمار می‌رفت، مگر آنکه برای یک تعاونی مصرف منظور شده باشد. در مناظره، کمیته این مطلب را روشن‌ن ساخت، و گرچه برجسته کردن یک اصلی که ملزم‌کننده هر چیزی بیش از هزینه‌ها توزیع می‌شود، مورد توجه واقع نشد؛ «مازاد» تنها شامل آن چیزی بود که پس از کسر برای آموزش و تعلیم، مقاصد اجتماعی و تخصیص برای ذخایر، باقی می‌ماند.<sup>۳</sup> اگر محرومیت از سود سهام ادامه می‌یافت، بازتابی از عدول از دیدگاه‌های اولیه پیشگامان راجدیل بود. با این وجود اضافه نمودن آموزش به‌عنوان هفتمین اصل از اصول راجدیل چیزی بود که آنها ظاهراً تمایل به تأیید آن را داشتند.

1. Watkins (1970), p. 204

2. Watkins (1970), p. 205

3. Watkins (1970), p. 205



جالب‌تر از آن اینکه هنوز، عبارت «بی‌طرف بودن در سیاست و مذهب» برای اولین مرتبه در هر فهرست رسمی اصول راجدیل ظاهر می‌شد. اتحادیه بین‌الملل تعاونی (ICA) هدف خود را جزءبندی کرده بود، «نه صرفاً برای مطرح کردن خود» با سیاست یا مذهب، بلکه برای اعلان جهانی تعاون به عنوان «بی‌طرفی کامل آن». هرچند این امر به عنوان یک قانون برای خود ICA نگاه داشته شد، اما نه برای کلیه تعاونی‌ها در هر کجا که بودند. در اساسنامه‌های اولیه پیشگامان، حتی در گزارش سالانه ۱۸۶۰؛ به بی‌طرف بودن آن اشاره‌ای نشد، و به عنوان بخش اصلی از اصول تعاونی در کارهای هالیوک و دیگر نویسندگان برجسته نیز ارائه نگردید. اندیشه و تفکر خودداری ورود به سیاست و مذهب جنجالی به پا کرد، که گرچه، دارای ریشه‌های تاریخی در جنبش تعاونی است ولی بسیار چالش برانگیز بود.

خیلی پیش از راجدیل، در کنگره ۱۸۳۲ تعاونی، جنبش اون تلاش کرد تا بر استیلای شخصی اونیت‌ها یاری رساند و خود را از دیدگاه‌های جنجال برانگیز، کنار کشد. از طرف دیگر، «اون» از طرف مذهب‌یون زمان خود به عنوان یک فرد ملحد، منکر خدا و سوسیالیست خطرناک قلمداد می‌شد و این امر سبب شد تا کوشش طرفداران «اون» در اجرای برنامه‌هایشان با مشکل مواجه شود. اما دیدگاه‌های سیاسی اون نیز به قدر کافی برای پیروان او قابل پیشرفت نبود. برای مثال، اون پیشنهادی «خطاب به دولت‌های اروپا و آمریکا» نمود، او آنها را دعوت به تأسیس حکامی (رژیم‌هایی) برای به عهده گرفتن اصلاح اجتماعی کرد. نمایندگان به کنگره اعتراض کردند که هیچ‌گونه جذباتی در استفاده از دولت‌ها برای آنان وجود ندارد و تنها مردم خودشان می‌توانند تغییرات را ایجاد کنند. نمایندگان همچنین اعتقاد راسخ داشتند که در دموکراسی و مخالفت با اعتقاد اون است که فرد می‌تواند هر شکلی از دولت را برای خود انتخاب کند و اساس آن مهم نیست که

چه چیزی باشد. از این گذشته، نمایندگان همچنین به خواست «اون» در اشغال کامل قدرت نهضت در دستان خود اعتراض داشتند. تحت آن شرایط، به نظر می‌رسید بهترین شیوه برای محدود کردن نفوذ «اون» این بود که نهضت را تا حدودی از شخص او جدا سازد. نمایندگان به نفع دموکراسی داخلی در تعاونی‌ها رأی دادند. آنها همچنین لایحه معروف در مورد مذهب و سیاست را از تصویب گذراندند.

چون جهان تعاونی شامل افراد از هر مذهب و هر حزب سیاسی است، مقرر شده است که تعاون‌گران به‌طور اخص، مشترکاً و به‌صورت جدا از هم، به‌هیچ‌وجه در تعهد هیچ یک از اصول مسلم سیاسی، مذهبی یا بی‌دینی قرار نگیرند؛ نه‌آنهایی که متعلق به آقای اون است، و نه هیچ فرد دیگری.<sup>۱</sup>

این مورد به اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفت که آن را بخشی از شعار نشریات کنگره ساخت. توجه اصلی آن بود که شفاف و روشن سازد که نهضت مترادف با یک شخص نیست. فراتر از آن، باید بیان می‌شد که تعاونی‌ها از مباحثی که منجر به جداسازی عضویت‌شان می‌شد، حمایت نمی‌کنند.

پیشگامان راجدیل اندیشه‌ای مثل بی‌طرفی را پیش از جلسه و در یک زمان مناسب و به شیوه‌ای معقول در هنگام گذراندن طرح پیشنهادی خود در سال ۱۸۵۰ مبنی بر هر عضو دارای «آزادی کامل در بیان احساسات و اعتقادات خود روی کلیه موضوعات» است، پیش کشیدند.<sup>۲</sup> به بیانی دیگر، تعاونی‌ها نباید شرایطی را اعمال کنند که از آزادی مناظره در میان اعضای خود ممانعت کنند. سپس در گزارش سالانه خود در سال ۱۸۶۰ (قبلاً اشاره شد) پیشگامان اظهار داشتند نهضت تعاونی «سعی نخواهد کرد در کار مذاهب مختلف

1. Bonner (1961), p. 30

2. Lambert (1963), p. 86

یا سیاست‌های متفاوت موجود در زمان خود در جامعه دخالت کند». با وجود این، از کلمه «بی‌طرفی» استفاده نشده بود و به نظر نمی‌رسید راچدیل چه چیزی در ذهن خود دارد. تعاونی‌های بریتانیایی همیشه طرفدار دموکراسی و حامی جنبش طبقه کارگر بودند، نگرشی که منعکس‌کننده عضویت آنان بود. آنها در قرن نوزدهم، تجربه‌ای در مبارزات انتخاباتی یا حمایت از نامزدهای خاصی را انجام نداده بودند. اما این امر نیز کاملاً بعید به نظر می‌رسد که راچدیل در میانه اوج موفقیت یا شکست خود به محافظه‌کاران، تجارت با اعضای اتحادیه‌ها، کار، و سیاست مداران اصلاح‌گرا، روی خوش نشان داده باشد. راچدیل «بی‌طرف» نبود، و همین‌طور هم در مجموع تعاونی‌ها در بریتانیا بی‌طرف نبودند. استقلال؛ متعهد بودن به بحث آزاد؛ احترام به مباحثی که عضویت آنها را از هم جدا می‌ساخت؛ نه از نظر سازمانی که در یک شکل رسمی متعهد شده، با وجود این هنوز هم به‌طور دقیق بی‌طرف نیست.

در هر صورت، در سال ۱۹۳۷، پس از گذشت بیش از یک قرن از عزم و تصمیم‌کنگره، بالاخره ICA، تصمیم گرفت که «بی‌طرفی» یک اصل تعاونی باشد. نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی به اصل بی‌طرفی شدیداً اعتراض کردند؛ حقیقت امر آن بود تا به کشمکش‌های سیاسی دهه ۱۹۳۰ ارتباط داده شود. از سوی دیگر، بی‌طرف بودن شرط الزام‌آور برای عضویت در ICA نشده بود. پیش‌کشیدن اندیشه «بی‌طرف بودن» بازگوکننده رشد دردهای ICA، در تلاشی برای فراهم نمودن تنوع بیشتر در عضویت بود که با چشم‌اندازهای بنیادین آن در تناقض بود. هر فرد می‌توانست تعهد به بی‌طرفی را به معنای بی‌طرف بودن خود ICA تفسیر کند. این امر در هر مقیاس توسط پائول لامبرت تفسیر و در دهه ۱۹۵۰، به این اصل الحاق شد.<sup>۱</sup>

در بسیاری از زمان‌ها و مکان‌ها، حتی در بریتانیا و در میان جانشینان راجدیل تعاون تا میزان بالایی متعهد و سازگار با سیاست بود. تعاونی‌های مصرف بریتانیا نخستین جایگاه انتخاباتی خود را در سال ۱۹۱۷ پذیرفتند و در سال ۱۹۱۸ اولین نامزد حزبی تعاونی خود را برای پارلمان به‌طور شگفت‌آوری به اجرا درآوردند. این فرد اچ. جی. می<sup>۱</sup> بود که پس از آن به ریاست ICA انتخاب شد. در سال ۱۹۲۰ بیش از ۵۰۰ تعاونی عضو شد و حق عضویت خود را به حزب تعاونی بریتانیا پرداخت نمود؛ ۱۸۹ تعاونی به‌هم پیوسته و انجمن‌های هیأت مدیره یک حوزه را تشکیل دادند.<sup>۲</sup> در پرتو حقایقی نظیر این موارد به نظر می‌رسید «بی‌طرف بودن» تأیید شده و در سال ۱۹۳۷ برای اجرای آن دارای مشکلاتی باشد. با یک تنظیم می‌توان آن را این‌طور بیان کرد: تعاونی‌ها باید مستقل باقی بمانند و ابزاری برای سیاست‌ها، مذاهب یا جنبش‌های اجتماعی نشوند. با وجود این به نظر می‌رسد در سنت راجدیل، تعاونی‌ها از موضع‌گیری‌های سیاسی و حتی حزبی برخوردار بودند که اگر این موارد با ابزار دموکراتیک و برمبنای بحث آزاد وارد شوند، می‌توان از نفوذ آن کمی جلوگیری کرد.

در ساختن اصول تعاونی، باید در هر دوره تفسیر مجددی از راجدیل در پرتو نیازها و چالش‌های موجود صورت گیرد. به این دلیل، نیازهای نهضت تعاونی به‌صورت دوره‌ای به عقب بر می‌گردد و اسطوره‌های راجدیل در مقابل واقعیت‌های راجدیل بررسی می‌شوند.

## پائول لامبرت و اصول راجدیل

پائول لامبرت، استاد دانشگاه لیوگی<sup>۳</sup> بلژیک در سال ۱۹۵۹، یکی از روشن‌ترین و برانگیزنده‌ترین بحث‌های اصول راجدیل را با کتاب

1. H.J. May

۲. (Bonner, 1961, p. 143). پس از آن حزب تعاونی در حزب کارگر ادغام گردید

3. Liege

خود، تحت عنوان «دکترین تعاونی» (در سال ۱۹۶۳ در انگلستان به نام «مطالعات در خصوص فلسفه اجتماعی تعاون») به چاپ رساند. لامبرت تفکر قبل و کنونی راجدیل و تعاونی را تجزیه و تحلیل کرد و بر مبنای این مرور سازماندهی شده، تفسیر خود از اصول راجدیل را ارائه نمود. لامبرت مبحث خود را با اصول هفتگانه معمول سال ۱۹۳۷ شروع کرد. او اصل یکدست و خالص بودن کیفیت تولیدات را به آنها ضمیمه نمود تا آنها را به هشت اصل برساند. او سپس فروش به قیمت‌های بازار و عضویت داوطلبانه را به عنوان اصول الحاقی مطرح نمود. این اصول از این که باید به عنوان بخشی از سنت راجدیل باشند به طور وسیعی درک شده بودند.<sup>۱</sup> بنابراین، لامبرت تشخیص داد «باز» یا غیر محدود بودن و «داوطلبانه» یا غیر اجباری بودن عضویت به عنوان دو اندیشه (ایده) جداگانه عنوان گردد.<sup>۲</sup>

در هر صورت، از همه جالب‌تر، سه اصل جدید، متعلق به لامبرت بودند. او آن‌ها را روی دو مورد اساسنامه‌های اولیه خود پیشگامان راجدیل قرار داد و مورد دیگری را روی فلسفه کلی پیشگامان و رویکرد آن منطبق کرد. این اصول از این قرار بودند: پخش دارایی‌ها در میان اعضا بدون منفعت در صورت انحلال؛ بهبود و ارتقاء عواید اعضا تنها تا جایی که با منافع اجتماع منطبق باشد؛ و تعهد به اصلاح جامعه و اقتصاد در داخل نظام تعاونی.

#### اصول راجدیل (لامبرت، ۱۹۵۹)

۱. کنترل دموکراتیک؛
۲. قوانین اداره کردن انباشت و پخش مازاد و طرز عمل با سرمایه‌های خالص:
  - پخش مازاد در میان اعضا به نسبت خریدهایشان؛
  - پرداخت سود محدود بر روی سرمایه؛
  - فروش به قیمت‌های بازار؛

1. Understood

2. Lambert (19630, PP. 63-66)

- پراکنده نمودن سرمایه‌های خالص بدون منفعت به اعضاء در صورت انحلال آن جامعه؛
- روح و جوهره خدمت (افزایش سود اعضاء تنها تا جایی که بعداً سازگار با منافع کلی جامعه باشند)؛
- ۳. آزادی برای اعضاء جدید در پیوستن به تعاونی (اصل باز بودن درها)؛
- ۴. داوطلبانه بودن عضویت؛
- ۵. خرید و فروش نقدی؛
- ۶. بی‌طرف بودن سیاسی و مذهبی؛
- ۷. آموزش اعضاء؛
- ۸. اراده و عزم برای به‌عهده گرفتن نظام اقتصادی و اجتماعی جهان و سازماندهی مجدد آن بر روی محورهای تعاونی (برای مثال دستیابی به یک «تعاونی مشترک المنافع جهانی»<sup>۱۶</sup>).

در هر صورت، اولین و برترین اصل در میان اصول راجدیل (در ذهن لامبرت)، اندیشهٔ دموکراسی بود. لامبرت به‌طور متقاعدکننده‌ای بحث کرد که دموکراسی یک اصل بنیادین تعاون بوده است: شاید جهانشمول، منحصربه‌فرد و قابل کاربرد، يك اصل در کلیه بخش‌های تعاون بدون نیاز به انجام اصلاح در تناسب با شرایط خاص است؛ و نبود اصلی که با صراحت کامل تعاونی‌ها را از تجارت‌های سرمایه‌داری تفکیک می‌کند. اما لامبرت نیز، مانند بسیاری از افراد دیگر پیش از خود مشاهده کرد که شیوه دموکراتیک به‌تنهایی با دوام نخواهد بود. چه کسی دموکراسی را در یک تعاونی تجربه می‌کند؟ و برای چه هدفی به‌دنبال آن است؟ دموکراسی در یک تعاونی یک دموکراسی عضو-محور است، همچنین چه کسانی استفاده‌کنندگان خدمات تعاونی هستند؟ این هویت بین اعضاء و استفاده‌کنندگان تعاونی يك مفهوم بنیادین است که ریشه عمیق در تئوری تعاونی قرن بیستم فرانسه و آلمان دارد. پیشگامان راجدیل هویت و برابری اعضاء و استفاده‌کنندگان را به‌عنوان یک اصل مشخص نکرده بودند (درست همان‌گونه که در ابتدا آنها دموکراسی مشخصی را انجام نداده بودند)، اما از تاریخ روشن

است که در حقیقت کلیه اعضا، استفاده کنندگان هم بودند.<sup>۱</sup> سود نیز شیوه‌ای بود که لامبرت در دومین نقطه نظر خود در شماری از اصول که معمولاً آنها را از هم جدا می‌کردند، گنجانید. این موارد شامل حمایت از بازپرداخت‌ها، بازپرداخت محدود شده بر روی سرمایه، فروش در قیمت‌های بازار، پخش سرمایه‌ها و خدمات اجتماعی بودند. کار وی بسیار برجسته است، زیرا اصول متفاوتی که او باهم دسته‌بندی نمود از نظر کارکردی به همدیگر مربوط می‌شدند و به یکدیگر کمک می‌کردند تا ماهیت منفعت و سرمایه در تعاونی‌ها را تعریف نمایند.

پرداخت برگشتی‌های تشویقی، شناخته‌شده‌ترین اندیشه‌های راجدیل‌اند که نشان‌دهنده توجه نسبت به منافع و سرمایه است. البته، تعاونی‌ها در بسیاری از زمان‌ها و مکان‌ها به عنوان پرداخت‌های تشویقی مورد توجه بخش مهمی از تعاون راجدیل می‌باشند. لامبرت برای این گونه ساده‌سازی‌ها پادزهری فراهم ساخت. او عنوان نمود پرداخت برگشتی‌های تشویقی چوب‌خط اندازه‌گیری برای جنبش تعاونی نیست؛ آن تجربه‌ای است که می‌باید از مکانی به مکان دیگر و از نوعی به نوع دیگر تعاونی مورد بررسی و دستکاری قرار گیرد. هیچ چیزی در اصول راجدیل نیست تا پرداخت برگشتی تشویقی را ملزم سازد. لامبرت بحث کرد که اهمیت این اصل بیشتر، به عنوان یک نکته منفی است، چرا که تحت هیچ شرایطی منافع به نسبت سرمایه تقسیم نخواهد شد. بنابراین، بنا به گفته لامبرت، آیا مشخصه واقعی پرداخت سود تشویقی یک اندیشه است؟<sup>۲</sup> آن بیان می‌کند که تعاونی‌ها به خاطر سود سرمایه‌ها، به واسطه سفته‌بازی، یا انگیزه‌های منفعت‌طلبانه اداره نمی‌شوند، بلکه بیشتر از نتایج اداره آن در راستای خیر و منفعت

---

1. Lambert (1963), p. 64. See also p. 77

2. Lambert (1963), pp. 82-83

اجتماع استفاده خواهند شد. اگرچه اندیشه‌های او کمی از هالیوک متفاوت‌اند و گستره وسیع‌تری از نمونه‌ها و تجربه را به حساب آورده است، این یک شباهت آشکار یا سازگاری بین حدیث قرن نوزدهم راجدیل و تفسیر مجدد لامبرت در قرن بیستم است.

شایستگی کار لامبرت اعتباری برای بیان این مطلب است که مفهوم پرداختی‌های تشویقی همانند «پخش مازاد به اعضا» نیست؛ بلکه گاهی نوع زبان برای توضیح برگشتی منافع استفاده شده است. «مازاد» در یک تعاونی یک مفهوم مبهم و نامعلوم است، و بستگی به معنای آن دارد، و همیشه تنها بخشی از آن منتشر می‌شود. لامبرت عنوان کرد، که قوانین ۱۸۵۴ پیشگامان راجدیل آشکارا اظهار می‌دارد که برگشتی‌ها تنها پس از این که کلیه کسورات دیگر انجام گرفت، بایستی پرداخت گردند، و این کسورات شامل هزینه‌های مدیریت، سود وام‌های اخذ شده، استهلاک، سود عضویت در سرمایه‌گذاری، «افزایش سرمایه برای بسط و توسعه تجارت»، و کسر ۲/۵ درصد برای پرداخت برنامه‌های آموزشی است. بدیهی است «مازاد» همه آن چیزی که باید پرداخت می‌شد، نبود.<sup>۱</sup> از سود ویژه برای «تداوم تجارت» بهره برده می‌شود. پیشگامان راجدیل از تخلیه تعاونی‌ها از سرمایه یا محدود کردن رشد آنها در جهت پرداخت برگشتی‌های تشویقی حمایت نمی‌کردند.

برگشتی‌های تشویقی یک اصل شاخص و برجسته بودند. در هر صورت، هنگامی که در ارتباط با دیگر اندیشه‌های راجدیل مورد بررسی قرار می‌گیرند، با مفهوم سود محدود روی سرمایه شروع می‌شوند. لامبرت دریافت که به هیچ‌وجه چیزی در قوانین راجدیل وجود ندارد که دادن پاداش به سرمایه را ملزم کند؛ پرداخت سود

1. Lambert, 1963, p. 74



برروی سرمایه صرفاً یک تدبیر عملی ضروری در دنیای واقعی است.<sup>۱</sup> اصل مهم آن است که این پرداخت محدود گردد و بدین صورت انگیزه کسب درآمد برروی سرمایه گذاری یک انگیزه حرکتی در تعاونی نگردد. مجدداً هرکس می تواند طنین صدای هالیوک را بشنود. پخش منافع برای تشویق (اصولاً اگر قرار است پخش گردد)، و محدود نمودن برگشتی برروی سرمایه، دو روی یک سکه اند. برگشتی های تشویقی و برگشتی های محدود برروی سرمایه با یکدیگر این اندیشه را بیان می کنند که تعاونی ها متعلق به اعضای استفاده کننده آن است و نه سرمایه گذارها.

برگشتی های تشویقی همچنین به هم پیوسته و وابسته به اصل فروش در قیمت های بازاراند. بسیاری از تعاونی ها احساس کردند که فریب اندیشه سوددهی به اعضا را با فروش به قیمت تمام شده، خورده اند. این امر تا زمانی صحت دارد که هیچ اشتباهی صورت نگرفته باشد؛ اما هنگامی که فروش در قیمت تمام شده باشد، هیچ محملی برای اشتباه وجود نخواهد داشت. فروش به قیمت تمام شده همچنین می توانست رقبا را در یک جنگ کشنده قیمت به جان هم بیندازد. تعاونی های راجدیل تنها با قیمتی پایین تر از قیمت های بازار فروخته می شوند و برگشتی های پرداختی در پایان سال و هنگام بسته شدن دفاتر و هنگامی که همه قیمت ها روشن و آشکار بودند، صورت می گرفت. مگر این که اصل فروش بالاتر از قیمت مشهود می بود و هیچ مازادی برای استفاده و هیچ برگشتی برای پخش بین اعضا وجود نداشت.

برای بحث سرمایه و مازاد، لامبرت به این اندیشه اعتقاد داشت که سرمایه های یک تعاونی را نباید در هنگام انحلال تعاونی<sup>۲</sup> به نفع اعضا

---

1. Lambert (1963), p. 76

۲. این مورد توسط فیلیپ بوچز (Philippe Buchez, 1831) به عنوان یک قانون برای تعاونی های کارگری مطرح شد؛ اما پیشگامان راجدیل نیز قانون مشابهی را در سال ۱۸۵۴ پذیرفتند و لامبرت نیز به طور متقاعدکننده ای بحث کرد که این امر نیز باید به عنوان یک اصل

به فروش رساند. هیچ فردی از اعضای گروه نباید قادر به نقدکردن ذخایر و دیگر سرمایه‌های اندوخته شده در طول زمان توسط کلیه اعضای قبلی و فعلی باشد. اصل انحلال بدون سود اظهار می‌دارد: تصور این است که مالکیت اموال در یک تعاونی یا تعاونی دسته‌جمعی متعلق به اجتماع است؛ چیزی که صرفاً بیش از مجموع منافع فردی اعضا در هر نقطه زمانی امکان‌پذیر است. این امر به واسطه گنجایش و موقعیت لامبرت به اجرا در آمد و به‌عنوان یک اصل که تعاونی‌ها نباید با هزینه اجتماع برای منفعت اعضای خود تلاش کنند، مطرح شد. آنها ممکن است سرمایه جمع‌آوری کنند و آن را تقسیم نمایند، اما اگر برای منفعت تعداد اندکی با هزینه بسیار، دست به چنین اقدامی بزنند بدین صورت آنها از اصول لامبرت تعاون راجدیل تخلف ورزیده‌اند. تفسیر لامبرت از اصول راجدیل بیان‌کننده یک اصل برتر است، یک هدف ارتباطی که اندیشه بازپرداخت‌های تشویقی و سیاست قیمت‌گذاری را به‌صورت ویژه و ساختارمندتر به اطلاع می‌رساند.

بحث لامبرت از دیگر اصول نیز به‌نوبه خود بسیار جالب و تأثیرگذار بوده است، اما اجازه دهید به نکته دیگری برای نشان دادن یک اختلاف جزئی از خلاصه‌سازی اندیشه‌های راجدیل اکتفا نمود. این اصل «درهای باز» است، یکی از آنهايي است که اغلب توسط تعاون‌گران گوناگون مورد انتقاد واقع شده است. تعاونی‌های کارگری اظهار می‌دارند، این اصل را نمی‌توان برای آنها به‌کار برد، زیرا کارگران باید قادر باشند همکاران کارگر خود را انتخاب کنند. بسیاری از تعاونی‌های مربوط به کشاورزی اظهار می‌دارند درهای باز برای آنها کاربردی ندارد، زیرا به وسایل خاص یا تخصص نیاز است. و

---

مورد توجه قرار گیرد. بسیاری از دیگر نظریه‌پردازان تعاونی نیز پس از راجدیل آن را به‌عنوان یک قانون توصیه نمودند. می‌توان برای اطلاعات بیشتر به منبع (Lambert, 1963, pp. 81-82) مراجعه کرد.

برخی تعاونی‌ها، نسبت به عضویت سقف‌های تحمیلی دارند. لامبرت کلیه این نکات را به روشنی بیان کرد، اما آنها را دلیلی برای رد کردن اصل، مورد توجه خود قرار نداد. لامبرت بیان کرد که عضویت آزاد به عنوان یک اصل می‌باید در هر زمانی که امکان دارد، اجرا شود؛ و البته مواردی وجود دارند که محدودیت‌ها باید تعیین گردند. او بحث می‌کند که اصل باید به صورت مطلق نگاه داشته شود.

این اصل روح نوع‌پرستی تعاون را دربردارد، چون ثروت جامعه به واسطه کوشش نسل‌های گذشته و حال روی هم انباشته کرده و آن را در دسترس هر عضوی که ممکن است در زمان‌هایی پس از آن زمان وارد تعاونی شود، قرار می‌دهد. به سخنی دیگر، آن دقیقاً مخالف ثروتی است که افراد برای خود یا برای یک گروه کوچک جمع‌آوری می‌کنند.<sup>۱</sup>

لامبرت دوست نداشت این روح و جوهره را با رد کردن اصل باز بودن از دست بدهد. همواره این اندیشه وجود داشت که تعاونی‌ها در حال کار کردن برای چیزی بیش از منفعت شخصی اعضای فعلی هستند؛ حداقل این امر در اصول فوق وجود دارد و این اصل تا جایی باید باز باشد که هرکسی که تمایل داشت، بتواند به آن بپیوندد. بحث لامبرت در این مورد نیز، مثل بقیه موارد، به طور دقیق حمایت‌کننده است، زیرا روشن می‌سازد که اصول راجدیل می‌باید انتقال دهنده تقریب و تخمین‌ها<sup>۲</sup> باشند، قوانین کلی را در روش‌های متنوع و مکان‌های مختلف به کارگیرند و تنها در هنگام ارتباط با یکدیگر هوشمندانه و با تمام معنای خود مورد تفسیر و تعبیر قرار گیرند. اصول راجدیل مطلق نیستند، بلکه باید بدون ترحم (بی‌رحمانه)<sup>۳</sup> برای هر

1. Lambert (1963), p. 84

2. Approximations

3. Unrelentingly

موردی اجرا شوند. در عین حال هرکس نمی‌تواند با دادن مانورهای قانونی از کنار آنها بگذرد؛ یک تشکیلات نمی‌تواند امیدی به باقی ماندن کامل خود در شکل یک تعاونی حتی با دنبال کردن هریک از قوانین به‌تنهایی، داشته باشد. این است علت آنچه که لامبرت اصول اضافی که تجسم نگرش‌های ارزش-مدار است را توصیه نمود: خدمات اجتماعی، عزم و اراده برای اصلاح امور جامعه جهانی. همان‌گونه که لامبرت نشان داد، کتاب قوانین تعاونی و روش‌ها می‌باید در پرتو فرهنگ و سنت تعاون مطالعه شود.

### ساختار اصول راجدیل (بخش ۴): سال‌های ۱۹۶۰

بین سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۶۰، جهان و همراه با آن نهضت تعاونی نیز به‌طور اساسی تغییر کرد. فرایند استقلال و رشد تعاونی‌ها در کشورهای درحال توسعه کمک کرد تا هرچه بیشتر تعاونی‌های غیر اروپایی-آمریکای شمالی را به اتحادیه بین‌المللی تعاونی (ICA) ملحق سازد. انواع بیشتری از تعاونی‌ها جدید بودند و همراه خود سؤال‌های بیشتری درباره ساختارها داشتند. البته تجزیه جهان به دو قطب کمونیسم و غیرکمونیسم، حفظ ضرورت این سؤال را که چه چیزی یک تعاونی اصلی را در درون یک اقتصاد طراحی شده به‌صورت مرکزی تشکیل داده است و چه کسی مشروعیت راه یافتن به ICA را دریافت کرده، مورد فشار بیشتری قرار داد.

در سال ۱۹۶۳ کنگره بورنمات<sup>۱</sup> ICA، کمیسیون دومی را روی اصول راجدیل تعیین نمود. این کمیسیون شامل یک نماینده از نهضت بریتانیا و یک نفر از کشورهای درحال توسعه (هندوستان)، بود. دی. جی. کارو<sup>۲</sup>، کسی که ریاست کمیسیون را به‌عهده داشت؛ یک نفر

1. Bournemouth congress

2. D.G. Karve

از غرب اروپا؛ یک نفر از شرق اروپا؛ و یک نفر از ایالات متحده آمریکا را به همراه داشت.<sup>۱</sup> هدف کمیسیون تمرکز بر «شفاف سازی سردرگمی و حذف سخت گیری های غیرضروری بود که به تدریج ریشه در تفسیرهای بسیار ساده داشت. فرایندی از بازسازی که اجازه دهد اصول اساسی را روشن تر نشان دهد.<sup>۲</sup> آنها در سال ۱۹۳۷ با فهرست جدیدی که در برگزیده چهار نکته کلیدی است به نتیجه رسیدند. قوانین آموزش تعاونی برابر با چهار اصل قرار گرفت و به عنوان یک اصل جدید به اصول تعاون افزوده شد. همان که آنها به اتفاق آرا و همدلی انجام دادند خود یک شگفتی کوچکی به شمار می رود.

بدیهی است که این اصول تأکید مجددی از بخش های ثبت شده تاریخی اندیشه تعاونی است. صاحبان تعاونی ها کسانی هستند که از آن استفاده می کنند، نه توسط سرمایه گذار یا سهامدارانی که عواید آنها در گرو سود بردن از آنهاست. به همین جهت است که سود پرداختی بر روی سرمایه گذاشته شده توسط اعضاء به شدت محدود به یک میزان سود مشخص است. و اگر مازادی از دادوستد وجود داشت، به عنوان کاهش دهنده بر روی نقل و انتقالاتی باشد که شما می توانید تنها منفعت واقعی را با استفاده از یک تعاونی ببرید. صاحب یک تعاونی بودن در ذات خود، منفعت خاصی در بر ندارد. از این گذشته یک عضو تنها یک رأی، بدون در نظر گرفتن سهامی که خریده است، دارد و تعاونی یک سازمان مردمی است نه مجموعه ای از سرمایه ها. تمام این نکات تعاونی ها را به روشنی از شرکت ها یا مشاغل خصوصی متفاوت می سازد.

اگرچه اصول می گوید تعاونی ها «می باید» این را انجام دهند و آن

---

۱. آرنولد بونر، نویسنده کتاب مرجع کار و مأخذ بر روی تعاون بریتانیا در این مقاله مکرراً اشاره کرده بود که نماینده نهضت بریتانیا و سنت راجدیل است (Watkins, 1970, pp.).  
و (International Co-operative Alliance, 1966, p. 155) و (326-327).

2. Watkins, 1986, p.7

را انجام دهند، همه آنها در کنگره ۱۹۶۶ تحت عنوان اصول جهانی و «غیرقابل تجزیه» ای که «همه دارای اختیاری برابر و مساوی هستند» ارائه گردیدند که این امر «می‌باید در کلیه واحدهای تعاونی مشاهده شود»<sup>۱</sup>. به کلامی دیگر، ممکن است انواع دیگری از اصول وجود داشته باشد که در این نوع یا آن نوع تعاونی کاربرد داشته باشند، اما این شش اصل به‌طور سراسری برای هر تعاونی به‌کار می‌رود و هر تشکیلاتی که حتی در یکی از این شش آزمون شکست بخورد (براساس کمیسیون ۶۶-۱۹۶۳) دیگر تعاونی محسوب نمی‌شود. اگرچه امکان دارد گاهی اوقات زمینه تهدیدی برای این فهرست حد مطلوب یا ویژگی‌های رضایت‌بخش تعاونی‌ها وجود داشته باشد، لیکن این طور نیست. سعی شد حداقل در بیان، به‌عنوان سنگ زیرین جنبه‌های تعاونی‌ها در نظر گرفته شود. کمیسیون به‌طور کامل روشن کرد که تعاونی‌ها اهدافی فراتر از این اصول را جستجو می‌کنند: «عنصر کلی در همه زمان‌ها این بود که تعاون و همکاری در بهترین آرمان‌های خود چیزی فراتر از افزایش درآمدهای فردی اعضایی است که خود جزئی از تعاونی در همه اوقات‌اند و هدف آن بیشتر ارتقاء پیشرفت و رفاه انسانی است.

#### اصول راجدیل (ICA، ۱۹۶۶)<sup>۱۷</sup>

۱. عضویت در یک جامعه تعاونی باید داوطلبانه و قابل دسترس باشد، بدون محدودیت ساختگی یا هرگونه سوءگیری اجتماعی، سیاسی، مذهبی یا نژادی برای همه اشخاصی که می‌توانند از خدمات آن استفاده کنند و مایل به پذیرش و قبول مسئولیت‌های عضویت در آن باشند.
۲. جامعه‌های تعاونی، تشکیلاتی دموکراتیک‌اند. کار آنها می‌باید توسط اشخاصی اداره شود که انتخاب شده یا به طریقی توافق شده تا به‌وسیله اعضاء تعیین شوند و پاسخگو به آنها باشند. اعضای اولیه جوامع باید از حقوق مساوی حق رأی برخوردار بوده (یک عضو، یک رأی) و از مشارکت در تصمیم‌گیری‌های تأثیرگذار روی جوامع خود بهره ببرند. به غیر از جوامع

1. International Co-operative Alliance (ICA), 1966), pp. 160 and 181

- اولیه، اداره تعاونی‌ها باید بر پایه‌های دموکراسی و در یک شکل مناسب اجرا شود.
۳. اگر سودی وجود دارد، سهم سرمایه تنها باید میزان محدودی از سود را دریافت کند.
۴. مازاد یا پس‌اندازها، اگر وجود داشتند، در نتیجه اداره جامعه‌ای که متعلق به اعضای آن جامعه است باید به شیوه‌ای پخش شود که یک عضو به هزینه دیگران بهره بیشتری نبرد. این امر می‌تواند با تصمیم اعضا و به این شکل صورت گیرد:
- (الف) با پیش‌بینی برای توسعه تجاری تعاونی؛
- (ب) با پیش‌بینی خدمات عمومی؛ یا
- (ج) با پخش در میان اعضا به نسبت معاملات صورت گرفته توسط آنها در درون جامعه.
۵. کلیه جوامع تعاونی‌ها باید آموزش را برای اعضا، مسئولان و کارکنان خود و عامه مردم، در اصول و تکنیک‌های تعاونی، و نیز اقتصادی و دموکراتیک پیش‌بینی کنند.
۶. تمامی تشکیلات تعاونی، باید در جهت عرضه بهترین خدمات به اعضا و جوامع خود، به‌طور فعال در هر شکل عملی با دیگر تعاونی‌ها در سطح محلی، ملی و بین‌المللی همکاری کنند.

آیا این یک هدف آرمانی است که گفته شود جامعه تعاونی را چیزی متفاوت از یک شرکت اقتصادی معمولی می‌سازد. و مجدداً مؤسسه‌های تعاونی، در تمام فعالیت‌های خود و خصوصاً جایی که آنها با عموم مردم دادوستد دارند، باید با احساسی مملو از معنویت و راستی مشخص شوند ... مؤسسه‌های تعاونی باید قادر به توجیه موجودیت خود باشند، نه صرفاً به واسطه مزایایی که برای اعضای خود حاصل شده، بلکه به‌خاطر احساس مسئولیت و استانداردهای بالای درستی در انجام کلیه تعهداتی که به‌عهده گرفته‌اند، فعالیت نمایند.<sup>۲</sup> چنین اظهاراتی مشخص می‌کند که کمیسیون تلاش نمود تا با انتقاد و خرده‌گیری‌ها اصول را به فهرستی از استانداردهای اجرایی تعدیل کند

1. International Co-operative Alliance (1966), p. 160

2. International Co-operative Alliance (1966), pp. 177-178

و احساس نماید که لازم است بسیاری از چیزهایی را که آنها به عنوان اصول مهم تعاونی‌ها شناسایی کرده‌اند، هرچند که در فهرست ذکر نشده بود، عنوان نمایند.

کمیسیون ۶۶-۱۹۶۳ تعریف جامع‌تری برای مفاهیمی مانند عضویت «باز» ارائه داد، اکنون آشکار شده که عنوان باز بودن برای آنهایی است که قادر به استفاده از خدمات تعاونی هستند، و بی‌طرفی سیاسی، که مجدداً بدون استفاده از کلمه «بی‌طرفی» تنظیم شده بود، به عنوان عدم سوءگیری ساختگی برای عضویت نکردن است. اصل یک عضو، یک رأی، اکنون تنها برای تعاونی‌های اولیه (آن اعضایی که افراد حقیقی هستند)، مشروعیت بخشیدن در استفاده از حق رأی نسبی در فدراسیون تعاونی‌ها ضمیمه شده است. اعمال پرداخت مازاد برگشتی‌ها هم اکنون تبدیل به یک حق انتخاب برای استفاده از مازاد در تعاونی‌ها گردید و با این نکته اساسی که اکنون در صورت بودن چنین مزادهایی باید به طریقی استفاده شود که یک عضو هزینه اضافه‌تر دیگری دریافت نکند، می‌باشد. این گستردگی اصول در مقایسه با نمونه سال ۱۹۳۷ بود و اشاره به اندیشه‌های لامبرت دارد. استفاده از مازاد برای اهداف اجتماعی، همان‌گونه که در پیش‌بینی خدمات اجتماعی، تلویحاً تحریم شده بود، عنوان گشت. بنا به گفته واتکینز، کمیسیون مایل بود بیان کند که اهداف خدماتی تعاونی‌ها فراتر از ارتقاء اقتصادی فردی اعضاء قرار دارد و تعاون، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را خدمات‌رسانی می‌کند. برخی از زبان‌هایی که آنها به کار برده‌اند اشاره به این اهداف گسترده‌تر، در مقایسه با توصیف‌های نه چندان ملایم و مکانیکی سال ۱۹۳۷ دارد. اما واتکینز، شخصی که به عنوان مخبر کمیسیون ۶۶-۱۹۶۳ روی اصول تعاونی خدمت کرد، بحث می‌کند که بی‌انیه نتوانست فاصله بین عملیات یا قوانین از یک



طرف و اصول یا اندیشه‌های کلی تعاون از طرف دیگر را روشن سازد.

### فعالیت‌ها، قوانین، اصول و ارزش‌ها

از جمله پیشنهادهای واتکینز این که «اصول» نهضت باید به عنوان جایگاهی باشکوه، متحمل، بادوام و اهداف مبتنی بر ارزش‌ها شناسایی شده و این هفت اصل پیشنهاد گردند.<sup>۱</sup> این موارد، طبق گفته واتکینز، دربرگیرنده اهداف عمده نهضت تعاونی می‌باشند که پیشگامان راجدیل و قوانین آنها به خصوص یک بیان مؤثر بودند. در این کتاب، اهداف واتکینز نشان‌دهنده چگونگی به فراموشی سپردن این ارزش‌ها و ابزارهای به کار رفته توسط ایجاد کنندگان راجدیل بوده است. از این اصول، او اشاره به اندیشه انجمن دارد، که محرکی برای مردم‌سالاری است و باید اساس فراگیر نیروی پیش‌برنده تعاون باشد و اهمیت آن از دموکراسی بیشتر است.<sup>۲</sup> اندیشه‌های واتکینز شایسته یادآوری است، صرفاً نه به خاطر این که او مخبر آخرین کمیسیون اصول تعاونی بوده است، بلکه بیشتر به این خاطر که او یکی از سالمندترین‌های چهره‌های نهضت جهانی تعاونی محسوب می‌شد. تلاش او همچنین جالب بوده است، زیرا یکی از چند کوشش در فاصله گرفتن از الگو (شروع شده توسط خود پیشگامان) تلاشی در جمع‌بندی تعاون در شیوه قوانین خاص، می‌باشد.

واتکینز دلایلی را شناسایی نمود که چرا اصول تعاونی نیازمند یک مرور دوره ای است؛ همان‌گونه که تعاونی‌ها تحت فشارهای رقابتی به سمت جریان اصلی اقتصادی در حرکت هستند، نیروهای مذهبی و سیاسی نیز در تلاش برای وابسته سازی آنها می‌باشند. او (واتکینز) با اندیشه خود که در پس قوانین در حال تغییر، اصولی گسترده‌تر و دائمی‌تر

1. Watkins (1986), pp.9ff

2. Watkins (1986), p. 19

وجود دارند و فعالیت‌ها معمولاً بیان‌کننده «اصول راجدیل» می‌باشند، مطرح شد. واتکینز دلیل دیگری را برای بازنگری و بازاندیشی اصول پیش کشید. دو محرکه، نیاز برای مرور دوره‌ای بودند، همان‌گونه که تعاونی‌ها با شرایط تغییر مواجه می‌شدند و تمایل به شناسایی برخی اصول عمیق‌تر یا ارزش‌ها را در یک روش پسندیده‌تر، در جدیدترین تجدیدنظر اصول مشارکت داشتند. در سالگرد ۱۵۰ سالگی راجدیل، بیانیه تجدیدنظرشده اصول تعاونی توسعه پیدا کرد، و در سال ۱۹۹۵ در یک‌کصدمین کنگره ICA در منچستر انگلستان پذیرفته شد.

#### اصول تعاونی (واتکینز، ۱۹۸۶)<sup>۱۸</sup>

۱. اتحاد (وحدت)<sup>۱۹</sup> :

مردم‌سالاری و همبستگی پایانی در خودش است. تعاونگران نه تنها انجمن‌های خانوادگی، اجتماع و ملت را در جایی که متولد شده پذیرفته‌اند، بلکه دانسته و هدفمند در جستجوی دیگر انجمن‌ها به‌منظور استفاده از مزایای مادی و معنوی که آنها آن را ارائه می‌دهند، هستند.

۲. اقتصادی:

اعضاء برای مزایای اقتصادی عضو می‌شوند. «ضرورت اقتصاد تعاونی فرضی است به‌واسطه اتحادی از کارکردهای صاحب آن، سازمان و ریسک‌پذیران» - مقابله به‌مثلی است برای جهت‌گیری‌های نوین به‌سمت تخصص‌گرایی و تقسیم کار.

۳. دموکراسی:

«قوانین، اگرچه لازم و ضروری هستند، اما در ذات خود و به‌تنهایی برای اطمینان از دموکراسی کافی نمی‌باشند». ساختارهای دموکراتیک باید «خواست‌های کلی اعضا را بیان کنند ... نه مجموع خواسته‌های فردی آنان را ... اما خواسته‌های آنها هنگامی که در جستجوی منافع عام به‌عنوان عضوی از جامعه خودشان هستند و بررسی وضعیت خود از آن منظر ... اعضا ... باید فعال باشند تا این که منفعل».

۴. برابری<sup>۲۰</sup>:

برابری یک مفهوم «اخلاقی» نسبت به «جنبه توزیعی عدالت» است. برابری در دو روش اهمیت دارد: تلاش در دستیابی به یک توزیع عادلانه‌تر ثروت و قدرت در جامعه، و برابری در درون تعاونی در رفتار با گروه‌ها و افراد مختلف.

۵. آزادی<sup>۲۱</sup>:

آزادی نه تنها متشکل از آزادی «فردی مردان و زنان است ... بلکه با خواست خود در پیوستن یا ترک کردن [تعاونی‌ها]، آزادگی اندیشه و عمل آنها مادامی که عضو هستند نیز مد نظر است». همچنین، نهضت باید از «آزادی و اختیار، فردی و جمعی، ملزم شده توسط تشکیلات تعاونی» در اجرای هرچه مؤثرتر آن حمایت کند.

۶. مسئولیت:

«یک جامعه تعاونی، مجری خدمات اعضای خودش با اجرای کارکردهایی در جهت منافع آنهاست، اما به تنهایی نمی‌تواند به‌طور مؤثر آن را انجام دهد یا حتی اصلاً قادر به انجام آن نخواهد بود، مگر این که آنها نیز به نوبه خود صادقانه در راستای آن به مسئولیت‌های خود عمل کنند». یک تعاونی انجمنی است از افراد و یک شرکت تجاری و مفهوم عضویت یک اتصال حیاتی بین دو طرف است.

۷. تعلیم و آموزش<sup>۲۲</sup>:

«هیچ تعاونی نمی‌تواند بدون وجود تعاون‌گران وجود داشته باشد، تعاونی برخلاف شعر، مادرزادی نیستند بلکه ساخته شده‌اند. ... [آموزش] جمع کل حقایق و تجربه‌هایی است که رشد ذهنی و عقلانی فرد تعاون‌گر را ارتقاء داده و ظرفیت او را برای کار با دیگران توسعه می‌دهد ... [تعاون‌گران] نه تنها می‌باید آموزش ببینند ... بلکه متناوباً در جهت تعاون و همکاری باید بازآموزی شوند.

## ساختار اصول راجدیل (بخش ۵): دهه ۱۹۹۰

شالوده و اساس برای آخرین مرور و تجدیدنظر اصول اتحادیه بین‌المللی تعاونی (ICA) در کشور سوئد توسط کتاب «Seven Åke Böök» بنا نهاده شد. این کتاب یافته‌های خود را پیرامون «ارزش‌های تعاونی در یک جهان در حال تغییر»، در سال ۱۹۹۲ به کنگره (ICA) در توکیو تسلیم نمود. این کتاب پیشنهاد کرد که تعاونی‌ها در چندین سطح از اصول باهم توافق دارند: ارزش‌های پایه تعاونی‌ها؛ اخلاق پایه برای فرهنگ تشکیلاتی تعاونی؛ و اصول پایه در شکل رهنمودهای مرتبط به تشکیلات تعاونی. این آخرین موردی بود که عمدتاً در بحث‌های راجدیل یا اصول ICA بررسی می‌شد. در کتاب (Böök) یک مقوله چهارمی نیز اضافه شد، ارزش‌های پایه جهانی، به این قصد و نیت که استحکام بیشتری فراهم کند، یک بیان مبتنی بر اقدام ارزش‌های پایه با

نگاه به ارزش‌های جهانی در برنامه‌های بلندمدت تعاونی ترکیب شده بود.

اساس یا پایه‌های تعاونی (Böök, ۱۹۹۲) ۳۳

ارزش‌های پایه

- تساوی<sup>۲۴</sup> (دموکراسی) و برابری<sup>۲۵</sup> (عدالت اجتماعی)؛
- داوطلب و خودیاری دوجانبه (همبستگی و اعتماد به نفس)؛
- رهایی از قیدوبند اقتصادی و اجتماعی.

اخلاقیات<sup>۲۶</sup> پایه‌ای

- صداقت،
- توجه داشتن (انسانیت)،
- کثرت‌گرایی (رهیافت دموکراتیک)؛
- ساختارگرایی (ایمان و اعتقاد در روش تعاونی).

اصول پایه

- همبستگی افراد؛
- ارتقاء عضو کارآمد؛
- مدیریت دموکراتیک و مشارکت دادن عضو؛
- استقلال، استقلال داخلی، و آزادی<sup>۲۷</sup>؛
- هویت و وحدت<sup>۲۸</sup>؛
- تعلم و تربیت (آموزش)؛
- پخش منصفانه منافع؛
- همکاری ملی و بین‌المللی.

ارزش‌های پایه جهانی

- فعالیت‌های اقتصادی برای رسیدن به نیازها؛
- دموکراسی مشارکتی؛
- توسعه منابع انسانی؛
- مسئولیت اجتماعی؛
- همکاری ملی و بین‌المللی.

فهرست این کتاب به روشنی به دنبال ترکیب نوع متن در برگزیده اصول یا ارزش‌های توصیه شده به وسیله واتکینز با رویکرد فهرست بندی قوانین لازم یا روش‌هایی است که معمولاً به آنها به عنوان اصول

اشاره دارد. مفاد این کتاب اظهار می دارد که متن ۱۹۶۶ ICA، اصول پایه خود را به خوبی منعکس می کند. تغییرات عمده ای که او توصیه نموده، می باید با ماهیت و نقش سرمایه انجام گیرد؛ موضوعی که «اصول پایه» این کتاب (Böök) نسبت به آن خاموش هستند. مرور این کتاب نتیجه گیری کرده که در تعاونی های امروزی سرمایه فراتر از یک خدمتگزار قرار گرفته است. او بحث می کند در صورت بررسی سه مشکل اشاره شده می توان گزیده هایی را برای نحوه عمل سرمایه مورد رسیدگی قرار داد. نگهداری ساختارهای سرمایه که موجب تشویق و ترغیب تعاونی ها در خدمت به اعضای خود می شود؛ یافتن تعادلی مناسب در نقش سرمایه های فردی و جمعی؛ و خودداری از کاربردهای «خطرناک» جا به جایی بیش از حد سرمایه از بیرون برای سرمایه اعضای خودشان<sup>۱</sup>. این کتاب، در پایان اظهار می دارد، اصول راجدیل حداقل در چهار روش عمده نیاز به بازنگری دارد: انعطاف پذیری بیشتر بر روی ساختن اصل سود محدود شده نسبت به سرمایه؛ معرفی یک اصل جدید که به روشنی روی روش های مناسب شکل گیری سرمایه بحث کند، و بیان کند که تعاونی ها تا حد ممکن باید روی سرمایه اعضای خودشان برای تضمین استقلال و آزادی تعاونی در هنگام افزایش سرمایه، تکیه کنند؛ افزودن اندیشه دموکراسی بیانیه ای پیرامون مشارکت کارکنان در اداره تعاونی است؛ و در نهایت اضافه کردن یک اصل جدید در تأکید بر نیاز برای میزان مناسبی از استقلال و آزادی (از قرار معلوم، از دولت ها). قدری بلندپروازانه تر، از توصیه های این کتاب این است که اصول تعاونی باید به صورت اصول تعاونی و فعالیت های تعاونی تنظیم گردند، با تنظیمی که قبلاً در ممکن ترین شیوه بین المللی صورت می گیرد و بعداً در اشکال مناسب

و مختلف برای هر شعبه یا بخش تعاون دسته‌بندی می‌شود.<sup>۱</sup> به‌دنبال تحقیق این کتاب (Böök)، بیانیه‌ای توسط پروفیسور ایان ماک پرسون<sup>۲</sup> از دانشگاه ویکتوریا<sup>۳</sup> در کانادا تهیه شد که آن را «هویت تعاونی<sup>۴</sup>» نامید. این بیانیه در سال ۱۹۹۵ در کنگره منجستر بررسی شده. در پیش‌نویس قبلی مشخص شد که پیشنهادهای مک پرسون با توصیف تعاونی‌ها در چند جمله شروع می‌شود، تعریف تعاونی‌ها به‌عنوان گروه‌هایی از اشخاص که به‌طور داوطلب برای رسیدن به یک اقتصاد و نیازهای اجتماعی مشترک از طریق صاحبان به‌هم‌پیوسته و به‌صورت نوعی دموکراسی کنترل‌شده شرکتی را تشکیل داده‌اند؛ بیان‌کننده روشی است که در آن، آنها به‌شکل هم‌پیمان و اتحادیه به‌هم پیوسته‌اند؛ و اشاره دارد به ارزش‌های آنها از کمک به خود، مسئولیت دو جانبه، برابری، درستی و صداقت و «شفافیت» بر روی آنچه که پایه و اساس هستند، دارد. او اظهار می‌دارد این پیشنهاد، باید به‌دنبال هفت پیشنهاد اصلی که انتظار می‌رود تعاونی‌ها، «به‌عنوان راهنمایی برای فعالیت‌های خود» استفاده کنند، باشد: داوطلبانه و اختیاری بودن عضویت، ساختار دموکراتیک، ساختار اقتصادی برابر و منصفانه، استقلال داخلی، همکاری در میان تعاونی‌ها، آموزش و تعلیم تعاونی و مسئولیت‌های جامعه<sup>۵</sup>. البته باید منتظر ماند و دید که آیا اعضای ICA در مورد آن به توافق خواهند رسید، یا خیر! اما دربرگیری اصول استقلال داخلی و مسئولیت اجتماع، فصل‌بندی جالبی از اندیشه‌های طولانی بحث‌شده و ذات سنت راجدیل در آن وجود دارد. ظاهراً مک

1. Böök (1992), pp. 239-240 and pp. 16-18

2. Ian MacPherson

3. University of Victoria

4. Co-operative identity

۵. باید توجه داشت که چاپ این کتاب به قبل از این تاریخ بر می‌گردد (مترجم).

6. MacPherson (1994)

پرسون آمادگی برای حذف هر یک از اصول خاص نسبت به طرز عمل سرمایه در تعاونی‌ها را داشت. در عوض، اعلامیه پیرامون «ساختار اقتصاد برابر» ممکن است اشاره به تشکیلاتی بودن تعاونی‌ها داشته باشد، محلی که اعضاء به‌طور مساوی در سرمایه مشارکت داشته باشند و جایی که، پس از آن سرمایه و کار به‌طور منصفانه پاداش داده شوند، مزادها پخش شده یا برای توسعه شغل یا خدمات به کار رفته باشند.

در این مرحله این مسئله باقی خواهد ماند که شاید تغییرات، نتیجه کار این کتاب و مک پرسون باشد. تجدیدنظر فعلی اصول یکبار دیگر روشن می‌سازد که میراث راجدیل مورد بررسی مجدد و تفسیر هر نسل است. هیچگاه فهرست قطعی و پایانی از اصول تعاونی وجود نخواهد داشت، زیرا تعاونی‌ها نهضتی زنده در یک جهان در حال تغییرند. در هر صورت، امکان دارد این طور تصور شود که ما شاهد پایان راه اصول «راجدیل» هستیم. قابل ذکر است، هم کتاب و هم مک پرسون از عبارت «اصول راجدیل» خودداری کرده و به جای آن به‌طور ساده اشاره به تعاونی یا اصول ICA نموده‌اند. پس از آن که ICA جنبه‌هایی از تعاون را در اطراف جهان ترکیب نمود، شاید زمان آن فرا رسیده باشد تا اقرار نمود که تأثیر راجدیل کمرنگ شده است. احتمالاً ممکن است اکنون برخی ادعاهایی در اشاره به دیدگاه فعلی ما از این یا آن به نام اصول راجدیل وجود داشته باشد. اما اجازه دهید پیش از آنکه این کتاب را به نام راجدیل تمام کنیم، نگاهی به گذشته، به یک مطالعه موردی تاریخی بیندازیم، صرفاً برای یادآوری که آزمودن اصول تعاونی نه در چارچوب برخی از خلاصه‌های نظری است و نه در توافقات سیاسی ICA، بلکه در زندگی واقعی سازمان‌ها و تعاون‌گران جای دارد، جایی که بقاء یا شکست می‌تواند وابسته به تصمیم‌های انجام شده باشد.





## بخش سوم: اصول راجدیل و تعاونی‌های زراعی آمریکای شمالی

۱۸۸۰-۱۹۴۰

این کتاب تا اینجا، تاریخچه پیشگامان و نهضت راجدیل را که به‌وسیله پیشگامان الهام‌بخشیده شده بود، و خلاصه بحث‌ها را از ماهیت اصولی که قرار است از راجدیل استخراج شود، بررسی کرد. اما مناظرات درباره کاربرد اصول راجدیل در فضای خالی صورت نگرفته است؛ تمامی این مناظرات در مقابل فشارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صورت گرفته‌اند که می‌توانست باعث ایجاد سردرگمی و مخالفت، حتی در میان مشهورترین تعاون‌گران گردد. اگر گفته شود اصول تعاونی تنها مطالبی برای مناظره کردن نظریه‌پردازان و رهبران تعاونی است، سخن ناتمام خواهد ماند و شاید هم اگر در سطح کوچکی از ارتباطات کاری روزانه به مناظره گذاشته شود، مهم‌تر جلوه

کند. براین اساس، بخش سوم این تحقیق به‌طور ویژه به این امر خواهد پرداخت که کشمکش‌های مورد توجه اصول راجدیل در میان نهضت‌های زراعی آمریکای شمالی، با تأکید خاص برای اهداف ما در کشور کانادا به چه صورت بوده است.

حدود ۷۵ سال قبل، اگر شما سؤال می‌کردید که تعاون‌گران تحصیل کرده کشاورز در آمریکای شمالی با توجه به «برنامه راجدیل» چه معنی می‌دادند، و تعداد اندکی چیزی بیش از شبیه بودن فهرست‌های فعلی از اصول تعاونی را می‌دانستند، جای تعجب بسیاری داشت. اما با شگفتی، بسیاری از آنها ادعا خواهند کرد مدل راجدیل یک نمونه ضعیف و نامناسب برای کشاورزان بود. در آنجا چه درکی از راجدیل وجود داشت؟ و چرا اندیشه‌های راجدیل، تنها طی این قرن، به‌عنوان اصول راهنمای نهضت تعاونی پذیرفته شدند؟

### جنبش‌های زراعی و اندیشه‌های تعاونی

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، در اوایل شکل‌های زراعی آمریکای شمالی مانند گرانگ<sup>۱</sup>، تنها تعاونی خرید در شکل شعبه‌های محلی خود سازماندهی شدند و در بسیاری از مناطق فروشگاه‌هایی با مالکیت کشاورزان محلی با دنباله‌روی از اصول راجدیل استقرار یافت. لیکن این اولین موج از خودیاری زمینی - ملکی<sup>۲</sup> در حدود دهه ۱۸۷۰ با موج بعدی بسیج زمینی - ملکی پیگیری شد.

در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ کشاورزان به‌صورت منسجم‌تر، عمدتاً سیاسی و در سطح توده‌ای (بسیار گسترده) سازماندهی شدند. این رفتار آنان در واکنش به توسعه صنایع و به ظهور سیاست‌های منافع گروهی، نگرانی‌های بزرگ، اعتماد و اطمینان‌ها، انحصارها و قدرت اقتصاد

1. Grange

2. Agrarian self-help

متمرکز اواخر قرن نوزدهم را در پی داشت. بسیج نمودن کشاورزان، همراه با توسعه نوین اتحادیه تجاری در میان افراد کارگر آمریکای شمالی، دو جنبه‌ای از واکنش مردم علیه این حرکت جدید اجتماعی و اقتصادی بود.<sup>۱</sup> سیاست‌های تهاجمی‌تر کشاورزی به صورت محلی و منطقه‌ای در گسترش اتحادیه‌های کشاورزان و تعاونی‌های متحد و در حمایت برای حزب جدید مردم و متحد کردن کشاورز یا اصلاح نامزدها در انتخابات ایالتی و سراسری بیان شد. لارنس گودوین<sup>۲</sup> قاطعانه بحث کرد که تعاونی‌های محلی یک بنیاد تشکیلاتی بودند که بر پایه حمایت کشاورزان قرار داشتند. حمایت مردمی در این خصوص خود قابل بحث بود، اطمینان‌بخش‌ترین جنبش حزب سوم برای چالش همیشگی سیاست موجود آمریکا، دارای حداقل توانایی، در ایجاد نوعی دموکراسی متفاوت در ایالات متحده آمریکا بود.<sup>۳</sup>

موج جدید تعاونی‌های کشاورزان یا شکسته شد یا آن سوی اصول راجدیل قرار گرفت. اواخر قرن نوزدهم رهبران شرکت‌های کشاورزی متأثر از تجربه فروشگاه‌های گرانگ قرار نگرفتند. این فروشگاه‌ها یا بسیار کوچک ماندند، به آهستگی یا نامنظم رشد کرده و نیازها و انتظارات کشاورزان را برآورده نکردند. آنها مشارکت سرمایه‌ها را ملزم کردند که جمع‌آوری آنها بسیار سخت بود، و رایج‌ترین انتقاد را به همراه داشت و سیاست محرکه راجدیل پیرامون دادوستد به صورت نقدی برای کشاورزان غیرعملی بود. چون کشاورزان عموماً همه درآمد خود را در یک زمان یا در طول سال هنگامی که آنها تولیدات خود را برای بازار برداشت کرده، به دست می‌آوردند. آنها براساس اعتبار خود در ماه‌های خاصی قادر به خرید بودند<sup>۴</sup>. اما در عین حالی که شاید

1. See Hays (1957), pp. 48-70

2. Lawrence Goodwyn

3. Goodwyn (1978)

4. Goodwyn (1978), p. 32

انتقادی‌ترین مورد مخصوص تعاونی‌های راجدیل، دادوستد نقدی بوده باشد، به نظر می‌رسد دورنمای جستجو برای مدل‌های جایگزین تعاونی دو تفاوت کلی‌تر را دربرگیرد.

کشاورزان چیزی بزرگ‌تر و قدرتمندتر از فروشگاه‌های کوچک محلی می‌خواستند. آنها چیزی را می‌خواستند که از نظر اقتصادی و سیاسی به آنها قدرت دهد، بدین صورت کشاورزان بسیج شده و می‌توانستند جایگاه درست خود را در مقابل منافع گروه زیاده‌خواه زمان خود به‌دست آورند. این تعاونی‌های جدید باید با سرعت و با سرمایه کم رشد می‌کردند و ایجاد تجارتي با استفاده از قدرت اقتصادی سازمان‌یافته کشاورزان برخلاف سبک رنج و زحمت‌کشی راجدیل در ذخیره‌سازی پس‌اندازهای کوچک بود. کشاورزان سازمان‌یافته چه می‌خواستند، از همه بالاتر، منظور از ساماندهی بازاریابی و فروش بود، نه مصرف آن. چون کشاورزان زندگی خود را به‌واسطه فروش اداره می‌کردند، بنابراین کنترل تعاونی فروش برای آنها بسیار اهمیت داشت. کشاورزان در مورد تولیدات و بازاریابی، برای کسب درآمد بیشتر در رقابت با دیگر منافع تمرکز یافته بودند؛ و این امر به‌طور ضمنی با اصول مبتنی بر مصرف راجدیل در تعارض بود. این امر، نگرشی دوسویه به نهضت‌های سطح کارگری زمان خود داشت: تشکیلات اتحادیه تجاری کارگران برای کنترل بازاریابی کار خودشان بود؛ بسیاری از رهبران سطح کارگری به این مسئله پی برده بودند که نسبت به سبک تعاون مصرف راجدیل اهمیت بیشتری دارند. به‌خاطر این دوگانگی اشاره کردن به نهضت‌های زراعی روز درخور ارزش است، برخی رهبران تعاونی معاصر، از آن با نام «اتحادیه‌گرایی تجارت کشاورزان» یاد کرده‌اند.

در دهه ۱۸۸۰، به‌جای فروشگاه‌ها، شرکت تعاونی‌های زراعی به‌صورت گسترده شروع به زیاد شدن کردند و توسط اتحادیه کشاورزان

ارتقاء یافتند و اشکال کاملاً متفاوتی به خود گرفتند. تعاونی سیلوداران، اتحادیه فروش میوه و سبزیجات، اتحادیه حمل دام، سهام‌داران پشم و اتحادیه آجیل‌فروشان همگی از این دست بودند. این گونه تعاونی‌ها این حس را از طرف کشاورزان منعکس کردند که تنها اگر آنها متحد گردند، می‌توانند علیه تجار، راه آهن، بانک‌ها و انحصارطلبی‌ها بجنگند. هنگامی که سازمان‌های زراعی برای خرید تعاونی تلاش و ایثار می‌کردند، در حقیقت برای تشکیلات منطقه‌ای بازاریابی - محور خود کوشش کرده بودند.

دو دهه بعد یک چنین توسعه‌ای در کانادا به‌وجود آمد، جایی که منازعات نسبت به اصول تعاونی شدت یافت، زیرا تعداد زیادی از کشاورزان با اصلیت انگلیسی و تعاون‌گرانی بسیار متبحر در اندیشه‌های راجدیل، حضور داشتند. جریانات کانادا برای تحلیل جالب‌اند، زیرا تضاد و تعارض‌ها را به‌طور روشن و به‌تفصیل بیان کرده‌اند.

## گروه‌های زراعی و تعاونی عمده‌فروشی در کانادا، ۱۹۳۰ - ۱۹۰۰

کشاورزان آنتاریو جزء اولین‌ها بودند که در کانادا به‌صورت تعاونی سازماندهی شدند. بین سال‌های ۱۹۰۰ و ۱۹۱۴، شرکت‌های تجاری جدید متعددی به‌وجود آمدند، از جمله تعاونی اتحادیه تولیدکنندگان میوه آنتاریو در ۱۹۱۴، تولیدکنندگان عسل و به‌همین ترتیب تولیدکنندگان تنباکو را در ۱۹۱۴ برای سازماندهی برانگیخت. اما مهم‌ترین تعاونی جدید «تعاونی کشاورزان متحد»<sup>۱</sup> بود که در ۱۹۱۴ به‌عنوان شریک اقتصادی در تشکیلات سیاسی و آموزشی تحت عنوان کشاورزان متحد آنتاریو، تأسیس شد.<sup>۲</sup> تعاونی کشاورزان متحد در ابتدای کار و

---

1. United Farmers' C0-operative (UFC)

2. MacPherson (1979), p. 19

توسعه خود یک اداره توسعه تولید را برای فراهم نمودن عوامل تولید زراعی مانند دنباله‌بندها، نهاده‌ها، آفت‌کش‌ها و ماشین‌آلات را برای خرید توسط کلوپ‌ها یا تعاونی‌های محلی باز کردند.

در ابتدا، ساختار مالکیت تعاونی کشاورزان متحد روشن نبود. از یک طرف، اصول راجدیل توسط جورج کین و دبلیو سی گود<sup>۱</sup> از سوی اتحاد تعاونی کانادا توصیه شده بود، و از طرف دیگر تشکیل هیأتی در ۱۹۰۹ برای ترویج دادن سبک راجدیل، عمدتاً به‌عنوان تعاون مصرف توصیه شده بود. برای کین و گود، اصول راجدیل به‌معنای استقلال تعاونی‌های محلی بود که باید نیروی پیش‌برنده نهضت باشد و مراکزی مانند تعاونی کشاورزان متحد می‌باید به مالکیت آنها درآمده و به‌خدمت گرفته شوند. از طرف دیگر، رهبران زراعی مانند جی. جی. موریسون<sup>۲</sup> دیدگاه کنترل از مرکز را داشت و قدری در اندیشه‌های استقلال طلبی و دولت ائتلافی (فدرالیسم) سهم داشت و به آن اضافه نموده بودند؛ آنان در مقابل موانع مطرح شده به‌واسطه اندیشه‌های راجدیل بی‌صبر بودند. چنین عمل‌گرایانی (پراگماتیسم) افرادی مثل گود و کین<sup>۳</sup> را به‌عنوان اندیشه‌گرایان غیرعملگرا و کسانی می‌دانستند که وابسته به خلاصه اصول بوده و باعث عقب‌نگه‌داشتن توسعه نهضت بودند. در اوایل، اندیشه‌های کین تأثیرگذارتر بودند: تعاونی کشاورزان متحد قرار بود تنها با یک رأی برای هرانجمن به تملک اعضای انجمن‌ها درآید؛ مازادها بر مبنای حمایت<sup>۴</sup> و سود بر روی سرمایه پخش گردد، اگرچه، در سطح بالا بسیار محدود خواهد بود.

اما در طول زمان، حمایت‌های عملگرایانه و تمرکز قدرت در مرکز، به‌طور پیوسته و یکنواخت پیروز شد. درحالی‌که حمایت‌های

1. George Keen and W.C. Good

2. J.J. Morrison

3. Good and Keen

4. patronage

آرمان‌گرایانه<sup>۱</sup> راجدیل پیرامون خلوص و پاکدامنی به حاشیه رانده شدند. این تلاش در سال ۱۹۱۸ - ۱۹۱۸، در میانه شکاف اقتصادی پس از جنگ (جهانی اول)، آشوب، و تندروی های (رادیکالیسم) نهضت کشاورزی، به اوج خود رسید. حمایت از گسترش سریع تجارت، آر.دبلیو.ای برونابی<sup>۲</sup>، که برای پست ریاست تعاونی کشاورزان متحد پیروز شده بود، تی. پی. لوبلا<sup>۳</sup> را برای مدیریت شرکت به استخدام درآورد. لوبلا یک مدیر خصوصی توانمند بود که بعداً فروشگاه زنجیره‌ای مواد غذایی بسیار معروفی را بنا نهاد. تحت هدایت برونابی و لوبلا، تعاونی کشاورزان متحد از ساختار ائتلافی فاصله گرفت و به سمت اداره به صورت مرکزی هدایت شد. کشاورزان محلی می‌توانستند به‌طور مستقیم عضو تعاونی کشاورزان متحد شوند؛ فروشگاه‌ها به‌عنوان یک شعبه با مدیران تعیین شده از طرف تعاونی کشاورزان متحد اداره می‌شدند. برای چند سال انجام این رویکرد کارآتر به نظر می‌رسید: در اواخر ۱۹۱۹ تعاونی کشاورزان متحد نزدیک به ده‌هزار عضو داشت و به نظر می‌رسید خرده‌فروشی و بازاریابی عظیم شروع به رشد کردن نمودند: در ۱۹۲۰ اعضای آن به دو برابر (بیست‌هزار عضو) رسید. شاخه دامداری، اداره طیور و تخم مرغ<sup>۴</sup>، اداره بذر و اداره میوه، شرکت عمده‌فروشی یارانه‌ای و تعاونی جداگانه مواد لبنی را سازماندهی کرد. در ۱۹۲۱ این بادکنک ترکید، تعاونی کشاورزان متحد از نظر مالی در هم ریخت، بسیاری از فروشگاه‌ها بسته شدند و هزاران دلار مفقود گردید. عوامل متعددی در این جریان دخیل بودند: لوبلا شرکت را ترک کرده بود و به نظر می‌رسید مدیریت شرکت برای جانشینان او بسیار پیچیده بود. کشاورزی هنوز در کساد می‌برد. رقابت

---

1. Idealistic

2. R.W.E. Burnaby

3. T.P. Loblaw

4. Egg and poultry department

شدید بود. در هر صورت، چنین عوامل به وجود آمده می‌توانست فراتر از کنترل تعاون‌گران باشد. اگر تشکیلات به تدریج توسعه یافته بود یا در تمرکز کمتری قرار می‌داشت آنها را در معرض این‌گونه خطرها قرار نمی‌داد. هر دلیلی که هست، شکست برای نهضت تعاونی آنتاریو یک فاجعه بود. رشد تهاجمی تعاونی کشاورزان متحد نسبت به تعاونی‌های دیگر زوال و تاریکی را به همراه داشت. هنگامی که تعاونی کشاورزان متحد از هم پاشیده شد، استان (آنتاریو) بدون هیچ چیزی رها شد و تعاون نام بدی را کسب کرد. اگرچه تعاونی کشاورزان متحد در سال‌های بعد بازسازی شدند، اما نهضت تعاونی آنتاریو از ۱۹۲۱ به بعد هرگز قوی ظاهر نشد.

این داستان محدود به آنتاریو<sup>۱</sup> نگردید. در ماریتمس<sup>۲</sup>، هنگامی که یک شرکت تعاونی کشاورزان متحد در ۱۹۱۶ توسط جنبش‌های زراعی نیو برانسویک و نوا اسکوتیا<sup>۳</sup> سازماندهی شد، نیز به همین شکل نهضت تعاونی در ابتدا قدرتمند گردید و به سرعت رشد کرد، فروشگاه ده‌ها شعبه افتتاح نمود؛ بعد از ۱۹۲۰ به خاطر گسترش بیش از حد منابع، کساد، تقسیمات داخلی با مشکلات مالی مواجه شد و در ۱۹۲۲ به فروشگاه‌های محلی تقسیم شد، اما بسیار دیر شده بود؛ در اواخر دهه ۱۹۲۰ اکثر آنها ناپدید شدند.<sup>۴</sup> تعاون خرده‌فروشی و عمده‌فروشی در دهه‌های بعدی بر مبنای استقلال محلی بازسازی شدند، اما تعجب خواهید کرد که چه فرصت‌هایی از دست رفتند.

و همان داستان در پریریز<sup>۵</sup> نیز به وجود آمده بود. کشاورزان در باشگاه‌های خرید و تعاونی‌های محلی سازماندهی شدند؛ تشکیلات

1. Ontario

2. Maritimes

3. New Brunswick and Nova Scotia

4. MacPherson (1979), pp. 57 and 76-77.

5. Prairies



مرکزی زراعی برای تجهیز آنها اداره مرکزی عمده‌فروشی‌ها را راه انداخت؛ و جدال‌های به‌وجود آمده بین مفاهیم رقابتی برآمده از قدرت مرکزیت و کارایی، در برابر استقلال محلی و آزادی شکل گرفت. انجمن عمده‌فروشی تعاونی آلبرتا<sup>۱</sup>، در ۱۹۲۸ تأسیس گردید و برخی آزادی‌های تعاونی‌های محلی را ارائه داد، اما تحت نفوذ یک سازمان سیاسی «کشاورزان متحد آلبرتا»<sup>۲</sup>، که در زمان خود دولت ایالتی را نیز شکل داده بود، قرار داشت. تعاونی از طرف رهبران کشاورزان متحد آلبرتا برای گسترش یک‌باره تحت فشار قرار گرفت. در ۱۹۲۹ عمده‌فروشی با خریدهای جاه‌طلبانه اموال و کالاها به‌سمت تجارت سوق داده شد، با این امید که به کمک همکاران محلی کشاورزان متحد آلبرتا به فروش رسد. این‌گونه معاملات به‌خاطر کسادی بازار و با گسترش بیش از حد عمده‌فروشی‌ها، برای کالاهایی که به فروش نرفته بود بدهکاری به‌بار آورد، و سرمایه‌های به‌کار رفته، با فاجعه به پایان رسید. عمده‌فروشی آلبرتا به‌واسطه کوشش بی‌دریغ تعاونی‌های محلی باسازی شد، اما در مجموع نهضت تعاونی در این استان هرگز بهبود نیافت.<sup>۳</sup> در شهر مانیتوبا<sup>۴</sup> داستان چیزی غیر از این نبود: تعاونی عمده‌فروشی مانیتوبا، در ۱۹۲۸ به تجارت وارد شد، پایه و اساس بسیار ضعیفی از توسعه جوامع تعاونی محلی را که بر آن بنا نهاده شده بود به‌همراه داشت. در هنگام بروز کسادی بزرگ بیش از حد گسترش یافته بود، بخشی از این بی‌احتیاطی به‌خاطر تلاش در تغییر مشاغلی مثل چاپ به‌وجود آمده.

در ساسکچوان ترس از نزاع پیرامون این امر که آیا تعاونی‌های

---

1. Alberta

2. United Farmers of Alberta

3. B. Fairbairn (1989), pp. 37-42.

4. Manitoba

5. B. Fairbairn (1989), pp. 29-31.

محلی در اداره عمده‌فروشی کشاورزان اجازه خواهند یافت یا خیر، و یا اینکه به‌وسیله کشاورزان متحد ساسکچوان کانادا، در بخش ساسکچوان اداره خواهند شد. در ۱۹۲۸ به تعاون‌گران این هشدار داده شد که دلبیو.ام. تراشر، ریاست کشاورزان متحد<sup>۲</sup>، «طرحی ماهرانه» برای «فروشگاه‌های زنجیره‌ای تعاونی<sup>۳</sup>» در سراسر غرب را توسعه داده است. هنگامی که تراشر «همکاری صمیمانه عمده‌فروشی بزرگ بریتانیا در منچستر» را برای کوشش‌های خود درخواست نمود در حقیقت به نهضت راجدیل مشروعیت بخشید.<sup>۴</sup> رهبران کشاورزان متحد در مورد ایجاد ارتباط از بالا به پایین تعاونی‌های جدید در سطح استان صحبت کردند، این امر تنها به اعضای تعاونی‌های کشاورزان متحد کانادا (UFC) محدود می‌شد، تعاونی‌هایی که حامی پرداخت سود تشویقی و فروش بر مبنای هزینه به علاوه قیمت پایه بودند، انجام گیرد. برای کین<sup>۵</sup> و متحدان او در استان ساسکچوان، در حقیقت این اندیشه‌ها تخلف از هر کدام از اصول راجدیلی بود که آنها می‌دانستند؛ استقلال محلی، اختیاری و داوطلبانه بودن عضویت، استقلال سیاسی، حمایت از بازپرداخت‌های تشویقی، گره خوردن موفقیت تعاونی که تنها به یک سازمان زراعی وابسته بود که می‌باید (در حقیقت اعتقاد داشتند) تبدیل به یک جنبش گسترده ریشه‌دار گردد. فروشگاه‌های تعاونی در ساسکچوان در یک کارزار خارج از کنترل عمده‌فروشی با اندیشه‌های کشاورزان مبارزه کردند. اداره دادوستد کشاورزان متحد

1. W.M. Thrasher

2. United Farmers

3. Co-operative chain stores

4. B. Fairbairn (1989), p. 48; fuller quotation from Waldron to Keen, 9 Feb. 1928, and "Co-operative Chain of Stores Planned by United Farmers," stamped received 27 Feb., both in Public Archives of Canada, Co-operative Union of Canada papers, volume 44, f. "Co-operation and Markets Branch, Saskatchewan Department of Agriculture."

5. Keen

در ۱۹۲۹ هنگامی که فسادهای عظیم مالی بر روی بخشی از مدیریت کشف شد، به‌تنهایی توسط تعاونی‌ها اشغال شدند. تعاونی‌های عمده‌فروشی وامانده و چُلاق<sup>۱</sup> را اشغال کرده و با رنج و زحمت آن را بازسازی نمودند تا دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ که تبدیل به سه شرکت عمده‌فروشی قدرتمند آن سرزمین وسیع گردید.<sup>۲</sup>

البته هرکس می‌تواند بحث کند که مصیبت‌ها به‌خاطر کسادی‌های سال ۱۹۲۱ و فشارهایی مانند آن که پس از ۱۹۲۹ اتفاق افتاد، بودند. احتمالاً تشکیلات مختلف اتحادیه کشاورزان می‌توانستند تحت شرایط مطلوب سیستم‌های تمرکز یافته استانی خود را با موفقیت اداره کنند. اما پس از آن، آیا هرگز کسی می‌توانست این انتظار را داشته باشد که شرایط ایده‌آل باشد؟ این حقیقت باقی می‌ماند که جسارت هر کشاورز آن دوران در یک تعاونی عمده‌فروشی با شکل مرکزی خود به منزله شکست بود.<sup>۳</sup>

حمایت‌کنندگان از تعاون راچدیل نظیر جورج کین<sup>۴</sup> اساساً از قبل

---

#### 1. Crippled

2. B. Fairbairn (1989), pp. 45-54. The three wholesales, together with that of British Columbia, as well as the Consumers' Co-operative Refineries Ltd. of Regina, merged between 1944 and 1971 to form Federated Co-operatives Limited.

۳. اتحادیه کشاورزان آلبرتا با اداره یک عمده‌فروشی تولید زراعی در سال ۱۹۳۱ آغاز شد که در نهایت تبدیل به تعاونی کشاورزان متحد آلبرتا (UFA) گردید، که هنوز هم موجود است. این گونه تعاونی‌های تولیدی برای تعمیم یک استثنا هستند که شرکت‌های کشاورزان تمرکز یافته شکست خورد. از طرف دیگر، در دهه ۱۹۴۰ تعاونی کشاورزان متحد آلبرتا یک سری از فروشگاه‌های زنجیره ای را شروع کرد، با قول به اقدام در نسلی که یک قرن تجربه پیشگامان راچدیل را برای انجام به‌همراه داشت. این فروشگاه‌ها ضرر دادند و طی یک دهه تحویل تعاونی‌های مستقل محلی شدند. بنابراین کشاورزان متحد آلبرتا در ایجاد تجارت موفق گردید، اما مانند تمامی دیگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای در تجارت شکست خوردند، حداقل تأییدی در بخش تعمیم‌پذیری آن است. کتاب (B. Fairbairn, 1989) فصول ۱۳ و ۱۸ را مطالعه فرمایید. هرچند امکان دارد نمونه‌هایی از موفقیت آنها را پیدا نمود، اندیشه مرکزیت یافتن رخداد مجددی است برای آنهايي که مایل به سازماندهی تعاونی به‌سرعت و به‌صورت گسترده هستند.

#### 4. George Keen

به کشاورزان گفته بودند که آنها شکست خواهند خورد. در ۱۹۲۸ کین به همکاران آلبرتایی نوشت و دیدگاه خود و تفاوت آن با دیدگاه رهبران زراعی را این گونه بیان کرد:

تفاوت وسیع و گسترده‌ای بین تشکیلات بازاریابی و جوامع مصرف‌کننده وجود دارد .... درحالی‌که اداره کردن قبلی به صورت مرکزی بوده و با استخدام کردن و پرداخت‌های بسیار بالا از سوی سرمایه‌دار مسؤلی که موفقیت آن وابسته به اوست همراه بوده، جوامع مصرف‌کننده باید متکی بر ابتکار محلی، بهره‌مندی از هوش فردی اعضای تعاونی، و دیدگاه جامع اجتماع باشند.<sup>۱</sup>

بدیهی است که اشاره کین به اداره بازاریابی به عنوان «یک تشکیلات» بوده و نه به عنوان «اجتماعات»، عبارتی که او برای بررسی تعاونی‌های اصیل ذخیره ساخته است. در دیدگاه کین، تعاونی‌های مدل اصیل راجدیل می‌باید در سطح کوچک و تنها برای خدمت به نیازهای سازماندهی شده اقتصادی اعضای خود شروع و رشد کنند. تعاونی‌ها هرگز نباید براساس حدس و گمان توسعه یابند. توسعه‌ای فراتر از آنچه که اعضاء کنونی آماده خرید از آن هستند، توسعه‌ای که مبتنی به عادت پیش‌بینی شده غیر اعضاء بوده، یا توسعه‌ای که نتواند از سرمایه فراهم شده توسط اعضاء تأمین مالی کند. اگر تعاونی می‌خواهد رشد کند، می‌باید آن را از طریق آموزش انجام دهد: با گرفتن اعضای جدید، یا تقویت وفاداری اعضای موجود، «از توسعه و پرورش هوش و فراست تعاونی خود»، و سپس توسعه برای رسیدن به نیازهای اعضاء. این دیدگاهی بود که در آن آموزش و ترقی عضو هدایت‌گر میسر گشته و رشد تجاری و تسهیلات تعاونی به دنبال آن می‌آید. به همین ترتیب،

1. B. Fairbairn (1989), p. 39.

در سطح عمده‌فروشی، گسترش تعاونی‌های محلی هدف اولیه بود، «ابتکار محلی»، با دنبال کردن عمده‌فروشی در پیگیری نیازهای اعضای تعاونی‌ها. سیاست‌های تجاری نیز می‌باید مورد توجه قرار گیرند. به‌جای درگیر شدن در شکستن قیمت‌ها، تلاش برای فروش در سطح قیمت، تعاونی‌ها باید به اندیشه راجدیل متوسل شوند: و نه تلاش در جهت کاهش قیمت‌ها، بلکه بازگرداندن پس‌اندازها در پایان سال. با این شیوه، اگر بازارها تغییر می‌کردند یا قیمت‌ها و هزینه‌ها اشتباه محاسبه می‌شدند، تعاونی‌ها در معرض خطر قرار نمی‌گرفتند. و البته قرار بود، همهٔ دادوستدها به‌صورت نقدی صورت گیرد. کین اظهارات پیرامون ادارهٔ تعاونی و ترازنامه‌ها، تجزیه و تحلیل عواید و نسبت هزینه‌ها، بدهی و سرمایه‌گذاری را به‌دقت بررسی کرد. تفسیر او از اصول تعاونی به‌معنای نادیده گرفتن تجارت نبود. برای افرادی مانند کین، کل سیستم معنای کامل می‌داد، زیرا خطر پیش‌بینی و رشد شتاب‌زده را به حداقل رسانده است. در مجموع، اصول متفاوت و فعالیت‌ها در ارتباط با یکدیگرند، در طول زمان آزموده شده و مورد تأیید قرار گرفته و همه به‌واسطه یک «دیدگاه جامع اجتماعی» به هم گره خورده‌اند.

این صداها مانند تکرار ساده‌ای از اندیشه‌های راجدیل است، اما کین و دیگران بارها و بارها مجبور به توضیح مفاهیم شدند. اهمیت این امر از این جهت است تا خود را جای دیگرانی قرار داد که از راجدیل نشنیده، یا کسی که نسبت به مناسب بودن راجدیل تردید داشت. اصلاً، چرا نیاز است شما سهم شوید؟ تجارت یک اطمینان در ساختن عواید و به‌وجود آوردن سرمایه خود است. چرا عضویت می‌باید داوطلبانه باشد؟ اگر ما هر حمایت‌کننده کشاورزان متحد را به‌طور خودکار به عضویت تعاونی درآوریم، بی‌درنگ می‌توانیم دارای اعضای کثیری بشویم. چرا غیراعضاء نیز نباید فروشگاه باز کنند؟

تجارت آنها به تعاونی‌ها کمک خواهد کرد. چرا نباید به قیمت تمام‌شده فروخت؟ آن یک منفعت سریع‌تر و بهتر برای اعضاء فراهم خواهد آورد، آنها مجبور نیستند منتظر پایان سال باشند. و البته، کشاورزان نیاز به اعتبار دارند؛ چرا تعاونی نباید با مالیات کشاورز چیزی که اعضاء می‌خواهند را فراهم کند؟ اینها همه سؤال‌های دقیقاً مشروعی بودند که مردم خوش‌نیت سؤال نمودند. کین و دیگران به آنها فکر کرده و پاسخ دادند. اما پاسخ‌ها خلاصه و پیچیده بودند. به نظر می‌رسید پاسخ‌ها باید دارای قدری رنگ و بوی تعصب مذهبی نیز باشند.

این امر باید به اندازه کافی روشن شود که کدام یک از رهبران شرکت‌های زراعی در مورد این اصول‌گرایی راجدیل بیزار بود. به نظر می‌رسید اندیشه‌های افرادی مانند کین موانعی را در مسیر همکاری که رهبران شرکت‌های زراعی می‌خواستند انجام دهند، ایجاد کند: رشد سریع، قدرت بازار، حداکثر برگشت به کشاورزان با حداقل سرمایه‌گذاری‌ها. البته، شاید، نمونه راجدیل آنگونه که از سوی اندیشمندانی مانند کین تفسیر گردید به شکل ضعیفی با نیازهای کشاورزان تناسب داشت. اما مدل راجدیل موفقیت آن را ثابت کرد: رهبران شرکت‌های زراعی هنوز لازم بود ثابت کنند که اندیشه‌های بدیل آنان نیز به‌خوبی کار خواهند کرد. آنها در هر منطقه از انگلیس و کانادا در مورد تعاونی عمده‌فروشی ضربه خوردند. در مورد تعاونی بازاریابی چطور؟

### جایگزین (بدیل)‌هایی<sup>۱</sup> برای راجدیل: برنامه‌ای از ساپیرو<sup>۲</sup>

تجربه کشاورزان با تعاونی سیلوداران، دیگر تعاونی‌های فرآوری و حمل‌ونقل و انجمن‌های بازاریابی در مقیاس کوچک تنها موجب

---

1. Alternatives

2. Sapiro's Pool

برانگیخته شدن میل و رغبت یک چیز واقعی شد: تعاونی فروش در مقیاسی نسبتاً بزرگ که کشاورزان بتوانند نفوذ و یا البته کنترل بازارها را برای تولیدات خود داشته باشند. توصیه‌های بسیاری برای این قبیل اندیشه‌ها وجود داشتند، اما در اوایل دهه ۱۹۲۰ مفهوم «ادغام کالا» درحقیقت هدایت به لبه پرتگاه بود. مشهورترین مدافعان آن آرون سایپرو<sup>۱</sup>، یکی از وکلای مقیم کالیفرنیا، بود. سایپرو برای رهبران زراعی آمریکای شمالی رهیافت بدیلی را برای همکاری و تعاون توسعه داد و پیرامون آن صحبت کرد.

در ۱۹۲۳ سایپرو در مقاله‌ای بحث کرد چگونه برنامه او از مدل تعاون راجدیل متفاوت است. این مقاله هم به‌خاطر بیان جنبه‌های کلیدی آن که کشاورزان در سراسر آمریکای شمالی در تلاش برای تکمیل چه چیزی بودند، جالب است و هم (برای اهداف ما) زیرا نشان دهنده آن است که آنها پیرامون مفهوم راجدیل چه فکر می‌کردند. «تا امروز، دو نوع تشکیلات تعاونی در جهان وجود دارند که ارزش توجه واقعی به آنها را دارند»، سایپرو با تأکید نوشت. «هنگامی می‌توان گفت نهضت تعاونی بازاریابی، که آن نهضت از تولیدکنندگان باشد. دیگری نهضت تعاونی خرید است که نهضتی متعلق به مصرف‌کنندگان است»<sup>۲</sup>.

البته، نهضت راجدیل، «نهضت مصرف‌کنندگان» بود، منحصرأ از جنبه فکری مصرف‌کننده توسعه یافت. در تحلیل سایپرو، مصرف به‌معنای فروشگاه‌ها و فهرست موجودی کالاها، فروشگاه‌ها و فهرست موجودی کالاها به‌معنای سرمایه، و همه اینها با همدیگر به این معنا که اعضاء مجبور به خرید سهام هستند و فروشگاه‌ها مجبور به پرداخت سود تشویقی به آنها می‌باشند. سایپرو اظهار داشت این کار اشتباه

---

1. Aaron Sapiro

2. Sapiro (1923), p. 82.

نبود: «آن یک توسعه طبیعی و درست برای یک نهضت مصرف‌کننده بود. ... اما از نقطه نظر مصرف‌کننده، آن یک همکاری توسعه‌یافته است. علت همین است که شما برای شروع کار مجبور به داشتن سرمایه و دادن به اصطلاح سود سهام تشویقی به افرادی می‌باشید که از شما خرید می‌کنند<sup>۱</sup>». ساپیرو بحث کرد که رهیافت راجدیل برای کشاورزان به‌سادگی کار نکرد، و او تجربه بازاریابی تعاونی‌هایی که تلاش کردند تجربیات راجدیل را دنبال کنند، تحلیل نمود. با خرید کردن از هرکشاورز در قیمت‌های بازار، آنها مجبور به پرداخت قیمت‌های متفاوتی به کشاورزان مختلف بودند. تحت این شرایط، نظام قیمت‌های بازار و پرداخت سود تشویقی نمی‌توانست برابری را در میان اعضاء اطمینان دهد. علاوه برآن، هر تعاونی کوچک در سبک راجدیل با دیگران رقابت کرده و قیمت‌ها را پایین خواهد کشید. «هرکدام با پایین کشیدن قیمت‌ها به‌عنوان واحدی جداگانه و در رقابت با دیگران عمل خواهد کرد.» «هر کدام به‌عنوان واحدی جداگانه محسوب شده و در رقابت با دیگران به فروش می‌رسند. ... این یک تجارت خوبی نیست؛ این یک تعاون نمی‌تواند باشد<sup>۲</sup>». ساپیرو، آمریکای شمالی را متهم نمود که (آمریکای شمالی) قاره‌ای تولیدکننده بود و نه کشور مصرف‌کننده مثل بریتانیا. او اظهار داشت دنبال کردن تعاون مدل انگلیسی به‌جای گرایش به سمت تولیدکنندگان، «یکی از فاحش‌ترین اشتباهات صورت گرفته در کشاورزی آمریکا بوده است».

ساپیرو به کشاورزان کالیفرنیا به‌عنوان یک نمونه متقابل اشاره دارد. در این جا آنها «در مقیاسی کلان» به‌تنهایی برای دستیابی به ۹۷ درصد از کل تولیدکنندگان توت فرنگی در یک تعاونی بازاریابی، ۹۲ درصد از کل تولیدکنندگان کشمش و به همین منوال، کالا را به‌وسیله کالا

---

1. Sapiro (1923), p. 82.

2. Sapiro (1923), p. 83



سازماندهی کردند، بدین ترتیب تعاونی‌های بازاریابی کالیفرنیا در آن زمان بیش از ۲۵۰ میلیون دلار در سال دادوستد داشتند. سایپرو اظهار داشت «نکته مهم در عملیاتی کردن هر انجمن تعاونی در کالیفرنیا»، عنوان نمودن دروغ‌ها در شکل حقیقی آن است که بر مبنای اندیشه محصول و کالای مصرفی به جای اندیشه محلی شدن است<sup>۱</sup>». راجدیل، برای سایپرو، در ابتدا به معنای یک سیستم تعاونی‌های کوچک محلی بود. آنچه که او از آن به عنوان یک بدیل و جایگزین برای راجدیل حمایت نمود «طرح کالا ... سازماندهی از نقطه نظر کالای مصرفی بود و نه از نقطه نظر محلی شدن»<sup>۲</sup>.

سایپرو قوانین بیشتری از جمله، فهرست خود از اصول تعاونی را برای سرمایه‌گذاری مشترک اجناس تنظیم کرد. این گونه انجمن‌های کالا و محصولات مصرفی می‌باید منحصراً از کشاورزان ترکیب شده باشند. «از این گذشته، انجمن باید تنها برای مقاصد تجاری باشد. این یک امر بنیادی است. هیچ‌گونه سیاستی در آن نباید باشد، هیچ چیزی بلکه تنها تجارت مستقیم از ابتدای شروع کار. ما اجازه انجام بحث نسبت به موضوعاتی که هیچ ارتباطی با مشکلات تجاری ندارد، نمی‌دهیم. ... انجمن‌های تعاونی به طور کامل متشکل از عواید شغلی هستند و دقیقاً مانند بانک سازماندهی شده‌اند». از قراردادهای بلندمدت برای تثبیت حداقل درصد ثابت از کل تولیدات تولیدکنندگان کالا و محصولات مصرفی مورد بحث استفاده شد، این امر برای مثال با کشمش، ۷۵ درصد بود. اما اگرچه قرار بود تشکیلات صددرصد تجاری باشد، و به طور مرتب شکل کار عملی داشته باشد و بر مبنای توافقات سفت و سخت ساختارمند گردد، این امر برای آن بود که به هیچ وجه سهم سرمایه وجود نداشته باشد. کشاورزان نیازی به پرداخت سرمایه برای

1. Sapiro (1923), p. 84.

2. Sapiro (1923), p. 85.

ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک کالا نداشتند. «انجمن بدون سرمایه ذخیره برای بازاریابی، یک انجمن مطلوب است. ساپیرو تشریح نمود، اگر یک ساختمان، انبار، یا کارخانه بسته‌بندی نیاز است، مهم نیست چقدر ارزان و یا گران می‌شود، ما تشکیلات یارانه‌ای را سازماندهی می‌کنیم». منطق ساپیرو این بود که انجمن بازاریابی نیاز به سرمایه ندارد، زیرا قرار نیست چیزی را نقدی یا با قیمت ثابت بخرد: آن نیاز به تأمین مالی یا حتی تسهیلات به‌شکلی که یک تعاونی مصرف انجام می‌دهد را نیز ندارد. اگر نیاز به سرمایه داشت، باید لزوماً به بانک مراجعه کند. به دلایل روشن، نیاز به پرداخت سود تشویقی نیز ندارد؛ آن تنها نیاز به برگشت میانگین قیمت بازار برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی است. در پایان، «برای فرد خارج از تعاونی هیچ کالایی حتی به ارزش یک ریال هم انجام نخواهد گرفت. آن به‌طور کامل و صددرصد یک تعاونی است. هیچ‌گونه احتکاری وجود ندارد»<sup>۲</sup>.

ارزش جستجو در اندیشه‌های ساپیرو در شرح و جزئیات آن است، زیرا او قوانین دقیقی را برای همکاری غیر راجدیل فهرست نمود، یا حداقل تعاونی که او و دیگر رهبران شرکت‌های زراعی معتقد بودند اساساً باید از راجدیل متفاوت باشد. ساپیرو در هر صورت، یک تجارت غیرانتفاعی با مالکیت اعضای مانند راجدیل را تشریح می‌کرد، خدمات‌دهی به نیازهای اقتصادی اعضای و مطلقاً نه خدمات‌دهی به

۱. (Sapiro, 1923, pp. 87-88) قبلاً، پیشنهاد اصلاحیه کلیتون (Clayton) اجازه انحصاری کردن را به قانون منع تشکیل اتحادیه‌های بزرگ شرم‌ن داده بود، کدام محصول قرار است سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشد، تنها اگر آنها غیر انتفاعی بودند و سرمایه ذخیره نداشتند. قانون کاپر والسیتید (The Capper Volstead Act) مثل یک استثناء برای کلیه انواع تعاونی‌ها گسترش یافت، اما ساپیرو به اندیشه خود در سازماندهی نمودن تعاونی بدون هیچ‌گونه سهم سرمایه پافشاری نمود.

۲. (Sapiro, 1923, p. 88)، ساپیرو در حقیقت نمونه خود را محدود به تعاونی‌های بازاریابی نکرد. او یکی از کسانی بود که رهبران شرکت‌های زراعی پیرری را به تشکیل و سازماندهی تعاونی‌های عمده‌فروشی، همچنین بر مبنای قرارداد مالکیت متمرکز تشویق می‌کرد.

غیر عضو. اگرچه او این نکته را عنوان نکرد (تنها به‌عنوان پیشگامان راجدیل در ۱۸۴۴، آن را بیان نکرد)، قرار بود تجارت به‌صورت دموکراتیک صورت گیرد. به‌طور مشخص در مدل سایپرو تصور این بود که سرمایه هیچ برگشت احتکاری نخواهد داشت، کل سرمایه قرار بود قرض گرفته شود؛ هیچگونه سرمایه‌ای هزینه نخواهد شد. همچنین اندیشه پخش مازاد در میان اعضاء را آشکار می‌سازد، چون سرمایه‌گذاری مشترک به هر عضو میانگین قیمت به‌دست آمده برای نوع و درجه کالایی است که عضو پخش‌نموده را خواهد پرداخت. هرچند درنهایت سایپرو فکر کرد این امر از «پرداخت سود تشویقی» کاملاً متفاوت است، آن نوع معادلی از قانون برای پخش مازاد به‌طور مساوی به اعضاء بود. همچنین امکان دارد کسی وسوسه شود قوانینی را برای درجه‌بندی کردن تولیدات شبیه به هم با افکار و اندیشه‌های راجدیل یعنی صداقت در وزن کردن و اندازه‌گیری یا کالاهای خالص و بدون مخلوط را بررسی کند؛ و تأکید سایپرو بر روی تجربه تجاری برابری و معادل با کین یا پیشگامان راجدیل بود. همانگونه که چه چیزی از راجدیل متفاوت بود، این سرمایه‌گذاری‌ها قرار بوده بزرگ، متمرکز، توسط مدیران کارشناس در بخش خصوصی و بدون سهم سرمایه باشند. همچنین هیچگونه ذکر از آموزش، اهداف اجتماعی، دادوستد نقدی، و دیگر اندیشه‌های مرتبط با راجدیل وجود ندارد. بر مبنای تعادل، شاید کسی نخواهد سایپرو را به‌عنوان یک نظریه‌پرداز اصلی تعاونی، کسی که مدل کاملاً جدیدی از تعاون را توسعه داد، عنوان کند. در هر حال، او کسی بود که قوانین را برای یک رویکرد تعاون و همکاری که واقعاً مطلوب کشاورزان آمریکای شمالی بود، به‌تفصیل بیان کرد.

و چگونه حمل کالاها و محصولات مصرفی متمرکز شده کشاورزان عملی است؟ اخیراً در یک ارزیابی نشان داده شد که اندیشه‌های

او به‌تنهایی «خلاصه‌ای از محبوبیت زیاد مردمی در دهه ۱۹۲۰ را به‌همراه داشت». اندیشه‌های او پیرامون بازاریابی کالا و محصولات مصرفی متمرکز شده، سهم بازار، درجه‌بندی کالاها، و بازاریابی از طریق نظرسنجی مصرف‌کننده بود. اما «او مشکلات در سازماندهی حجم زیاد غله را اشتباه قضاوت کرد و شاید نیروهای اجتماعی و اقتصادی در پشت اهداف چندمنظوره مبتنی بر جغرافیای تعاونی‌ها را درک نکرد.... و عاقبت مدل او در بیشتر مناطق ایالات متحده آمریکا بدون استفاده ماند».

در کانادا، سرمایه‌گذاری روی کالاهای مصرفی متعددی صورت می‌گرفت، که بزرگترین آنها سه سرمایه‌گذاری گندم بود که در سال‌های ۲۴ - ۱۹۲۳، تحت تأثیر مستقیم نفوذ ساپیرو تأسیس شد. این موارد در یک حرکت سازماندهی شده عظیم همراه با مبارزات توده‌های اجتماعی در راضی نمودن کشاورزان برای امضای قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، ایجاد گردیدند. شاخص‌ترین آن در ساسکچوان بود، که احساس می‌شد در ۱۹۲۳ به میزان زمین مورد هدف خود دست نیافته، اما در ۱۹۲۴ با کمک هزاران داوطلب و حتی اعلان تعطیل عمومی برای روز امضای قرارداد سرمایه‌گذاری به آن دست یابند. تمام این سرمایه‌گذاری‌ها موفقیت‌های تجاری آنی داشتند. آنها برای تشکیل یک دفتر مرکزی فروش مشترک به‌هم پیوسته و غلات تولیدی کشاورزان را به‌طور مستقیم به بازارهای جهانی می‌فروختند، بخشی از آن به‌خاطر کوتاه کردن دست واسطه‌ها و مبادلات کالاها بود. کشاورزان با میانگین قیمت که ریسک فردی را کاهش می‌داد، خشنود بودند؛ این امر با یک سیستم ابتدایی، به‌طور موقت و پرداخت‌های پایانی برای غلاتشان صورت می‌گرفت. علاوه بر آن، قیمت گندم که

۱. اولین سؤال از مقدمه نویسنده در ۱۹۹۳ به ساپیرو (۱۹۲۳)، صفحه ۸۱؛ دومین اشاره از حمایت تفسیری توسط Ginder, 1993, pp (۱۰۱-۱۰۲) است.

به‌واسطه کسادی اوایل دهه ۱۹۲۰ قدری افزایش یافته بود را جبران نمود. سرمایه‌گذاری‌ها با ایجاد سیلوهایی در بنادر و با سیستم‌های خرید زود هنگام تعاونی سیلودارها در داخل منطقه یا با خرید توسط خود آنها گسترش یافتند. برای مدت ۶ سال، تعاونی سرمایه‌گذاری گندم به نظر می‌رسید موفقیتی سریع داشته باشد، و آن ۶ سال میراثی ماندگار در ساختار اقتصاد کشاورزی کانادا بود.

طی مدت این سال‌ها بود که این سؤال پیش آمد که آیا اتحاد جهانی، تعاونی سرمایه‌گذاری‌های گندم را به‌عنوان تعاونی‌های اصلی خواهد پذیرفت، یا این که آنها را صرفاً به‌عنوان شرکت‌های بزرگ تولیدکننده متکی به منافع خود انتخاب خواهد کرد. آخرین احتمال جداسدن بود، آشنا کردن مصرف‌کننده از نهضت بین‌المللی از ۱۹۱۰ تاکنون. در هر صورت، سرمایه‌گذاران گندم به‌خاطر ناپختگی و خام‌بودن توسط نهضت تعاونی مصرف در داخل کانادا کمک شدند، این امر توسط اتحادیه تعاونی و جورج کین، فردی که بر اصل ماهیت تعاونی سرمایه‌گذاران اعتبار و بهاء قائل بود، هدایت شد. کین آنها را به‌رغم مشغله‌های فراوان خود در مورد طرح‌های اجرا شده توسط نهضت سازمان زراعی حمایت کرد؛ حتی با وجود پیشنهادهای جاری در ۱۹۲۸ در به‌دست آوردن قانون دولت که سرمایه‌گذاری برای کلیه تولیدکنندگان را اجباری می‌ساخت، ایستادگی کرد. این امر نکته مهمی را پیرامون نگرش افرادی مانند کین نسبت به اصول تعاونی به‌وجود می‌آورد: آنها از این که شکل مطلوب تعاون چه بوده، اندیشه شفافی داشتند، اما با این وجود مواردی با مطلوبیت کمتر را نیز پذیرفتند. آنها اصول مستحکمی را داشتند، اما کاربرد آن طاقت‌فرسا بود: سؤال در مورد اداره تعاون بر سر این نیست که چه چیزی بود و یا چه چیزی نبود، بلکه از شناسایی بزرگتر یا کوچکتر بودن تعاون بود.<sup>۱</sup>

هرچند امکان دارد هنوز برخی شک و تردیدها نسبت به همکاری و تعاون تولیدکنندگان وجود داشته باشد، اما درنهایت سرمایه‌گذاران و اتحادیه تعاونی جهانی به یک درک و فهمی در مورد آن رسیده‌اند. سرمایه‌گذاران حق عضویت را به اجرا درآورده و دریافته‌اند، که یک گام مهم در ایجاد پلی بین شکاف تعاون مصرف‌کنندگان و تعاون تولیدکنندگان هم در درون کانادا و هم در سطح بین‌المللی<sup>۱</sup> وجود دارد. اما گذشته از موفقیت تقریباً شگفت‌انگیز اولیه سرمایه‌گذاران، کسادی، آنها را نابود ساخت. در سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰، قیمت گندم به زیر سقف پرداخت‌های موقتی که سرمایه‌گذاران هم‌اکنون به کشاورزان پرداخت کرده بودند، سقوط کرد. سرمایه‌گذاران با بدهی‌ها تنها گذاشته شدند و صرفاً به واسطه موجودی‌ها با ارزش روبه‌کاهش و چیزهایی که آنها نتوانسته بودند بفروشند، روی پای خود ایستادند. با آمدن سال ۱۹۳۱ اساساً سرمایه‌گذاران ورشکست شده بودند، و با ضمانت وام‌های دولتی آزاد گردیدند، که درنهایت نیز، بدون اینکه آنها ممنوع‌الخروج شوند، مجبور به پرداخت آن بودند. سرمایه‌گذاران به‌عنوان تعاونی‌ها با دیگر کارکردهای اقتصادی خود نجات یافتند، اما در حقیقت خود تعاونی سرمایه‌گذاری مرده بود و تجدید حیات نیافت، در عوض، دولت‌ها خود سازماندهی سرمایه‌گذاری کالاها را به‌عهده گرفتند، قوانین اجباری هیأت‌های بازاریابی را در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ به‌عنوان کلید قانونی برای پایین نگاه داشتن کشاورزی کانادا که تا به امروز هم باقی است، وضع کردند. تعاون‌گران می‌توانند به‌طور مشروع یا قانونی مطالبه کنند که تشکیلات سرمایه‌گذاران گندم را در دهه ۱۹۲۰ منجر به عواید سرشاری کند یا با ایجاد آنچه که

۱. در شناخت سرمایه‌گذاری‌های گندم منبع (Watkins, 1970, pp. 165-66). فردی که کین را «یکی از پیشگامان تاریخی» نامید و اشاره نمود که کمک داده شده توسط اتحادیه بین‌الملل تعاونی در حقیقت کمک به توسعه اتحادیه تعاونی کانادا بود. یک چنین قانون اولیه‌ای از کمک در تاریخ اتحادیه بین‌الملل تعاون.

هنوز امروز جزء برخی از تعاونی‌های کانادا و بزرگترین تعاونی‌های جهان هستند، تحت عنوان ایجاد هیأت‌های بازاریابی بنا نهند. اما آیا سرمایه‌گذاری گندم جایگزینی موفقیت‌آمیز برای مدل راجدیل بود؟

ظاهراً سرمایه‌گذاری به سبک سایپرو، موفقیتی کوتاه‌مدت اما زمین‌خوردن سنگینی را در درازمدت به همراه داشت. مانند عمده‌فروشی‌های بزرگ متمرکز کشاورزان، سرمایه‌گذاران محصولات در موقع فراهم بودن فرصت‌های مناسب، خوب عمل کردند، اما هنگام بروز شرایط ناگوار متلاشی شدند. گرچه اساساً بدترین بحران‌های اقتصادی قرن به وقوع پیوست که آنها را به‌طور کامل از صحنه روزگار محو کرد.

جنبه‌های دقیق براساس آنچه که مدل سایپرو بیشترین کجروی را از تعاونی به اندازه راجدیل داشت، مرکزیت، فقدان سهم سرمایه، عدم پرداخت‌های عقب افتاده به اعضاء بود تا کلیه هزینه‌ها شناخته شوند و به نظر برسد که به سرمایه‌گذاران آسیب‌دیده گندم مساعدت شده است. اما آنها تبدیل به سرمایه‌نشدند، بدهی‌های بزرگی داشتند و به‌خاطر تخصص خاص در یک کالا (گندم) در یک منطقه بزرگ متمرکز شدند، هیچگونه ریسک (خطر) محدودشده‌ای وجود نداشت، هنگامی که آژانس مرکزی فروش یک کالای مصرفی ورشکست می‌شد، چیز دیگری باقی نمی‌ماند. زیرا، همه تخم مرغ‌ها (به اصطلاح) داخل یک سبد بودند. اگر قرار باشد قراردادهای تجاری منجر به حذف هیأت‌های بازاریابی تحت ضمانت دولت گردد، شاید لازم باشد کشاورزان یک روزی قرارداد داوطلبانه سرمایه‌گذاری را مجدداً بازبینی کنند. اگر این چنین است، شاید آنها بتوانند راه‌هایی را که دربرگیرنده ریسک‌های بهتری باشد، پیداکنند تا اینکه برنامه‌ای را که سایپرو در ابتدا انجام داد، تکرار نمایند. هر رویدادی، با صعود و سقوط سرمایه‌گذاری خود نکاتی چند پیرامون اجرای عملی اصول راجدیل را بیان می‌کند. نخست آنکه، هرکس می‌تواند، ابتکار و اصلاح آنچه را که در هر زمان

یا در هر مکان فهمیده شده، با اصول راجدیل درک کند. نتیجه یک چنین تجربه‌ای هنوز ممکن است برای نهضت تعاونی قابل قبول باشد و می‌تواند بیش از یک تعاونی راجدیل یا کمتر از آن باشد، درحالی‌که هنوز هم یک تعاونی محسوب می‌گردد. دوم (درهرصورت)، هیچ ضمانتی وجود ندارد که این تجربه‌ها قابل دوام باشند. درک اصول راجدیل از طریق آزمون و خطا شکل می‌گیرد: و آن «رویکرد راجدیل» است. اگرچه امکان دارد یک چیز با مختصر تفاوتی در معنا، حتی در میان تعاون‌گران تحصیل کرده و آگاه عنوان گردد، چیزی را باقی‌گذارد که قابلیت دوام و زنده بودن خود را هم در بهترین زمان‌ها و هم در بدترین آن، ثابت کرده باشد.

بدترین دوران، همان‌گونه که پایان یافت، چیزی بود که پیروزی راجدیل را در آمریکای شمالی یک‌بار و برای همیشه به‌همراه داشت. قبل از ۱۹۲۹، پیدا کردن اختلاف عقیده رهبران شرکت‌های زراعی از آنچه آنها باید از اصول راجدیل درک می‌کردند، سخت نبود. بعد از ۱۹۳۹، به‌سختی تعاون‌گری وجود داشت که در مقابل عقب‌ماندگی‌ها خم نشده و اعتراف به اشتیاق برای راجدیل را نداشته باشد و آن دهه‌ای از کساد بود که راجدیل را به‌عنوان نماد انحصاری آنچه تعاون معنی می‌دهد، یکپارچه ساخت.

### کساد بزرگ و پیروزی مدل راجدیل

قطعاً کساد دهه ۱۹۳۰ بر نگرش کشاورزی کانادا نسبت به تعاونی‌ها تأثیرگذار بود. شکست کامل قیمت کالاها بدین معنی بود که تولیدکنندگان اولیه (نه تنها کشاورزان بلکه همچنین ماهی‌گیران و گردانندگان تولید چوب نیز مدنظر بودند) بیش از این نمی‌توانستند امیدی برای باز پرداخت‌های منصفانه و نه اعمال هرگونه تأثیرگذاری بر روی بازارها داشته باشند. این امر به چندین دهه شیفتگی و جذابیت



با مقیاس بزرگ بازاریابی تعاونی پایان داد و مردم روستایی را بیشتر متمایل به بررسی راه‌حل‌ها در مقیاس کوچک و تشکیلات تعاونی مصرف نمود. همچنین آنها تا حدود زیادی مایوس‌تر شده بودند. حق برگشت تعاونی‌ها به راجدیل، جوششی از نیاز را در هنگامی که کسی برای ارتقاء و سازماندهی آنها وجود داشت، به‌وجود آورد. هیچ‌گاه نیاز از دهه ۱۹۳۰ بزرگ‌تر نبود و دهه‌هایی از بسیج نمودن کشاورزی در شکل شبکه‌ای از مؤسسه‌های تعاونی، اندیشه‌ها و آموزشگران را به‌وجود آورد. به‌عنوان نتیجه، با وجودی که تعاونی‌های بازاریابی از موجودیت خود دست‌نکشیده بودند، تعاونی‌های مصرف و اعتباری به‌خود آمده و در دهه ۱۹۴۰ نهضت تعاونی‌کانادایی را تبدیل به یک نهضت با چیزی بیشتر شبیه به تعادل منطقه‌ای و بخشی، مبدل ساختند که هنوز امروزه به‌دست می‌آیند. این تغییرات همچنین نهضتی را با جداسازی دیدگاه اجتماعی و درک جدیدی از اصول راجدیل به‌وجود آورد. تشکیلات خود را با گرایش بازاریابی قدیمی‌تر خودشان بازاریابی کرده و ساختن نهضت تعاونی شرکای کلیدی جدید را تشکیل دادند.

همه سرمایه‌گذاری‌ها، به جز سرمایه‌گذاری گندم ساسکچوان به‌ویژه، محدوده خود را حتی نسبت به جنبه‌های محدودشده مالی، وسعت بخشیدند. به‌رغم دستور و وصیت ساپیرو که اعتقاد داشت می‌باید تنها بر روی سؤال‌های تجاری تمرکز کرد، سرمایه‌گذار ساسکچوان وقت توان فراوانی را به سیاست زراعی، آموزش، و توسعه تعاونی صرف کرد، حتی هنگامی که در چالش با بازپرداخت بدهی و اداره یک سیستم سیلو در رکود و انحطاط بود این کار را انجام داد. جایی که اتحادیه کشاورزان تحت شرایط رکود و کساد شکست خورده بودند، سرمایه‌گذاران به‌عنوان بزرگترین تشکیلات زراعی در سطح استان به‌تدریج ظاهر شدند. تشکیلات سیاسی و آموزشی در محلی که اتحادیه کشاورزان رها کرده بودند، استقرار یافت. کارمند

میدانی سرمایه‌گذار به‌عنوان مروج، بیشتر وقت خود را وقف آموزش کلی تعاونی و تغییر جامعه نمود. عاملان میدانی رهبران اجتماع و افراد روستایی را جستجو کرد و برای تشکیل تعاونی‌های خرده‌فروشی جدید و اتحادیه‌های اعتباری در نیمه‌های رکود و کساد، گردهم آوردند، که براساس موافقت‌نامه‌ای در ۱۹۳۲، با تعاونی عمده‌فروشی رسمیت یافت. تعاونی سرمایه‌گذاری استقرار پیدا کرد و شروع به خرید در نقاط تحویل کالاها نمود. سرمایه‌گذاران سیلو و عاملان آنان در بسیاری از آن نقاط، مرکزیتی را برای تحولات متعدد، تعاونی‌های تولید محلی مستقل و فروشگاه‌های خرده‌فروشی تشکیل دادند. تعاونی‌های خرده‌فروشی، به‌نوبت، در ایجاد اتحادیه‌های اعتباری بعد از معرفی آنان در ۱۹۳۷ کمک شدند و خیلی زود تقریباً هر شهر در ساسکچوان تعاونی محلی و مجموعه اعتباری خود را همراه با سرمایه‌گذاری در سیلو دارا بود<sup>۱</sup>. به‌دور از تباهی و نابودی، سرمایه‌گذاری ۱۹۳۱ به یکی از پیشروترین، متعهدترین و مؤثرترین تعاونی‌های کشور تبدیل شدند. سرمایه‌گذاری جدید گندم ساسکچوان مهم‌ترین حرکت از یک تعاونی جدید بود که به آموزش و توسعه جامعه محلی اختصاص یافت.

در کبک<sup>۲</sup>، نیز در دههٔ ۱۹۳۰ بذره‌های اولیه تعاون، در جنبشی کاملاً محلی رشد نمود. ایدئولوژی جدیدی در میان روحانیان کاتولیک و آموزشگران ظاهر شد. اتحادیه بهره‌برداران کاتولیک برای آزادسازی تعاونی‌ها از زیر کنترل دولت با موفقیت پیروز شدند و به مطالعه و سازماندهی محیط‌هایی پرداختند که افراد محلی را در به‌دست‌گیری اداره تعاونی برمی‌انگیخت. موارد مردمی بیش از چهار بار از ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۵ تکرار شد و شروع به خروج دسته‌جمعی در منطقه و فدراسیون‌های استانی و مراکز مربوط به آن نمودند. از ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۸

1. G. Fairbairn (1984), pp. 120-121; B. Fairbairn (1989), pp. 60off

2. Quebec

تعداد تعاونی‌های زراعی به بیش از سه برابر افزایش یافت. تعاونی‌های ماهی‌گیری تجدید حیات پیدا کرد و تعاونی‌های جنگل‌داری فعالیت خود را آغاز نمودند. یک نهضت تعاونی مصرف با ۱۰۰ تعاونی جدید مصرف بین سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۴۲ شروع شد.<sup>۱</sup>

حتی در آنتاریو<sup>۲</sup> برخی احیاء‌گری‌ها صورت گرفت. همان‌گونه که رکود و کساد بدتر می‌شد، توصیه‌های اصلاحی در سازمان‌هایی مانند اتحادیه کشاورزان متحد آنتاریو رشد قوی‌تری پیدا کرد. در ۱۹۳۱ اتحادیه کشاورزان آنتاریو شروع به سازماندهی «مدارس تعاونی» برای تعلیم و تربیت کشاورزان پیرامون نهضت گسترده‌تر تعاونی نمودند. کشاورزان متحد آنتاریو به‌طور روز افزونی علاقه‌مند به ارتقاء توسعه تعاونی‌های جدید براساس کارکرد محلی و آموزش، استقلال یافتند. در اواخر دهه ۱۹۳۰ اتحادیه کشاورزان آنتاریو مطالعه باشگاه‌های محلی را سازماندهی کردند و رهبران آنها در ایجاد برنامه مشهور گردهمایی رادیویی زراعی مشارکت نمودند. عامل اصلاح تعاونی اتحادیه کشاورزان خودش به‌واسطه سخنرانان جذابی مانند آگنس مک فایل<sup>۳</sup> تحت تأثیر قرار گرفت، فردی که قدری تحت تأثیر بحث‌های مخالفان (برای مثال) در حمایت از تبدیل تعاونی به یک شرکت سهامی معمولی مورد ممانعت قرار گرفته بود. با وجود این، تجدید حیات و جوانی تعاونی آنتاریو شروع شده بود و حتی، دسته‌هایی از تعاونی‌های جدید تشکیل شدند.<sup>۴</sup>

درعین‌حال، نهضت‌های جدید تعاونی وجود داشتند که در

---

1. Dechene (1981), pp. 8-17

2. Ontario

3. Agnes Macphail

4. MacPherson (1979), pp. 40-137

ماریتیمس<sup>۱</sup>، اداره ترویج در دانشگاه سنت فرانسیس زیگفر<sup>۲</sup>، با قدرت شخصیت‌هایی از قبیل پدر روحانی جیمی تامپکینز<sup>۳</sup> و پدر روحانی موسی کودی<sup>۴</sup> پیش برده شد و آن‌ها الهام‌بخش چیزی بودند که به نام جنبش آنتی‌گونیش<sup>۵</sup> شناخته شد. جنبش مشهور جهانی که برای تغییر اجتماعی از طریق تعلیم و تربیت (آموزش) سازماندهی شده بود. تامپکینز و کودی مردم را در اجتماعات زراعی و ماهی‌گیری برای تشکیل تعاونی‌ها برانگیختند و بالاتر از همه اتحادیه‌های اعتباری را بر روی توسعه اقتصاد جامعه متمرکز نمودند.<sup>۶</sup>

همان‌گونه که نهضت آنتی‌گونیش به اوج خود رسید، چیزی که جنبش‌های تعاونی دهه ۱۹۳۰ در خود مشترک داشتند، تأکید بر روی آموزش مدارس، مدارس مردمی، مؤسسه‌های آموزشی، کارشناسان ترویج، روزنامه‌نگاران، حلقه‌های مطالعاتی و نگاه گسترده و بسط اجتماعی به برنامه عملی محلی در مقیاس کوچک بود. درحقیقت، این امر منجر به کشف مجدد برخی جنبه‌های سنت راجدیل شد که تا آن زمان در نهضت کانادا مورد تأکید فراوان بود. این تجربه تقریباً برای جوامع تعاونی‌ها لازم بود و در نیمه‌های نومییدی، قدردان کلیه جنبه‌های نهضت راجدیل گردیدند.

«بهترین کار برای انجام آن به وسیله تعاون‌گران اصلی و هوشمند»، مثل توصیه جورج کین در ۱۹۳۲، به یک دوست در میانه بدترین بخش از رکود و کساد، این بود که «آیا تداوم آموزش فلسفه حقیقی و اصول نهضت است... اگر این سیاست دنبال شده است، جوامع

1. Maritimes

2. St. Francis Xavier University

3. Jimmy Tompkins

4. Moses Coady

5. Antigonish movement

6. MacPherson (1979), pp. 130off

اصلی تعاونی به موجودیت خود در ایجاد و ارائه خدمات در حال بهبود در زمانی‌هایی که با محدودیت‌های غیرموزون و غیر معقول روبه‌رو هستند، ادامه خواهند داد.<sup>۱</sup> کین این خط را از ۱۹۰۹ توصیه نمود، اما تعاون‌گران بیشتری در سال‌های پس از ۱۹۲۹ به آن گوش فرا دادند.

این امر بدین معنی نیست که تلاش آموزشی دهه ۱۹۳۰، خصوصاً با توجه به اصول تعاونی، بی‌عیب و نقص بوده است. جک ترونا<sup>۲</sup>، آموزشگر تعاونی در اواخر دهه ۱۹۳۰، به تحسین از نهضت مصرف پرداخت و یادآوری کرد که «تعلیم و آموزش» اغلب برای سخنرانی خسته‌کننده توسط به‌اصطلاح متخصص پیرامون اصول تعاونی در نظر گرفته شده است. استاندارد چنین صحبتی‌هایی بالا یا استوار نبود و یا هیچ‌گونه مرجع نوشتاری در خصوص آن وجود نداشت و موجب سردرگمی فراوانی در این زمینه شده بود. ترونا یادآوری کرد که متخصصان آن زمان حتی نتوانستند بر تعدادی از اصول راجدیل که وجود داشت، موافقت کنند: «ما یک هفته به یکی از آنها گوش کردیم تا به ما بگویند اصول تعاونی هفت اصل بودند، و او آنها را فهرست خواهد نمود. اما هفته بعد، سخنران به ما اظهار داشت تنها چهار اصل بودند... و از او سؤال کردیم که تفاوت چه بوده است، و او گفت، بقیه دیگر اصول نیستند، آنها صرفاً قوانین‌اند»<sup>۳</sup>. چنین سردرگمی را در این اصول باید به‌خاطر آورد، ترونا ترجیح داد آموزش تعاونی آن زمان را این طور تعبیر کند «کوری عصاکش کور دگر باشد»<sup>۴</sup>. چند سال بعد با رشد مداوم و سریع نهضت، اوضاع بدتر شد و گفته‌های بسیاری به‌عنوان اصل هشتم یعنی «گسترشی مداوم» افزوده شد و قرار شد

1. Keen to Halsall, 17 May 1932, in Public Archives of Canada, Cooperative Union of Canada papers, volume 156 (Societies Correspondence 1932 E-O), "Killam Dist. Co-op. Assn. Ltd"

2. Jack Trevena

۳. B. Fairbairn (1989), pp. 85-86. (منتج از مصاحبه اخذ شده به‌وسیله نویسنده)

4. The near-blind leading the blind

به‌عنوان یک فلسفه راهنما نگاه داشته شود که تعاونی باید بدون التزام گسترش یابد، تا درنهایت کلیه جامعه تغییر شکل پیدا کند.<sup>۱</sup> هرکس می‌تواند پشتوانه‌ای برای این‌گونه اندیشه‌های پیشگامان پیدا کند، اما «توسعه مداوم» هرگز در هیچ‌یک از فهرست‌های رسمی موجود نبوده است.

چنین صحنه‌هایی نشان می‌دهد چگونه مناظره‌های سردرگم پیرامون اصول تعاونی برای تعاون‌گرانی که پاسخ شفافی برای یک سؤال ساده می‌خواستند وجود داشته است و یا شاید آنچه آنها نشان می‌دهند تا چه اندازه بی‌حاصل و دارای تأثیر منفی است. این امر تلاش متخصصان در پایین آوردن تعاون به فهرستی آمرانه از روش‌های عینی است. در هر صورت، نقایص هرچه که هست، تلاش آموزشی تعاون‌گران کانادایی در دوران کساد بود که به‌طور واقعی یک نهضت ملی را پایه‌گذاری کنند و درنهایت راجدیل حقیقی را برای هزاران یا میلیون‌ها نفر از افراد به‌وجود آورد.

این تغییر گرایش در میان راهنمای نوشته‌ها و سخنرانی‌های تعاونی‌های زراعی دهه ۱۹۴۰ مشهود است. اوایل دوران یک‌صدمین سالگرد راجدیل، تعاونی‌ها در ساختن دستورالعملی نوین برای جامعه و اقتصاد، پس از جنگ جهانی دوم نگاهی به جلو دارند. سرمایه‌گذار آلبرتایی اظهار داشت وظیفه تعاونی‌ها در کانادا «ساختن یک جامعه مدنی» خواهد بود.

برای توسعه یک جامعه مدنی غربی دارای نام با ارزش در کانادا، ما باید از خانه زارع شروع کنیم و اطراف آن را بسازیم و از آن زندگی، ضرورت‌ها و مطلوبیت‌هایش را بیرون بکشیم، تمدن و مدنیته که

۱. ادامه گسترش، ظاهراً در بسیاری از فهرست‌های اصول تعاونی از سال‌های ۱۹۳۰ و سال‌های ۱۹۴۰ آورده شده‌اند. برای نمونه، در ضمیمه به منبع شماره ۱۲۵ توجه شود.

ما می‌توانیم به آن افتخار کنیم و در میان ملل دیگر ما را محترم خواهد ساخت.  
سرمایه‌گذاران گندم کانادا اعتقاد دارند این امر می‌تواند به بهترین وجه از طریق توسعه تعاون صورت گیرد. همان‌گونه که جمعیت زارع می‌آموزند چگونه در فعالیت تعاونی با هم کار کنند، روح استقلال طلبی و اتکای به خود را توسعه دهند که هیچگاه به‌وسیله نمایندگی مشاغل آنها در بخش‌های خصوصی نمی‌توانند به‌دست آیند.<sup>۱</sup>

جنبه آرمان‌گرایی و توسعه انسانی راجدیل، محفلی را برای نهضت زراعی به‌وجود آورد. به‌همین ترتیب تدریج‌گرایی<sup>۲</sup> راجدیل نیز وجود داشت: ریاست فدراسیون کشاورزی آلبرتا تعاون‌گران را تشویق کرد، «بیایید تلاش‌هایمان را منحصراً بر روی مشاغل کوچکی که هم اکنون به‌طور واقعی در اختیار ما قرار دارد، متمرکز کنیم ... پیش از این که به نتیجه برسیم که می‌باید سعی و تلاش در انجام کاری خارق‌العاده را صورت داد. بیایید اجازه دهیم چراغ‌های کوچکمان را حفظ کنیم تا به‌روشنی بسوزند و به اندازه کافی برای آنها نفت تهیه کنیم، تا این که منتظر برآمدن ماه بمانیم»<sup>۳</sup>. خلاصه‌سازی مشاغل و فلسفه دهه ۱۹۴۰ به‌خوبی توسط یکی از مدیران سرمایه‌گذاری این‌گونه بیان گردید:

شغل تعاونی به‌تنهایی، نه مهم است که چقدر موفق باشد، نه می‌تواند و نه قادر است روح تعاونی را به‌وجود بیاورد، و بدون آن روح نیز نمی‌تواند

1. Advertisement by Alberta Pool Elevators in Co-op News (Alberta) 16, 10 (October 1942). P. 14

2. Gradualism

3. Lew Hutchinson, in Alberta Co-operative Leaders, (Alberta Livestock Co-operative: c. 1946)

خلاصه‌ای از مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات. این امر می‌تواند در آرشيو خصوصی آلبرتا پیدا شود ۸۶/۳۰۷ (Alberta Institute of Co-operation)

پیشرفت کند. بدون آن انگیزه در القاء نمودن و تعیین کردن کارکردها و اندیشیدن اعضای آن، شباهت های تعاونی تنها به مشاغل خصوصی که صرفاً برای منفعت تأسیس و اداره شده خواهد ماند. اما جوهره و روح تعاونی است که آن را مبدل به یک قدرت اقتصادی و اجتماعی در میان جامعه خودش کرده است. آن سرچشمه اصلی عدالت و پیمان تمام جامعه خواهد بود.<sup>۱</sup>

رهبران زراعی وابستگی و معنا را در مدل راجدیل پیدا کردند، پس از همه اینها، و آنچه که آنها از راجدیل گرفتند «روحی» بود که فراتر از هر قانون یا آیین نامه ها وجود داشت.<sup>۲</sup>

## نتیجه گیری

معنای راجدیل در برخی موارد طی سال ها، به طور جدی تغییر پیدا کرده است. برای حدود ۶۶ سال (۱۸۴۴ - ۱۹۱۰)، تصور می شد اصول راجدیل به معنای سهمین شدن در سود و شریک کردن کارکنان بود. اما اکنون برای ۸۴ سال (۱۹۱۰ - ۱۹۹۴) نشان داده شد آنها دارای چیزی متفاوت از صرفاً یک معنا می باشند. در یک زمان روش راجدیل یک اصطلاح محلی، رشد تدریجی و توسعه اجتماعی روایت می شد؛ اما تعاونی ها دارای فهرست های پذیرفته شده ای از اصول هستند که روی هیچ یک از این اندیشه ها، تأکید زیادی ندارند. در یک برهه زمانی

1. Ben S. Plumer, president of Alberta Pool, in Alberta Co-operative Leaders, p. 43.

۲. مقایسه هال (Hall) و واتکینز (Watkins) در سال ۱۹۳۷: «بنابراین، تفاوتی در ارتباط با قوانین وجود ندارد که بر اساس آن آنها به ثبت رسیده شده و جامعه تعاونی را از یک شرکت مشترک یا یک شراکت محروم سازد؛ تفاوتی وجود ندارد در ارتباط با محدودیت سود سهام، پرداخت سود سهام، قابل خروج از سرمایه، یا براساس قدرت انتخاب که به طور ضروری تشخیص های یک جامعه تعاونی از دیگر سازمان های تجاری است.»



تعاون‌گران اصول را کاملاً از ناخالصی‌ها<sup>۱</sup>، سنگینی صداقت و درستی و سنجش‌ها، و دادوستد نقدی میراث راچدیل، تصفیه کرده‌اند؛ اکنون ظاهراً آن اندیشه‌ها رفته‌اند و از طرف تشکیلات تعاونی نیز در مورد آنها مرثیه‌سرایی نشده است.<sup>۲</sup> تأثیر تعاونی‌های مصرف، بالا و پایین رفت. اصل بی‌طرف بودن سیاسی ظاهر شد و بخشی نیز عقب کشیدند. اصول جدیدی وجود دارند، همکاری در میان تعاونی‌ها، که شاید به‌زودی از دولت و مسئولیت اجتماعی استقلال یابند. اندیشه محدود نمودن تقاضاهای سرمایه، هنگامی که توسط هالیوک به‌صورت بنیادین بررسی شد، امکان دارد به‌کنار گذاشته شود. معنای راچدیل به‌طور مستمر برای تعقیب نیازها و چالش‌های موجود مجدداً تعریف شده است.

هرچند، ممکن است فردی تعریف مجددی از راچدیل داشته باشد، اما این امر بدین معنا نیست، که آن آرزوهای فردی است. آنچه که معنی می‌دهد روح راچدیل است، نه کاغذی از قوانین خاصی که مطرح‌ترین است:

دنیایی از تفاوت بین دانستن آن چیزی که حقیقت دارد و قادر بودن به دفاع از آن دانش در مقابل کسی که به ایستادگی کردن در برابر آن متقاعد شده، وجود دارد. ما اغلب در تلاش خود دچار خطا هستیم. اصول تعاونی نیز همان‌گونه‌اند. حقیقت تعاون در تجربه و عمل روابط عادلانه و برابری در درون یک تشکیلاتی که ما آن را تعاونی می‌نامیم نهفته است، نه در «اصول» که چیزی بیش از یک تلاش همراه با مکث در بیان صریح آن تجربه شده است. اصول به‌عنوان یک حقیقت ابدی قابل دفاع نیست و ما

---

1. Unadulterated

2. Unlamented

نباید در انجام آن تلاش کنیم. در پی‌گیری سنت راجدیل ما باید حس دوباره‌ای از زندگی تجربه‌شده از مردمی را کسب کنیم که در ایجاد شکلی از دموکراسی که هنوز هم در جامعه وجود ندارد تلاش کردند و کسی که به‌طور مداوم فعالیت آنان را در پرتو روشنایی تجربه‌شان مورد تجدید نظر قرار داد. کار آنها شکل‌دادن یک مفهوم واقعی از زندگی تعاونی نبود، بلکه آنها تلاش می‌کردند زندگی‌شان نمادی از یک زندگی تعاونی باشد. پیام آنها به ما انجام همان مفهوم است.<sup>۱</sup>

یکی از دلایل ماندگاری و تداوم تأثیر راجدیل آن است که آن یک دیدگاه جامع اجتماعی را به‌صورت عاقلانه، با احتیاط، و از نظر تجاری موفقیت‌آمیز در یک تشکیلات ارائه داد. پیشکسوتان دارای اندیشه‌ی روشنی از چگونگی کار تشکیلات خود و منفعت اعضای آن بودند، لیکن آنها همچنین راهبردی را برای ترویج نمودن تعاون، کارکردن باهم و با دیگر تعاونی‌ها، ساختن مراکز و اتحادیه‌ها، ارائه دادند. آنها افرادی بودند که دارای درک صحیح سیاسی از دموکراسی و اصلاح در کشوری را داشتند که به هر دوی آن نیازمند بود و با وجود این آنها همچنین محدودیت‌های درگیر شدن سیاسی و خودداری از بحث‌ها و جدال‌های غیرمولد را شاهد بودند. چیزی که در همه‌ی موارد وجه مشترک آنها بود آن است که آنها نماینده سؤال‌هایی از قبیل تعادل و ترکیبات اصولی بودند که جمع‌آوری آن در یک فهرست به‌شکل بسیار بغرنجی سخت‌اند.

فهرست‌های رسمی اصول تعاونی به‌طور وسیعی به‌منظور قضاوت

۱. بایرون هندرسون (Byron Handerson) از مرکز مطالعه تعاونی‌ها، پیشنهاد مناظره تفسیر اصول تعاونی را در این پارگراف بیان کرد. این نگاه در کانون توسعه مداوم تضاد نظریه مدرن تعاون است.

و داوری پیرامون آنچه که یک تعاونی مورد قبول است یا نیست یا به‌عنوان عضوی از اتحادیه بین‌المللی تعاونی به ارث گذارده شده است. چنین فهرست‌هایی لزوماً فهرستی از حداقل غیرقابل کاهش از جنبه‌های الزام‌آور تعاونی‌هاست. با وجود این، هنگام بیرون آوردن فهرست‌ها هنوز میل و گرایش بدون خطایی، برای تعاون‌گران در مطرح نمودن آنها وجود دارد، نه به‌عنوان یک فهرست حداقلی، بلکه به‌عنوان یک فهرست کافی یا مورد علاقه یا حد مطلوب در انجام راحت‌تر و فراموش کردن بخش‌های بزرگی از سنت تعاونی است. احتمالاً سال‌های ۱۹۳۷-۱۹۳۴ کمیته اتحادیه بین‌المللی تعاونی در یک مسیر صحیح از شناسایی برخی اصول قرار گرفت که از نظر اجرایی لازم بودند. یا شاید دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تمرین در متمرکز نمودن ارزش‌ها و اخلاقیات کمک خواهد کرد (گرچه هرکس می‌تواند امید داشته باشد تعاون‌گران تمایل به اختصاص برخی افکار و اندیشه‌ها به کلماتی مثل «برابری» واقعاً چه معنی می‌دهند، پیدا کنند). هر دوی اینها تلاش‌هایی هستند در معامله با تمایل فهرست‌ها<sup>۱</sup> در کاهش اندیشه‌های ضیافت‌مدارانه<sup>۲</sup> تعاونی به خُرد و ریزها. هیچ فهرست هنرمندانه‌ای برای خواندن و بازتاب آموزش که خود بهترین شیوه دستیابی به تفسیر دوباره سنت راجدیل باشد، جایگزین نخواهد شد.

رویکرد راجدیل، با تمام نوساناتی که ممکن است در درک و فهم وجود داشته باشد، تنها رهیافت ممکن برای تعاون نیست. برای اجتماعات راه‌های زیادی در کار با یکدیگر وجود دارند و به نظر می‌رسد گاهی اوقات قوانین راجدیل می‌توانند در این مسیر قرار گیرند. برای مثال، در قرن بیستم، هم تولیدکنندگان کشاورزی و هم صاحبان

---

1. Lists

2. Rich banquet

کارگری، احساس کردند به واسطه قوانین مصرف‌کننده، مدار اتحادیه بین‌المللی تعاونی (ICA) کنار گذاشته شده‌اند و باید شکایاتی را تهیه کنند که برخی از اصول مسلم وابسته که از نظر جهانی لازم‌الاجرا بودند در اشکال تعاون آنان به کار گرفته نشده‌اند. در موارد مشخصی احتمالاً آنها صحیح بودند: یکی از آنها می‌تواند تعاونی‌های زراعی و دادوستد نقدی، یا تعاونی‌های کارگری و اندیشه‌های عضویت اختیاری (آزاد) و پرداخت سود تشویقی باشند. اما تفکیک این مشکلات به معنای رها کردن قربانی به مرگ تدریجی به قیمت از دست دادن جنگل برای باقی ماندن روی یک درخت است. جوهره و روح ورای این‌گونه قوانین مهم‌تر از سند و نوشته‌ها است. تحمل و تکثرگرایی برای کاربرد آنها لازم هستند. یک تعاونی هنوز هم یک تعاونی است، حتی اگر در پیمان و اعتقاد خوب آن از یک چنین الزامی فاصله گرفته باشد. هنگامی که قرار است آن وقفه‌ها یک تعاونی بشود، موضوع روح و میزان آن مطرح می‌شود.

تغییرات را هرگونه می‌توان معرفی کرد، الگوی کلاسیک راجدیل در طول زمان مورد آزمون قرار گرفت و لیاقت و شایستگی خود را در سخت‌ترین شرایط به اثبات رساند. استقلال محلی، توسعه اعضا از طریق دموکراسی و آموزش، توسعه تعاونی بر مبنای منابع اعضا و برای رسیدن به نیازهای خودشان، خودجوش بودن مردمی به جای تشکیلات بر مبنای سرمایه‌گذاری، خدمت بدون احتکار و سفته‌بازی، رهبریت محلی و اجتماع، همگی این‌ها برخی از جنبه‌های کلاسیک تعاون راجدیل‌اند، که می‌توانند و یا نمی‌توانند در اصول تعاونی خاصی بازتاب داشته باشند، اما همه آنها بخش‌هایی از یک رویکرد هستند که سرزنده بودن خود را در محیط‌های گسترده‌تر و مختلف در اطراف جهان به اثبات رسانده‌اند. آن مدلی نیست که باید به یک سبک و از روی بی‌علاقگی، در حمایت از دیگرانی که به‌خوبی تأیید نشده‌اند،

کنار گذاشته شود. البته اصول می‌توانند تطبیق داده شوند؛ یا شاید تعاونی‌ها مجبور به تلاش سخت‌تر در کاربرد آنها باشند. بعد از ۱۵۰ سال راجدیل هنوز به‌عنوان یک رؤیای آرمانی، باقی مانده که تنها به‌طور ناقص در جهان واقعی موفق بوده است. اما اعلام بیعت با راجدیل ثابت کرد که هنوز برخی از نشانه‌های زندگی در آن وجود دارد.

حلقه نامطبوعی از مصون‌بودن فرض و گمان در صحبت از درست و غلط‌بودن تعاونی وجود دارد. تعاون و همکاری یک امر قطعی و صریح است و همیشه می‌توان در مورد آن صحبت کرد ... تعاون شکل جامعی از عمل صنعتی است که دربرگیرنده مشارکت در عواید کلیه کسانی است که به هر شکلی در تولید آن مرتبط هستند، تعاون کامل است ... تعاون برابری در تجارت است. آیا یک جامعه در حال دادوستد تعاونی است یا خیر؟ چیزی به نام تعاون و همکاری غلط وجود ندارد. تعاون یا کامل است یا ناقص. هیچ چیز دیگری ارزش بررسی کردن در این زمینه را نخواهد داشت.

جورج جاکوب هالیوک (۱۸۷۹)، صفحه ۸۱



## • بیوگرافی کارهایی که ذکر شده (به زبان اصلی)

---

### Bibliography of Works Cited

Backstrom, Philip N., 1974

Christian Socialism and Co-operation in Victorian England: Edward Vansittart Neale and the Co-operative Movement, London: Croom Helm.

Bonner, Arnold, 1961

British Co-operation: The History, Principles, and Organisation of the British Co-operative Movement, Manchester: Co-operative Union.

Böök, Sven Åke, 1992

Co-operative Values in a Changing World: Report to the ICA Congress, Tokyo, October 1992, ed. Margaret Prickett and Mary Treacy, Geneva: International Co-operative Alliance.

Cole, G.D.H., 1944

A Century of Co-operation, London: George Allen & Unwin.

Dechêne, Claire Minguy, 1981

Histoire du mouvement coopératif au Québec, Québec: Direction des associations coopératives, Gouvernement du Québec.

Earle, John, 1986

The Italian Cooperative Movement: A Portrait of the Lega Nazionale delle Cooperative e Mutue, London: Allen & Unwin.

Fairbairn, Brett, 1989

Building a Dream: The Co-operative Retailing System in Western Canada, 1928-1988, Saskatoon: Western Producer Prairie Books.

Fairbairn, Garry, 1984

From Prairie Roots: The Remarkable Story of Saskatchewan Wheat Pool. Saskatoon: Western Producer Prairie Books.

Furlough, Ellen, 1991

Consumer Cooperation in France: The Politics of Consumption, 1834-1930, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press.

Ginder, Roger G., 1993

“Aaron Sapiro’s Theory of Cooperatives: A Contemporary Assessment,” Journal of Agricultural Cooperation , pp. 93-102.

Goodwyn, Lawrence, 1978

The Populist Moment: A Short History of the Agrarian Revolt in America, Oxford: Oxford University Press (abridged version of Democratic Promise: The Populist Moment in America, 1976).

Grimley, O.B., 1950

Co-operatives in Norway, Oslo: Co-operative Union and Wholesale Society.

Fairbairn 52Hall, F. and W.P. Watkins, 1937

Co-operation: A Survey of the History, Principles, and Organisation of the Co-operative Movement in Great Britain and Ireland, Manchester: Cooperative Union.

Hays, Samuel P., 1957



The Response to Industrialism: 1885-1914, Chicago: The University of

Chicago Press.

Holyoake, George Jacob, 1879

The History of Co-operation in England: Its Literature and its Advocates, 2 vols. [reprint 1971] New York: AMS Press.

International Co-operative Alliance, 1966

“Report of I.C.A. Commission on Cooperative Principles,” ICA

Twenty-Third Congress Report, Vienna, 5th to 8th September 1966.

Lambert, Paul, 1963

Studies in the Social Philosophy of Co-operation, trans. Joseph Létargez, Manchester: Co-operative Union (originally published as La doctrine coopérative, Brussels and Paris, two editions, 1959).

McGillivray, Anne and Daniel Ish, 1992

Co-operatives in Principle and Practice, Occasional Paper #92-01,

Saskatoon: Centre for the Study of Co-operatives.

MacPherson, Ian, 1979

Each for All: A History of the Co-operative Movement in English Canada, 1900-1945, Toronto: Macmillan.

1994 “Co-operatives in the Twenty-first Century—A Consultation,” discussion paper circulated at the Canadian Association for Studies in

Co-operation, University of Calgary, June 1994.

Odhe, Thorsten, 1931

Finland: A Nation of Co-operators, transl. John Downie, London:

Williams & Norgate.

Sapiro, Aaron, 1923

“True Farmer Cooperation: The California Plan of Cooperative Marketing. How it Differs from the Rochdale Plan. ‘Locality’ vs.

‘Commodity.’ Organization and Financing.” Originally in the World’s Work (May 1923), pp. 84-96; Reprinted in Journal of Agricultural Cooperation (1993), pp. 81-93.

Sekerak, Emil and Art Danforth, 1980

Consumer Cooperation: The Heritage and the Dream, Santa Clara, California: Consumers Cooperative Publishing Association.

Smith-Gordon, Lionel and Cruise O’Brien, 1919

Co-operation in Denmark, Manchester: Co-operative Union. The Meaning of Rochdale 53

Watkins, W.P., 1986

Co-operative Principles Today & Tomorrow, Manchester: Holyoake Books.

1970 The International Co-operative Alliance, 1895-1970, London: International Co-operative Alliance.

Wieting, C. Maurice, 1952

The Progress of Cooperatives, With Aids for Teachers, New York: Harper and Brothers.

## پینوشت‌ها

---

۱. چاپ مجدد در: Lambert (1963), p. 292; Bonner (1961), p. 46; Cole (1944), p. 75، سه منبع استفاده شده از نظر علامت گذاری کمی متفاوت هستند.

### 2. Colony

۳. بازنویسی شده توسط Lambert (۱۹۶۳، pp. ۲۹۲-۲۹۷). این نکته را باید متذکر شد که اموال می باید در دستان افراد مورد اعتماد واگذار می شد، زیرا جوامع تحت نام «قانون جوامع دوستی» ثبت نام کرده و آن قانون نگهداری اموال را قدغن ساخته بود. در سال ۱۸۵۲ «قانون جوامع مآل اندیش» اولین اجازه را به تعاونی ها داد تا اموال خود، از جمله زمین تا سطح یک ایگر (تقریباً یک سوم هکتار) را تصاحب کنند.

4. From Bonner (1961), pp. 50-51.

۵. واحد پول انگلیس

6. Bonner (1961)

7. Patronage refunds

8. Bonner (1961), pp. 101-102
  9. Bonner (1961), p. 48
  10. Holyoake (1879), pp. 72-88 (selections)
  11. Propagandism
۱۲. صفحه ۸۷.
13. Audited
  14. Balance sheets
۱۵. بنا به اظهار نظر (Watkins, 1970, p. 204)
16. Co-operative commonwealth
  ۱۷. اصول عموماً اشاره به عنوان دارند: عضویت باز و داوطلبانه، کنترل دمکراتیک، سود محدودشده بر روی سرمایه، پخش مازاد (یا سود برگشتی، هر دو عنوان تا اندازه ای منحرف کننده اند)، آموزش تعاونی و تعاون در میان تعاونی ها.
  18. Watkins (1986), descriptions of each principle from pp. 15, 37, 55-56, 110-111, 123-124
  19. Association (or unity)
  20. Equity
  21. Liberty
  22. Education
  23. Pp. 11-15; see also pp. 51-53
  24. Equality
  25. Equity
  26. Ethics
  27. Autonomy and independence
  28. Identity and unity